

مسئول شورای ملی مقاومت
به دبیرکل سازمان ملل متحد
در باره قتل عام دههاتن
از روستائیان کردستان ایران

در صفحه ۴



سال چهارم - پنجشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۶۱ - نكشماره ۱۰۰۰ ریال (خارج از کشور معادل ۲۵ دلار)



تفسیر سیاسی رادیوی حزب دمکرات
کردستان ایران در رابطه با دیدار ویانیه
مشترک برادر مجاهد مسعود رجوی
و نایب نخست وزیر عراق

اطلاعیه گروهی از شخصیت های مبارز
بازارتهران در حمایت از شورای ملی مقاومت
و جلب کمک مالی جهت خانواده شهدا
و مجاهدین خلق ایران

پیام مسئول شورای ملی مقاومت

در باره آخرین تهاجم جنگ افروزانه خمینی

جنگ است. دیروز خیابان آزادی (جادهی منتهی به فرودگاه تهران) در تمام ساعات به مسیر ویژهی حمل مجروحین و اجساد اختصاص داشت. شاهدان عینی از ارتش دست کم پنجهزارگشته را تا روز دوم حمله گزارش می کنند که در میان آنها جوانان کم سن و سال - بقیه در صفحه ۲

حتی چند هواپیما در مشهد بزمین نشسته و به همین منظور "ستاد" های ویژه "تخلیه" در فرودگاههای مختلف کشور و همچنین ایستگاههای راه آهن از اندیمشک گرفته تا اصفهان، ایجاد شده است. بیمارستان های اهواز، دزفول، ماهشهر و بیمارستان "مام رضا"ی مشهد مملو از مجروحین و اجساد گشته های

هموطنان! بر حسب آخرین گزارشات واصله از داخل کشور، انتقال انبوه اجساد و مجروحین جبههی جنگ با استفاده از هواپیما، قطار، کامیون، وانت بار و اتومبیل های معمولی به جانب شهرها و بیمارستان های مختلف کشور در سه روز گذشته، پیوسته ادامه داشته است. تا دیروز

اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق دربارس

در باره دستگیری کیانوری و هم دستانش

خمینی حتی به گسانیکه با خود او در سرکوب نیروهای دمکراتیک و ملی ایران همکاری کرده اند، رحم نمی کند. در گذشته سازمان مجاهدین خلق ایران، مدارک متعددی حاکی از همکاری حزب توده با رژیم بقیه در صفحه ۲

شورای ملی مقاومت ایران
مراسم بزرگداشت چهارمین
سالگرد انقلاب شکوهمند
۲۲ بهمن را در کشورهای
مختلف برگزار کرد
در صفحه ۴

گزارشی از مراسم بزرگداشت
سالروز "عاشورای مجاهدین"
در کشورهای مختلف
و بازتاب گسترده آن
در مطبوعات جهان
در صفحه ۹

متن پیام برخی از احزاب و شخصیت های مترقی جهان
بمناسبت ۱۹ بهمن و ۲۲ بهمن در محکومیت رژیم خمینی
و حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت
در صفحات ۱۸، ۱۷ و ۲۹

انرسری تجربات درسدکل مجاهد خلق

نکاتی چند پیرامون اطلاعات و شناسائی

برای زدن هر ضربه به دشمن، باید بطور کلی دشمن و تاکتیک های عام او و بطور اخص "سوزه های" که بایستی مورد تهاجم قرار بگیرد را از زوایای مختلف شناخت و با کسب اطلاعات لازم دربارهی سوزه، برنامه های عملیاتی را تنظیم و طراحی نمود.
در صفحه ۷

در باره اختلاف شورای نگهبان
و مجلس ضد خلقی رژیم
و سخنان خمینی در این رابطه
در صفحه ۱۱

سرمقاله
**زمان به زیان
جنگ طلبی خمینی
است
جسورانه مخالفت ها را
برانگیزیم**

هفتهی گذشته، تهاجم جدیدی از سوی رژیم خمینی به خاک عراق آغاز شد. روزهای قبل از آن مسئولین جنایتکار رژیم خمینی برای تسکین بحرانهای غیرقابل حل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، مرتباً اخبار و اولتیماتوم می دادند که بزودی حملهی نهائی به خاک عراق در جهت سرنگونی حکومت آن کشور و استقرار باصطلاح جمهوری اسلامی را در آنجا آغاز خواهند نمود. بلافاصله پس از شروع حملهی جدید، رادیو و تلویزیون و مطبوعات جیره خوار خمینی، با اشکال همیشگی تبلیغات گرکنندهی خود، دروغهایی را تحت عنوان اخبار جنگ، اعلام کرده و پیروزی نهائی و قریب الوقوعی را وعده دادند! رژیم خمینی در اولین روز حمله اعلام کرد:
"رزمندگان اسلام با در هم شکستن یکی از بزرگترین استحکامات دشمن و با در هم شکستن خطوط دفاعی دشمن، یک تیپ از لشکر ۱۴ عراق، دوگردان پیاده و یک گردان مکانیزه ی دشمن را بکلی منهدم کردند و ۲۵۰ کیلومتر مربع از منطقهی جنوب فکه را آزاد کردند، سه پاسگاه مرزی ایرانی را آزاد و سه پاسگاه مرزی عراق را تصرف نمودند، یک جادهی بقیه در صفحه ۳

پیام مسئول شورای ملی مقاومت درباره آخرین تهاجم جنگ افروزان خیمینی

بقیه از صفحه اول

در مسیر سرنگونی رژیم خیمینی و مجاهدت صادقانه در راه استقرار صلح و آزادی میسر است.

همچنین باید خاطر نشان نمود:

جریانات و کسانی که خارج از ایران و دور از درد و رنج ملت ایران، با تظاهر به ملی-گرائی و تبلیغ میهن پرستی کاذب و خیمینی گرایانه، علیه سیاست "صلح و آزادی" شورای ملی مقاومت و بیانیهی مشترک مسئول شورا و نایب نخست وزیر عراق مبنی بر "استقرار صلح بر اساس تمامیت ارضی طرفین" خرده می گیرند؛ عملاً به جنگ طلبی ضد میهنی خیمینی، یاری می رسانند. بنابراین با توجه به خسارات و ضایعات جبران ناپذیر و روزافزون ملت ایران در مسیر جنگ طلبی ضد میهنی خیمینی، زمان آن فرارسیده است که هر کس که داعیهی وطن خواهی و ایرانیت دارد، کلی گویی را کنار گذاشته و موضع خود را پیرامون مبانی و راههای عملی خاتمه دادن به جنگ و درهم شکستن سیاست ضد ملی خیمینی در این باره آشکارا بیان دارد.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

۲۱/بهمن ماه/۱۳۶۱

میهن پرست ارتش در مرزها و به تعویق انداختن اعادهی خواست های عادلانهی اقتصادی و اجتماعی مردم به بهانهی "جنگ"، چند صباحی بر طول حکومت ننگین خود بیافزاید. حال اینکه پس از صدور بیانیهی مشترک اینجانب و نایب نخست وزیر عراق در ماه گذشته، دیگر تمام جهانیان می دانند که خاتمه دادن فوری به جنگ و استقرار صلح عادلانه بر اساس تمامیت ارضی هر دو کشور هیچ مانعی جز "خیمینی" و شهوت رذیله های او برای کشورگشائی و تحمیل یک جمهوری باصطلاح اسلامی از نوع خودش به مردم عراق ندارد.

شورای ملی مقاومت ضمن محکوم نمودن شدید این جنایات ضد بشری خیمینی آن را گواهی آشکار دیگری بر خصلت "ضد ملی و ضد میهنی" ادامه ی جنگ ارزیابی نموده و افشا و درهم شکستن این سیاست را وظیفه ی عموم نیرو-های خواستار آزادی و استقلال ایران و بویژه پرسنل میهن پرست ارتش می شناسد.

در واقع بازهم آشکارتر شده است که جنگ طلبی خیمینی به غایت ضد ملی و ضد میهنی است و جنگ عادلانه ی میهنی تنها

که اغلب در میدان های مین به کام مرگ فرستاده شده اند فراوان دیده می شود. در همین ایام بسیاری از پرسنل نیروهای زمینی و نیروی هوایی نیز جان خود را از دست داده اند که منجمله می توان از سروان خلبان "حمید نادری نیا"، سرگرد خلبان "علیمحمد سلیمانی" و سروان خلبان "حسین دلپناه" نام برد که هواپیمای شناسائی و هواپیمای شکاری F-4 آنها مورد اصابت موشک قرار گرفته است. رقم کلی مجروحین و کشته شدگان قطعاً از ده هزار تن فراتر می رود اما رژیم خیمینی درباره ی رقم کلی تلفات ایران - آنهم در نخستین مرحله ی عملیاتی که رفسنجانی آن را آخرین عملیات فتح عراق اعلام کرده بود - تا این ساعت سکوت پیشه کرده است.

به این ترتیب بار دیگر در نخستین مرحله ی یک تهاجم جدید، هزاران خانواده ی دیگر داغدار و مصیبت زده شدند و خیمینی اضافه بر همه ی هزینه ها و خسارات مادی و نظامی، فاجعه ی وحشتناک دیگری را در ادامه ی سیاست جنگ طلبانه ی خود، به ملت ایران تحمیل نمود تا بلکه بتواند با سرپوش گذاشتن بر بحران ها و مشغول داشتن پرسنل

اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق دربارس درباره دستگیری کیانوری و همدستانش

بقیه از صفحه اول

کیانوری همچنین در گذشته چندین بار در روزنامه ها و اطلاعیه های رسمی خود خواستار اعدام گادرهای مجاهدین و بویژه رهبری سازمان و برادران مجاهد مسعود رجوی و موسی خیابانی شده و همچنین از هیچ اقدامی بر علیه مقاومت کردستان بویژه بر علیه حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر شخصیتها و نیروهای ملی و ترقیخواه فروگذار نمی نمود.

بنابراین اگر کیانوری و همدستانش ضمن هفته های آینده آزاد نشوند:

۱- چنانکه سازمان مجاهدین خلق ایران از قبل پیش بینی می نمود، استفاده ی تاکتیکی که خیمینی از کیانوری و همدستانش بعمل می آورد، اکنون پایان یافته است و آنها خود در دام تروریسم و فاشیسم مذهبی ای افتاده اند که پیوسته تملق آنرا گفته و آنرا تحت عنوان "ضد امپریالیستی و مردمی!" توجیه می کردند. هدف آنها از مداحی-های دائمی خود بد نفع رژیم خیمینی، برخورداری از حق فعالیت علنی و نفوذ در ادارات کشور، آنهم در شرایطی بود که حزب آنها از هیچ پایگاه اجتماعی و سیاسی در داخل ایران برخوردار نبوده و لا جرم علیرغم دعاوی باصطلاح پرولتاری، عملاً در پشت خرده بورژوازی عقب مانده ی قرون وسطائی خیمینی، گام بر میداشت. چرا که آنها پس از ۲۵ سال دوری از مبارزات مردم ایران و مخصوصاً بدلیل پشت کردن مستمر به روشها و اخلاقیات دمکراتیک، ملی و انقلابی برای حفظ موجودیت خود چاره ای جز فاصله گرفتن هرچه بیشتر از مردم ایران و همکاری با رژیم جنایتکار خیمینی و "نفوذ از بالا" نداشتند!

۲- دستگیری کیانوری و دوستانش نشانه ی اوج گیری فزاینده ی تضادهای درون رژیم خیمینی است که از یکسو دائماً به حذف پاره ای از نزدیکترین دوستان و متحدان شخص خیمینی و رژیمش منجر شده و از سوی دیگر هر روز بر افراد رژیم می افزاید. بنابراین دستگیری کیانوری و همدستانش را بمثابة گسترش موج تصفیه و ترور به درون متحدان رژیم بایستی نشانه ی دیگری از ضعف مفرط رژیم تلقی نمود.

۳- دستگیری کیانوری و دوستانش، هم چنین حاکی از حق جناحی از سنت گرایان مذهبی رژیمش که همکاری خیمینی و حزب توده برایشان قابل درک نبود، قائل شده است. تا بدینوسله بتواند موازنه ی بین جناحهای مختلف روحانیون حاکم را - که اختلافات آنها کل موجودیت رژیم را به زیر علامت سوال میبرد - حفظ نماید. مدت ها بود که جناح مزبور از غیر موثر بودن سیاست سرکوب و اعدام بر علیه نیروهای قدرتمند مقاومت و زیاده رویهای پاسداران خیمینی که تمام مردم را به خشم آورده، به وحشت افتاده و از استمرار روز افزون این سیاست برای موجودیت کل رژیم، نگران بودند. اما خیمینی که به هیچ وجه نمی تواند سیاست سرکوب و اختناق مطلق را کند نموده و حتی یک گام واقعی نیز به سمت رفرم و لیبرالیزه کردن امور بردارد، اکنون با دستگیری سران حزب توده در صدد دلجوئی و جلب حمایت این جناح برآمده است. زیرا هرگونه توقف در اختناق و دیکتاتوری و هرگام لیبرالیستی و یا رفرمیستی واقعی، قطعاً بهمان انفجاری منجر می شود که طومار رژیم شاه را نیز درهم پیچید.

۴- در سطح بین المللی، دستگیری رهبران حزب توده را همچنین میتوان اقدامی به منظور جلب حمایت کسانی که برای حزب توده بیش از حد حساب باز کرده و آن را به غلط در تحولات آتی ایران عامل مهمی محسوب می کنند، تلقی نمود. بویژه که این روزها خیمینی برای ادامه ی جنگ با عراق قویاً محتاج پول و سلاح و حمایت بین المللی نیز هست.

۵- بدیهیست سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس اصول شناخته شده ی خود علیرغم حمایت آشکار حزب توده از سرکوب و اعدام مجاهدین و دیگر نیروهای مقاومت، چون گذشته هرگونه نقض حقوق بشر و اعمال شکنجه و محاکمات مخفی در دادگاههای ناصالح رژیم خیمینی را درباره هرکس و هر گروه حتی درباره ی سران حزب توده و سلطنت طلبان نیز محکوم می شناسد. دفتر مجاهدین خلق دربارس ۱۹/بهمن/۶۱

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان درباره

تهاجم انقلابی مشترک پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران و پیشمرگه های مجاهد خلق به دو پایگاه جدید التاسیس در شمال کردستان

بقیه از صفحه آخر

گوبنده و فزاینده ی خود را بر رژیم فرتوت و محتضر خیمینی وارد آوردند در چهارده بهمن ماه جاری پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان ایران و پیشمرگه های مجاهد خلق به دو پایگاه نظامی جدید الاحداث دشمن در روستای "حمام لر" واقع در کردستان شمالی حمله کردند و تلفات و خسارات زیادی به نیروها و تاسیسات دشمن وارد نمودند. این دو پایگاه که به تازگی در روستای "حمام لر" تاسیس شده بودند، مورد حمله ی پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران و پیشمرگه های مجاهد خلق قرار گرفتند.

در این حمله مشترک پیشمرگان

پی در پی در سراسر کشور، سرپای رژیم را درهم می گوبند و راه پیروزی ورهائی خلق را می گشایند.

رژیم پوسیده ی خیمینی در سال جاری در منطقه ی کردستان نیز همچون سایر نقاط کشور دامنه ی سرکوب و گشتار را وسیع تر و شدیدتر نموده و تعداد پایگاه ها و مزدوران خود را افزایش داده است. اما در همه جا با مقاومت مردم قهرمان کردستان و حملات بی امان پیشمرگان قهرمان مواجه شده است. در چند ماه اخیر پیشمرگه های مجاهد خلق همگام با سایر رزمندگان مجاهد در سراسر کشور ضربات

قهرمان در اولین دقیق عملیات با استفاده از موشک های آر. پی. جی قسمت هایی از ساختمان این دو پایگاه را منهدم می کنند و بارگبار مسلسل های خود که از فاصله ی ۲۰ متری بسمت مزدوران شلیک می شد ۲۲ تن از آنها را کشته و زخمی می نمایند.

کلیه ی پیشمرگه های قهرمان پس از پایان تهاجم بدون هیچ گونه خسارتی منطقه عملیات را ترک می کنند. این حمله موفقیت آمیز موجب هراس و وحشت فوق العاده دشمن زبون شده و مزدوران خیمینی را از پیشروی باز داشته است. عملیات فوق همچنین حمایت و استقبال مردم مستمیده و مقاوم منطقه را به دنبال داشته است.

مرگ بر خیمینی
زنده باد آزادیپیش بسوی استقرار دولت موقت
جمهوری دمکراتیک اسلامی ایرانمجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان

۶۱/۱۱/۱۵

زمان به زیان جنگ طلبی خمینی است، جسورانه مخالفت‌ها را برانگیزیم

بقیه از صفحه اول

رژیم خمینی از ابتدای جنگ تا بحال در زمینه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین تضادهای درونی هیات حاکمه‌اش همواره با مشکلات متعددی دست‌بگیر بوده‌است. بموازات افت مشروعیت سیاسی و اجتماعی رژیم و بخصوص پس از پایان تمام عیار این مشروعیت در ۳۰ خردادماه ۶۰ که رژیم را با وسیع‌ترین مقاومت انقلابی مسلحانه در سطح سراسری مواجه ساخت. این مشکلات ابعاد وسیع‌تری یافت. پس از تخلیه‌ی خاک ایران از نیروهای عراقی و اعلام آمادگی این کشور برای پذیرش مرزهای بین‌المللی در خردادماه ۶۱ و سلب هرگونه دلیل و بهانه‌ای از خمینی دجال برای ادامه‌ی جنگ، مشکلات فوق‌الذکر وارد مرحله‌ی کیفیتا متفاوتی گردید. اگر چه رژیم طی ۹ ماه گذشته با سخیف‌ترین ردیلا نه‌ترین شیوه‌های ضدانقلابی و ضدبشری درصدد غلبه بر این مشکلات برآمده‌است ولی هرروز که می‌گذرد آنها بصورتی جدی‌تر چهره می‌نمایند. منجمله:

- پس از ۳۰ خرداد ۶۰ و پایان یافتن تمام عیار مشروعیت رژیم خمینی، از آنجا که سرنگونی رژیم خمینی بصورت مسأله اصلی تمامی خلق ایران درآمد، رژیم در زمینه‌ی تامین نیروی لازم برای جبهه‌ها با مشکلات جدیدی مواجه گشت. گرچه خمینی با افزایش جو عوامفریبی و اختناق و شکنجه و ترور، تمامی تلاش خود را در زمینه‌ی اعزام اجباری به جبهه‌ها بکار بست تا از اعتراض و امتناع و سرباززدن مردم از شرکت در جبهه‌ها جلوگیری نماید (وبطور موقت هم‌که شده تا حدودی موفق گردید) ولی پس از تخلیه‌ی خاک ایران از قوای عراق و عدم وجود عذر و بهانه‌ای برای ادامه‌ی جنگ، مخالفت برای رفتن به جبهه‌ها ابعاد جدیدی بخود گرفت، بگونه‌ای که رژیم ناچار شد برای تامین نیروی مورد نیاز جبهه‌ها، به لطایف الحیل و انواع و اقسام فریب و اجبار روی آورد و جوانان و نوجوانان میهنمان را به صحنه‌های جنگ ارتجاعی خود بکشاند. در همین رابطه شیطان جماران فتاوی مختلف خود را در مورد وجوب رفتن به جبهه‌ها، عدم ضرورت

می‌دادند اسیر شدند. در حمله‌ای نیز که ۴ روز پس از آن از طرف رژیم خمینی صورت گرفت ۱۰۰۰ نفر دیگر از یک تیپ ایرانی به اسارت درآمدند.

بالاخره افشای اجتماعی شکست رژیم خمینی در جبهه‌ی جنگ و انتشار تلفات و خسارات آن رژیم را بلحاظ سیاسی و اجتماعی در موضع تدافعی قرارداد و مجبور گرد تا از سکوت دست بردارد و با استفاده از شیوه‌ی "نگار واقعیت" - که مورد استفاده‌ی تمامی رژیم‌های ضد مردمی و روبه‌زوال است - بر تلفات و شکست خود در این تهاجم مهرتائید بگذارد. دوزخ پس از تهاجم، رژیم برای توجیه شکست خود اعلام کرد که:

"نیروهای اسلام در نخستین تهاجم گسترده‌ی خود

تدارکاتی و مرزی مهم عراق را به تصرف در آوردند و کار تخلیه‌ی اسرا به پشت جبهه آغاز شده است... بلافاصله اکثر مقامات درجه اول رژیم نیز "پژ" پیروزی گرفته و این حمله را حمله‌ی نهائی و پایان کار حکومت عراق (و در جهت پیروزی باصطلاح انقلاب اسلامی در آنجا) اعلام کردند و طبق معمول برای کشورهای منطقه نیز خط و نشان کشیدند.

روز ۱۸ بهمن (اولین روز تهاجم اخیر) رفسنجانی در جلسه‌ی علنی مجلس چنین گفت: "بدنبال انتظارات طولانی مردم، دیشب حمله‌ی سرنوشت ساز رزمندگان اسلام به دشمن بعث علفی آغاز شد... انتظار داریم که این آخرین عملیات رزمی ما باشد و

امروز بخلاف گذشته، خمینی دجال با مخالفت‌های جدیدی از سوی جناح‌هایی از رژیم در رابطه با ادامه‌ی جنگ روبرو می‌باشد. وجود چنین مخالفت‌هایی و بیم و هراس خمینی از آنها، در سخنانش خطاب به مسئولین تفتیش عقاید وزارت دفاع دردی ماه جاری بخوبی روشن است. او در قبال مخالفین جنگ از موضع کاملاً تدافعی و البته با سوءاستفاده از فرهنگ و سنن انقلابی اسلام در جهت مطامع ضدانقلابی وضداسلامی چنین می‌گوید:

"... البته ما صدمات به افراد رانمی‌توانیم جبران کنیم، لکن امید است که بعدها اشخاص دیگری بیایند، جبران کنند..."

در جریان مرحله‌ی مقدماتی این عملیات، بزرگترین و بی‌سابقه‌ترین استحکامات نظامی را در طول جنگهای نیم قرن اخیر درهم شکستند...

و پس از آن نیز خمینی کذاب و شاید علیرغم آنکه در همان جبهه دهها هزار نیرو را وادار به تهاجم کرده بود، بخاطر مقابله با ناراضی اجتماعی در قبال تلفات چنین گفت:

"که حتی در این نبرد آخر، گاهی می‌گویند ۷۰۰۰، گاهی می‌گویند ۱۵۰۰۰ ما از ایرانیان را یعنی از این سپاهیان ایران را کشتیم و از بین بردیم... بیش از ۴۰۰۰ نفر ستادیم در جبهه‌ها... آنچه گذشت رویدادهای چند روز اول تهاجم اخیر

سرنوشت نهائی منطقه را تعیین بکند... امیدواریم که این عملیات تداوم داشته باشد و تمام نشود..."

همانروز موسوی اردبیلی اعلام کرد که:

"... هر چه ما به پیش می‌رویم دشمن ناامیدتر می‌شود و کسانی که به سلاح‌های خود مغرور بودند می‌بینند که جوانان ما و رزمندگان ما بدون کوچکترین اعتنائی به تبلیغات دروغین آنها، همچنان میدان به میدان پیش می‌روند و دشمن را از پای درمی‌آورند..."

نخست وزیر خمینی جلال نیز که باصطلاح در جبهه‌های جنگ به سر می‌برد گفت:

"... تاکنون رزمندگان پرتوان ما به تمامی اهداف از قبل پیش‌بینی شده‌ی خود با وجود میادین مین و کانال‌های گوناگون و خاکریزهای متعدد دشمن دست یافتند و ضربات کاری بر پیکر نحیف صدامیان وارد ساختند..."

ولی علیرغم دعاوی فوق‌الذکر، از اواخر همان اولین روز حمله، بسرعت و به نحوی بیسابقه، تبلیغات رژیم در رابطه با پیروزی در جبهه‌ی جنگ فروکش نمود و متقابلاً علیرغم سکوت مطلق رژیم در باره‌ی تلفات و خسارات ناشی از تهاجم اخیرش، اخبار مربوط به شکست آخرین حمله‌ی رژیم خمینی و تعداد انبوه کشته‌ها و مجروحین جنگ در میان مردم بسرعت و دهان‌به‌دهان پخش گردید. مردم همدیگر را در جریان اخبار مربوط به مجروحین جنگ در بیمارستانهای شهرهای مختلف و همینطور گثرت تعداد مجروحین و اجساد که توسط هواپیما و قطار و اتوبوس و کامیون و حتی وانت‌بار به شهرهای نزدیک جبهه از قبیل اهواز و دزفول و مسجد سلیمان حمل می‌شد، قرار دادند. برای انتقال مجروحین و اجساد به بیمارستانها و بهشت‌زرها ستادهای تخلیه و خطوط ویژه در خیابانهای منتهی به فرودگاه‌ها راه‌آهن، در نظر گرفته شده بود. در همان ابتدای حمله حداقل ۵۰۰۰ نفر از نیروهای ایران کشته و ۵۰۰۰ نفر که قسمت اعظم آنان را نوجوانان بین ۱۶ تا ۱۲ سال تشکیل

رژیم خمینی بخصوص در ماههای اخیر جهت خریدهای تسلیحاتی خود بی‌حساب با نفت ایزان را به تاراج داده و در این راه از هیچ خیانتی فروگذار نکرده‌است. با فروش بی‌حساب و کتاب نفت، حتی به قیمت کمتر از نصف نرخ رسمی اوپک نه تنها نفت ایران را به تاراج داده و می‌دهد، بلکه با شکستن قیمت نفت در بازارهای جهانی و کوشش در جهت متلاشی کردن سازمان اوپک، به یکی از بزرگترین خیانت‌ها از طریق بی‌عنادن سرمایه‌های سایر کشورهای عضو اوپک دست زده‌است

را نشان می‌دهد. تهاجمی که رژیم، آن را "مرحله‌ی مقدماتی اول عملیات والفجر" نامید و علی‌القاعده تمامی تلاش خود را بکار برد تا برای مراسم بی‌رونق سالروز حاکمیت‌اش چاشنی پیروزی در جبهه‌ی جنگ را تدارک ببیند.

هر چند که ممکن است در لحظه‌ای که شما این سرمقاله را می‌خوانید وقایع جدیدی نیز در جبهه‌ها اتفاق افتاده باشد، ولی صرفنظر از پیروزی‌ها یا شکست‌های مقطعی و موضعی رژیم خمینی در تهاجم به خاک عراق، بررسی چارچوب کلی موقعیت و تنگناهای رژیم خمینی در شرایط کنونی جنگ و مرحله‌ی جدید تهاجم و مروری بر وظایف توده‌های گسترده مردم و نیروهای انقلابی لازم و ضروری است.

برای تحقق صلح و آزادی، همهٔ سلاح‌ها را بجانب رژیم ضدبشری خمینی نشانه رویم!

نگرام مسئول شورای ملی مقاومت

به دبیرکل سازمان ملل متحد

درباره قتل عام دههاتن از روستائیان کردستان ایران

آقای دبیرکل

پیرو تلگرام مورخ ۶۱/۱۰/۱۴ درباره‌ی ۲۵ هزار اعدام و ۶۰۰۰۰ زندانی سیاسی در ایران، به پیوست اطلاعیه‌ی مورخ ۶۱/۱۱/۱۴، دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران را که حاکی از ویران ساختن ۳ روستا در کردستان ایران و قتل عام دههاتن از روستائیان بیگناه در تاریخ ۶۱/۱۱/۶، توسط عوامل سرکوبگر رژیم خمینی است تقدیم می‌کنم. در این اطلاعیه مشخصا اسامی ۲۷ تن از شهدای این جنایت هولناک قید شده که از گردگان ۱۴ ساله، ۱۶ ساله و ۱۷ ساله تا پیران ۹۰ ساله،

۹۵ ساله و ۱۰۰ ساله را در برمی‌گیرد. همچنین در میان شهدا نام یک زن ۴۰ ساله و یک مرد چهل ساله‌ی افلیج که قادر به حرکت نبوده و در جریان قتل عام روستائیان به شهادت رسیده است، دیده می‌شود.

آقای دبیرکل

قتل عام مردم روستاهای کردستان ایران کارا توسط رژیم خمینی صورت گرفته و اعدام‌های روزمره و نقض مداوم ابتدائی‌ترین حقوق بشر در سراسر ایران همچنان ادامه دارد. از سوی دیگر تمامی اظهارات و اقدامات سازمان‌های جهانی مدافع حقوق بشر نیز با توهین و تحقیر حکومت ایران و شخص خمینی

مواجه می‌گردد. علیهذا ضمن تقاضای اعزام هیات تحقیق ملل متحد در مورد قتل عام‌های متعدد مردم کردستان ایران توسط رژیم خمینی، تکرار می‌کنم که مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران از سازمان ملل متحد، انتظار دارد تا برای متوقف ساختن این جنایات وحشیانه در ایران، تدابیر فوری و جدی در سطح بین‌المللی اتخاذ نماید.

مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت

۶۱/۱۱/۲۳

رونوشت جهت اطلاع

— صلیب سرخ جهانی

— سازمان عفو بین‌المللی

— خبرگزاری‌ها و مطبوعات

گزارشی از چگونگی انتقال کشته‌ها

ومجر و حین بسیار زیاد ایران

پس از حمله‌ی اخیر خمینی به عراق

گزارشی را که ذیلا می‌خوانید، فقط مربوط به دو روز اول حمله‌ی اخیر خمینی به خاک عراق یعنی روزهای ۱۷ و ۱۸ بهمن می‌باشد.

مجر و حین استفاده شده است. فی‌المثل مجروحین اعزامی به نهران به دلیل کثرت تعدادشان عمدتا بوسیله‌ی قطار حمل شده‌اند.

بزرگترین و مجهزترین بیمارستان‌های شهرهای اهواز شیراز، تهران، مشهد و اصفهان به مجروحین جنگی اختصاص یافته‌اند. اما علیرغم بسیج و آماده‌باش قبلی، غالب بیمارستان‌ها دچار کمبود نیروی انسانی بویژه متخصص و کادر درمانی از جراح گرفته تا پرستار و بهیار و نیز امکانات و وسائل جراحی و درمانی هستند. همچنین از آنجا که بر اثر انفجار مین و اصابت ترکش خمپاره، شدت جراحات وارده و خونریزی بسیار زیاد است لذا کمبود خون در همه‌ی بیمارستان‌ها به چشم می‌خورد.

اجساد کشته شده‌ها و مجروحین، ابتدا به قرارگاه‌های مختلف، از جمله "قرارگاه کربلا" حمل گردیده و سپس به سردخانه‌ی "گل‌خانه" اهواز منتقل می‌شده‌اند. پس از تفکیک و تقسیم اجساد بین مناطق ۵ گانه‌ی کشور، آنها را به "ستاد تخلیه‌ی شهدا" واقع در جاده‌ی اهواز - خرمشهر می‌فرستاده‌اند. سپس از آنجا اجساد بوسیله‌ی قطار، ماشین‌های ترابری صنایع فولاد اهواز، ماشین‌های مخصوص حمل گوشت، بنزهای خاور و آمبولانس و مینی‌بوس به شهرهای دیگر منتقل می‌شده‌اند.

ولی به علت نبودن سردخانه و یخچال‌های مخصوص در قطار و ماشین‌ها و حتی در مرکز "ستاد تخلیه"، اجساد بوی تعفن گرفته و از آنجا که در ستاد نیز به علت کمبود وسائل نقلیه، غالباً چندین روز، اجساد روی هم انباشته می‌شوند لذا از مسافت دور نیز، بوی تعفن بسیار شدیدی به مشام می‌رسد.

بعد از ظهر روز ۱۶ بهمن یعنی یکروز قبل از آغاز حمله‌ی اخیر، از سوی رژیم به عمده‌ترین و مجهزترین مراکز درمانی ۵ استان بزرگ کشور و بویژه استان خوزستان آماده‌باش داده شده بود. پس از آغاز حمله هنوز بیش از یکساعت نگذشته بود که حمل انبوه اجساد کشته‌ها و همچنین مجروحین جنگ به پشت جبهه آغاز گردید.

ابتدا مجروحین توسط واحدهای هلال احمر به اورژانس‌های بین خط مقدم جبهه و پشت جبهه حمل گردیده و از آنجا با هلی‌کوپتر به شهرهای اهواز و دزفول و اندیمشک منتقل می‌شدند، اما بندریج با افزایش تعداد مجروحین، از آنجا که دیگر هلی‌کوپترها کفایت نمی‌کردند، انواع و اقسام ماشین‌های سواری نیز برای حمل مجروحین مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در این رابطه مسئولین بیمارستان‌ها غالبا از کمبود شدید آمبولانس گله داشتند و اظهار می‌داشتند که: "مقامات، در جواب درخواست ما برای اعزام آمبولانس جهت حمل اجساد گشته شده‌ها و رساندن مجروحین به بیمارستان‌ها، تعدادی وانت نیسان در اختیارمان گذاشتند که به هیچ وجه برای این کار - حمل مجروح - مناسب نیست".

ساعاتی پس از آغاز انتقال مجروحین به پشت جبهه، پرواز هواپیماهای C-۱۳۰ به شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و شیراز آغاز می‌شود، بطوری که تنها تا روز دوم پس از آغاز تهاجم نیروهای خمینی، ۲ فروند هواپیما به مشهد، ۴ فروند به اصفهان، ۲ فروند به شیراز و ۸ فروند به تهران، آن‌هم فقط برای انتقال مجروحین پرواز کرده‌اند. اما به علت کمبود هواپیما به نسبت تعداد مجروحین، از قطار به عنوان وسیله‌ی اصلی حمل و نقل

اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران

هموطنان گرامی!

مردم رزمنده‌ی کردستان! خلق‌های شرافتمند ایران!

رژیم جنایتکار خمینی، جنایت هولناک دیگری در کردستان مرتکب شد و خاطره‌ی تلخ قتل عام قارنا و ایندرفاش و روستاهای دیگر را در دل‌ها زنده کرد و یکبار دیگر چهره‌ی کریه ضدانسانی خود را آشکار ساخت.

پس از شکست‌های پی‌درپی مزدوران خمینی در کردستان و بویژه پس از آنکه چند روز پیش ضربه‌ی سختی در نزدیکی میان‌دوآب متحمل شدند، چون اینان از مقابله با پیشمرگان زبون و ناتوانند در روز ششم بهمن‌ماه مطابق ۲۶ ژانویه به روستاهای سرچنار (کلب رضاخان)، سوزی و قره‌گل حمله بردند و پس از قتل عام مردم بی‌دفاع خانه‌ها و دام‌های این سه روستا را به آتش کشیدند. تنها در روستای قره‌گل ۱۸ نفر و در روستای سرچنار ۹ نفر بوسیله‌ی پاسداران خمینی کشته شدند. لیست کشته شدگان هنوز تکمیل نشده و عده‌ای نیز مفقودالائرنند. اکثر این سه

روستا طعمه‌ی حریق گردیده و ساکنان آن اجبارا در سرمای سخت زمستان روستاهای خود را ترک کرده و آواره شده‌اند ما بنام حزب دمکرات کردستان ایران از همه‌ی خلق‌های شرافتمند ایران، از همه‌ی سازمان‌های دمکراتیک، از شورای ملی مقاومت، از همه‌ی سازمان‌های بشردوست جهان می‌خواهیم که صدای اعتراض خود را علیه این جنایت قرون وسطائی بلند کنند و رژیم رسوای خمینی را بیش از پیش رسواتر سازند.

این جنایات‌ها به هیچ‌وجه اراده‌ی آزادیخواهی و پیکارجویی مردم کردستان را درهم نخواهد شکست. برعکس مردم و پیشمرگان کردستان با اراده‌ی خلل‌ناپذیر و پیگیرانه به مبارزه‌ی خود در راه خودمختاری برای کردستان و دمکراسی برای ایران ادامه خواهند داد و بدون تردید انتقام خون شهیدان عزیز سرچنار (کلب رضاخان)، قره‌گل و سوزی را از رژیم جنایتکار خمینی خواهند گرفت.

حزب دمکرات کردستان ایران دفتر سیاسی

۱۴ بهمن ماه ۱۳۶۱

شهدای فرهدکل

- ۱- ملا عبدالله بادی نی ۵۰ ساله
 - ۲- عمر پیروت سور ۳۵ ساله
 - ۳- محمود پیروت سور ۱۴ ساله
 - ۴- علی سالک ۵۰ ساله
 - ۵- رحمان سالک ۲۰ ساله
 - ۶- حاجی محمود سالک ۹۵ ساله
 - ۷- ملا اسماعیل شازده ۴۰ ساله
 - ۸- کامل شازده ۱۶ ساله
 - ۹- مصطفی شام ۴۰ ساله
 - ۱۰- محمود عبدالله‌ی ۴۵ ساله
 - ۱۱- حاجی محمد مرزنگ ۷۰ ساله
 - ۱۲- عثمان مرزنگ ۳۵ ساله
 - ۱۳- محمود مرزنگ ۳۰ ساله
 - ۱۴- مامند قرنی ۱۲ ساله
 - ۱۵- ابراهیم خیاطی ۵۰ ساله
 - ۱۶- محمود چمنی ۲۰ ساله
 - ۱۷- ایوب کرپیام شوان ۳۰ ساله
 - ۱۸- محمد امین قربانی اقدم ۴۰ ساله
- شهدای سرچنار
- ۱- صوفی محمد امین احمدی ۹۰ ساله
 - ۲- حاجی مصطفی چاوه ۱۰۰ ساله
 - ۳- حسن دیوار ۲۱ ساله
 - ۴- ایوب کرپناهی ۱۲ ساله
 - ۵- عثمان پناهی ۲۰ ساله
 - ۶- کبری مسگری ۱۷ ساله
 - ۷- سلطان مارف ۲۲ ساله
 - ۸- زینب دلارام ۴۰ ساله
 - ۹- محی‌الدین امانی ۴۰ ساله
- (وی فلج بوده و قادر به حرکت نبوده است)

شورای ملی مقاومت ایران مراسم بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن را در کشورهای مختلف برگزار کرد



از چپ به راست: آقایان، حمید کوثری، بهمن نیرومند، کرد نژاد، ناصر پاکدامن، منوچهر هزارخانی، برادر مجاهد محمدعلی جابرزاده انصاری، استاد جلال گنجهای، حسن ماسالی، نماینده حزب کار ایران (توفان) - احمد سلامتیان

در آستانه‌ی چهارمین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت در پاریس طی اطلاعیه‌ای که در تاریخ ۱۳ بهمن ماه صادر گرد، اعلام نمود که از سوی شورای ملی مقاومت در ۱۲ شهر از کشورهای آسیا، اروپا و آمریکا میتینگ‌هایی بمناسبت چهارمین سالگرد قیام پرشکوه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ برگزار خواهد گردید.

اولین میتینگ در روز پنجشنبه ۲۱ بهمن ماه ۶۱ در سالن "موتوالیته" پاریس برگزار شد. همچنین در روز ۲۲ بهمن ماه در شهرهای لندن، استکهلم، دهلی‌نو و کلن نیز مراسم مشابهی برپا شد. در ایتالیا در شهر فلورانس روز ۲۳ بهمن ماه و در آمریکا در شهر لوس آنجلس نیز در همین روز گرامیداشت انقلاب انجام گرفت. همچنین بر اساس این برنامه در روز ۲۷ بهمن ماه در شهر برلین و روزهای جمعه ۲۹، شنبه ۳۰ و یکشنبه اول اسفند در شهرهای واشنگتن، شیکاگو و هوستون آمریکا و نیز در روز ۹ اسفند در شهر آتن (یونان) مراسم مشابهی از سوی شورای ملی مقاومت برگزار خواهد شد. اینک توجه شما را به گزارش کوتاهی در مورد نحوه‌ی برگزاری این مراسم در چند کشور جلب می‌کنیم:

فرانسه - پاریس

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران پیام خواند. و آنگاه نماینده‌ی انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه متنی را که از سوی انجمن به مناسبت ۲۲ بهمن تدوین شده بود قرائت کرد. آنگاه در این قسمت از برنامه پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت توسط برادر مجاهد محمدعلی جابرزاده که از سوی ایشان به میتینگ اعزام شده بود قرائت گردید. در بخش دوم این برنامه به هنگام پرسش و پاسخ ده نفر از نمایندگان گروهها و شخصیت‌های عضو شورا در برابر شرکت کنندگان حاضر

در پاریس از ساعت ۲۰ الی ۲۴ روز پنجشنبه ۲۱ بهمن ماه میتینگ شورای ملی مقاومت در سالن موتوالیته برگزار گردید. این مراسم که آقای دکتر منوچهر هزارخانی مسئولیت اداری آنرا به عهده داشت، با سخنان دبیر شورای ملی مقاومت در گرامیداشت خاطره‌ی شهدا افتتاح گردید و پس از خوشآمد به حضار و اعلام سکوت به نشانه احترام به شهدای خلق پیام آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور توسط دبیر شورا قرائت گردید. سپس

شدند و به سوالات مطرح شده پاسخ دادند. شخصیت‌ها و نمایندگان سازمان‌های عضو شورای ملی مقاومت عبارت بودند از: آقای حمید کوثری نماینده شورای متحد چپ برای دمکراسی و استقلال ۲ - آقای بهمن نیرومند از طرف جبهه‌ی دمکراتیک ملی ایران ۳ - آقای ناصر پاکدامن ۴ - آقای کرد نژاد از سوی حزب دمکرات کردستان ایران ۵ - برادر مجاهد محمد علی جابرزاده از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران ۶ -

برنامه‌ی شورا و دولت موقت نیز بر روی پلاکاردهائی نوشته و نصب شده بود. در مدخل سالن محل تجمع گروههای مختلف عضو شورا و نیز گروههای سیاسی دیگری که با شورا همکاری و در آن عضویت ندارند نیز نمایشگاه کتاب داشتند و انتشارات خود را ارائه می‌دادند. خبرنگاران خارجی نیز در محل مراسم حضور یافته بودند. این مراسم دقایقی پس از نیمه‌شب به پایان رسید.

سوئد

در استکهلم از ساعت ۱۷ الی ۲۱/۳۰ روز جمعه ۲۲ بهمن ماه میتینگ شورای ملی مقاومت به مناسبت سالگرد انقلاب برگزار گردید. در این میتینگ برنامه‌هایی به زبان فارسی و سوئدی ترتیب یافته بود و ایرانیان مقیم سوئد و نیز گروه‌هایی از مردم آن کشور شرکت داشتند. پس از اجرای یک کر توسط خواهران و برادران عضو انجمن دانشجویان مسلمان سوئد ابتدا پیام آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور و سپس پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت به زبان سوئدی و زیرنویس فارسی قرائت گردید. آقای پرویز خزائی نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در اسکاندیناوی، سخنانی به زبان بقیه در صفحه‌ی ۲۸

نماینده‌ی حزب کار ایران (توفان) ۷ - آقای حسن ماسالی از سوی جنبش انقلابی - دمکراتیک زحمتکشان گیلان و مازندران ۸ - استاد جلال گنجهای نماینده جمعیت اقامه ۹ - آقای احمد سلامتیان ۱۰ - آقای منوچهر هزارخانی.

عده‌ای از احزاب و شخصیت‌های فرانسوی نیز بدین مناسبت و در حمایت و همبستگی با شورای ملی مقاومت پیام‌هایی ارسال داشته بودند. این پیام‌ها در بخش اول و دوم برنامه توسط مسئول جلسه قرائت گردید. پیام‌دهندگان عبارت بودند از:

- ۱- حزب سوسیالیست فرانسه
- ۲- حزب سوسیالیست متحد (فرانسه)
- ۳- آقای ماکسیم رودسون
- ۴- آقای کلود بورده از جانب کمیته‌ی ضداحتناق
- ۵- آقای پیر برسی از جانب حقوق بشر سوسیالیست
- ۶- دانشمند مشهور آلفرد کاستلر برنده‌ی جایزه‌ی نوبل فیزیک
- ۷- کمیته‌ی حمایت از انقلاب ایران در سالن مراسم پرچم ایران و عکس‌هایی از ستارخان کوچک‌خان، مصدق فقید و پدر طالقانی و سردار کبیر خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی و شهدا پاک نژاد، سعید سلطانپور، خسرو کلسرخ، قاضی محمد مسعود احمدزاده و بیژن جزئی نصب شده بود. شعارهای اصلی شورا و رؤس



گوشه‌ای از مراسم پرشکوه بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن که از طرف شورای ملی مقاومت ایران در سالن موتوالیته پاریس برگزار گردید.

شکست مفتضحانه رژیم خمینی

درباره برداری ارتجاعی

از سالروز قیام ۲۲ بهمن

رژیم ضد خلقی خمینی، امسال با بسیج کامل مزدوران سرکوبگر خود در شهرها، نمایش تبلیغاتی باصطلاح مراسم بزرگداشت سالگرد قیام ۲۲ بهمن را برگزار نمود. هم چنین رژیم، تهاجم جدید خود به عراق را که به آن نام (عملیات الفجر) گذاردند با سالگرد قیام همزمان نمود تا از آن بزعم خود بهره برداری تبلیغاتی بنماید. اما از آنجا که رژیم خمینی فاقد هرگونه مشروعیت مردمی بوده و بویژه با کشتار و شکنجه و زندان و اختناق و دامن زدن به جنگ خائمانسوز با عراق و انبوه مشکلات اقتصادی - اجتماعی، که بوجود آورده مورد نفرت تمامی مردم ستمدیده میهن ما قرار دارد، نتوانست مردم را به بهانه‌ی سالگرد انقلابشان به خیابان‌ها و راهپیمایی کشانده و از آن بهره برداری سیاسی نماید و این در حالی بود که رژیم خمینی از مدت‌ها قبل روی برپائی این مراسم سرمایه‌گذاری و تبلیغ و تلاش زیادی کرده بود. در این زمینه به گزارشات کوتاهی از تهران و برخی شهرستان‌ها توجه نمایید.

تهران

از چند روز قبل از سالگرد قیام، رادیو تلویزیون رژیم تبلیغات سرسام‌آوری را برای باصطلاح تهیه مردم و کشاندن آن‌ها به راهپیمایی آغاز کرد بنحوی که تلویزیون طی چند روز نمایشات مختلف و روزشماری و ساعت‌شماری پی‌درپی سرانجام در روز ۲۲ بهمن با شلیک توپ!! سالگرد قیام را اعلام کرده و روزنامه‌های رژیم، هر کدام ده‌ها صفحه‌ی آگهی تبریک اجباری به چاپ رساندند. (و جالب اینکه از مدت‌ها قبل از ۲۲ بهمن، رژیم از طریق روزنامه‌های جیره‌خوار خود در حدود ۲۰ نوع فرم تبریک برای ارگان‌ها، ادارات موسسات و ... ارسال کرده بود تا آن‌ها تبریکات اجباری خود را در یکی از آن‌ها پر نموده برای روزنامه‌های مربوطه ارسال دارند.) ایادی رژیم از روزهای قبل، شایعات زیادی در سطح شهر مبنی بر برنامه‌های جدید رفاهی رژیم و ... انتشار داده بودند از جمله اینکه روز ۲۲ بهمن ۲۲ قلم کالا آزاد خواهد شد!! هم چنین رژیم از طریق انجمن ضداسلامی تاکسی‌رانان به کلیه رانندگان تاکسی دستور داده بود تا در روز ۲۲ بهمن افرادی را که قصد شرکت در راهپیمایی را دارند مجانی به محل‌های راهپیمایی برسانند ... با تمام

این تلاش‌های ارتجاعی، رژیم منفور خمینی باردیگر عدم مشروعیت کامل خود در بین مردم را باثبات رساند. شب نمایش باصطلاح "الله اکبر" در پشت‌بام‌ها، جز ایادی جیره‌خوار و معدود رژیم، کسی با صدای گوش‌خراش رادیو و تلویزیون و بلندگوهای مساجد هم‌آوائی نکرد، راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال در تهران، علیرغم تبلیغات کرکننده و تحریکات و عوام‌فریبی‌های چند هفته‌ای به کمترین رقم شرکت کننده حتی نسبت به کمترین بسیج‌های گذشته رژیم خمینی، تقلیل پیدا کرده بود. صبح ۲۲ بهمن خیابان‌ها خالی بود و فقط برخی دستجات پراکنده و حتی منفرد در خیابان‌های حول و حوش دانشگاه دیده می‌شدند به نحوی که رژیم عوام‌فریب و دجال مجبور شد برنامه‌ی راهپیمایی خود را دو ساعت به تاخیر بیندازد تا افراد و دستجات پراکنده‌اش را جمع‌وجور نماید و این در حالی بود که رژیم منجمله تمام دانش‌آموزان را با صدور بخشنامه‌ای از طریق آموزش و پرورش مکلف کرده بود که در راهپیمایی اجباری شرکت کنند. همچنین طی بخشنامه‌ای که از روزهای قبل در ادارات منتشر شده بود، مدیران وابسته‌ی ادارات و موسسات موظف شده بودند که کارمندان را در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت دهند، در ترکیب راهپیمایان

و ستارخان نیز بیشتر از مناطق دیگر بود.

مشهد

ایادی ارتجاع به خیال خود برای کشاندن دانش‌آموزان به راهپیمایی، در بین آن‌ها شیرینی پخش کرده و برای آن‌ها فیلم به نمایش گذاشتند، در اغلب مدارس پرور از دانش‌آموزان برای تزئین کلاس‌ها پول جمع می‌کردند. در شهر نیز از هر مغازه ۱۳۰ تومان باجبار برای تزئین خیابان‌ها و تهیه‌ی پرچم و پوستر پول گرفتند. کسبه و مردم با این مسئله با ناراحتی برخورد می‌کردند. در روز راهپیمایی اغلب مردم مشهد برای گذراندن تعطیلات به اطراف شهر بویژه به وکیل‌آباد رفته بودند و راهپیمایی با جمعیتی کم برگزار شد.

بابلسر

علیرغم تبلیغات زیاد رادیو-تلویزیون و مطبوعات و همچنین تبلیغات‌های محلی خمینی، مراسم سالگرد ۲۲ بهمن در مازندران و منجمله بابلسر فقط با شرکت معدود

اطراف دانشگاه، دستجاتی تحت عنوان خانواده‌ی شهدای رشت، خانواده‌ی شهدای سایر شهرهای گیلان و ... چشم می‌خورد، همچنین پلاکاردهائی مبنی بر شرکت معاودین عراقی! دیده می‌شد علیرغم تعطیلی جمعه بجز منطقه‌ی دور و بر دانشگاه بسیاری مغازه‌ها در شهر باز بوده و مردم بی‌توجه به نمایشات رژیم به کار روزمره خود مشغول بودند، جالب اینجاست که علیرغم پیش‌گویی‌های مسخره‌ی رژیم مبنی بر تراکم و شلوغی خیلی زیاد جمعیت در تظاهرات فرمایشی‌اش و علیرغم بستن یا یکطرفه کردن برخی خیابان‌ها، به دلیل کمی جمعیت راه‌پیمایان،

صبح ۲۲ بهمن خیابان‌ها خالی بود و فقط برخی دستجات پراکنده و حتی منفرد در خیابان‌های حول و حوش دانشگاه دیده می‌شدند. این در حالی بود که رژیم منجمله تمام دانش‌آموزان را با صدور بخشنامه‌ای از طریق آموزش و پرورش مکلف کرده بود که در راهپیمایی اجباری شرکت کنند.

عناصر وابسته به رژیم انجام گرفتند. در نور امنیتی و اطمینان پاسداران قرار داشت گشت‌های اتومبیل‌های مزدوران در شهر افزایش پیدا کرده، و ایادی رژیم بر سر چهارراه‌ها و میادین شهر مستقر بودند.

رشت

از یک هفته قبل ایادی منفور خمینی اجساد چند کشته شده در جبهه‌های جنگ را به مدارس شهر آورده و به شکل مشمئزکننده‌ای احساسات دانش‌آموزان را برای شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن تحریک می‌نمودند. با این حال روز ۲۲ بهمن در محل راهپیمایی مدیران مدارس دانش‌آموزان را حضور و غیاب می‌کردند. دانش‌آموزان از این مسئله بشدت خشمگین بودند و ترکیب راهپیمایی اساساً از عناصر وابسته به رژیم بود.

تبریز

شرکت کنندگان بسیار اندک بودند و رژیم تعدادی را نیز منجمله از روستاهای مناطق

خارج تبریز، بزور به این مراسم فرمایشی خود کشانده بود.

اصفهان

رژیم که برای جلب افراد به راهپیمایی از قبل وعده‌هایی داده بود، قبل از شروع مراسم راهپیمایی، شرکت کنندگان معدود را با اتوبوس به ورزشگاه شهر برای تماشای اسب‌سواری و ... برد!

اهواز

در خیابان ۲۲ بهمن تعدادی کودک که لباس نظامی به تن داشتند رژه رفتند.

خرم‌آباد

در ادارات شهر، از جمله شرکت نفت، بخشنامه برای شرکت اجباری در راهپیمایی ۲۲ بهمن صادر شده بود.

نهاوند

مقامات رژیم در نهاوند برای ۲۲ بهمن تعدادی را از روستاهای اطراف به نهاوند آورده بودند. باصطلاح امام

جمعه‌ی این شهر نیز در سخنرانی خود گفت: "دروغ است که در جنگ اخیر هزاران نفر از ما کشته شده‌اند!!"

شیراز

ترکیب راهپیمایان اساساً از عناصر سپاه و سایر مزدوران رژیم در نیروهای مسلح بودند. و تعدادی نیز از ادارات و مدارس باجبار در راهپیمایی شرکت داده شده بودند، فلسفی رجالی‌های دربارهای شاه و خمینی جلودار راه‌پیمایان بود.

لنگرود

تبلیغات برای راهپیمایی از دو هفته قبل شروع شده بود. در شب و روز ۲۲ بهمن راه‌های ورود و خروج به شهر را بسته بودند. روز ۲۲ بهمن مزدوران رژیم به هر کس کوچکترین سوءظنی می‌بردند دستگیر می‌کردند. زیرا شب قبل هواداران مجاهدین به اغلب خانه‌های شهر اطلاعیه‌انداخته بودند. حدود ۸۰٪ راه‌پیمایان از روستاهای اطراف جمع شده بودند.

از سری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق

نکاتی چند پیرامون اطلاعات و شناسائی

شناسائی، یکی از مراحل هر عمل نظامی است، که در شیوهی اجرای عمل و طبعاً در میزان موفقیت آن تأثیرات قابل توجه و گاه تعیین کننده‌ای دارد. چرا که برای زدن هر ضربه به دشمن، باید بطور کلی دشمن و تاکتیک‌های عام او و بطور اخص سوژه‌ای که بایستی مورد تهاجم قرار بگیرد را از زوایای مختلف شناخت و با کسب اطلاعات لازم درباره‌ی سوژه، برنامه‌ی عملیاتی را تنظیم و طراحی نمود. واضح است که هر اندازه شناخت و اطلاعات ما نسبت به دشمن، کاملتر، دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر باشد، می‌توان ضربات حساب شده‌تر، کاری‌تر و موفق‌تری را به دشمن وارد ساخت. برعکس، هرگونه ضعف و کمبود اساسی در شناسائی و اطلاعات مربوط به سوژه‌ی مورد عمل، تأثیر منفی خود را در یکی از مراحل عملیات بجای خواهد گذارد.

شناسائی برای کلیه‌ی عملیات نظامی، چه در شهرها و چه در کوهستان و جنگل دارای اهمیت می‌باشد. ولی برای عملیات نظامی در شهرهای بزرگ و بالاخص تهران بدلیل اینکه گلگاه‌های رژیم محسوب می‌شوند و نتیجتاً به‌دلیل تراکم نیروهای سرکوبگر دشمن و سیستم حفاظتی آن و بالا بودن غلظت نظامی و ... شناسائی از اهمیت بیشتری برخوردار است و بطور کلی

شناسائی را مطلق کرد، چرا که متناسب با هدف و نوع عملیاتی که روی آن انجام می‌شود، اهمیت و نقش هر یک از مراحل چهارگانه‌ی فوق، متفاوت می‌باشد. طبعاً عملیات پیچیده، نیازمند شناسائی دقیق، گسترده و کاملاً همه‌جانبه است، در حالی که عملیات ساده‌تر با شناسائی محدودتر و ساده‌تری قابل اجرا هستند. مثلاً اگر بخواهیم یکی از سرینجه‌های اختناق و سرکوب رژیم را مورد تهاجم قرار بدهیم، پیدا کردن و شناسائی آن بسیار ساده است. چرا که عاملین اجرائی خفقان و دیکتاتوری خمینی، عموماً در خیابان‌های شهر پراکنده هستند و دسترسی به آنها بسیار ساده می‌باشد. و حتی این امکان وجود دارد که بدون تأخیر در عملیات، در یک فرصت مناسب، وی را هدف قرار داد. بخصوص در شرایطی که غلظت نظامی شهر بالا باشد و مزدوران دشمن به تعداد بیشتر و به شکل گسترده‌تری در سطح شهر حضور داشته باشند ضرورت زمینه‌سازی و تدارک برای شناسائی قبلی، به حداقل خود می‌رسد. زیرا در چنین شرایطی انجام شناسائی قبلی به دلیل بالا بودن غلظت نظامی، می‌تواند به ضد خود تبدیل شده و موجب ضربه خوردن رزمندگان گردد. بخصوص که برای انجام یک شناسائی کامل، علی‌القاعده

بسیار زیاد می‌کند. در حالیکه اگر واحد عملیاتی، به محض برخورد با مزدور دشمن و در یک فرصت مناسب، دست به عمل بزند، نه فقط عملیات را انجام داده است، بلکه با حضور کوتاه مدت خود در یک محل مشخص، امکان برخورد‌های پیش‌بینی نشده و درگیری‌های ناخواسته را نیز به حداقل ممکن رسانده است. البته اینگونه "عمل" کردن، نیازمند آشنائی عمومی با دشمن و تاکتیک‌های او و دیدن آموزش‌های مکفی قبلی است.

مزدور و جاسوس دشمن تا چه حد به شناسائی نیاز دارد و تا چه مقدار لازم است برای آن انرژی و وقت گذاشت. با توجه به مطالب بالا این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که: در عین اینکه بطور استراتژیک برای دشمن خدا و خلق هیچ چشم‌انداز روشنی متصور نیست و از این نظر شکست و زوالش حتمی است اما هرگز هم نباید به لحاظ تاکتیکی به او کم بها داد. به‌رحال متناسب با شرایط و غلظت نظامی و همچنین نوع عملیات و وضعیت سوژه، باید محدوده‌ی شناسائی لازم را برای هر عمل نظامی، مشخص کرد و برای آن انرژی گذاشت. بنابراین لازم است که رزمندگان نسبت به مسئله‌ی شناسائی، آشنائی‌های کلی و عمومی داشته باشند تا در صورت لزوم بتوانند به شکل صحیحی با آن برخورد نمایند.

را نیز آشکار می‌نمایند. مثلاً وقتی رزمنده‌ای بداند که ماشین‌های گشت کمیته و سپاه از چه مشخصات ظاهری برخوردار هستند، ترکیب آنها چگونه است، نوع و مدل ماشین‌های مورد استفاده‌ی آنها چیست و با توجه به اینکه اکثر آنها بی‌سیم دارند، آنتن آنها همیشه و به مقدار مشخص و ثابتی بالاست و ... به محض دیدن آنها می‌تواند مطمئن شود که ماشین متعلق به کمیته یا سپاه است. و یا در صورتی که شماره‌ی ماشین‌هایی را که مقابل یک کمیته پارک شده‌اند به ذهن بسپارد و بعداً این ماشین‌ها را حامل ترکیب‌های ۳ یا ۴ نفره (که مشخصات مزدوران رژیم را هم دارند) در همان حوالی مشاهده نماید، می‌تواند با قاطعیت بگوید که ماشین متعلق به نیروهای انتظامی دشمن است. به همین ترتیب اگر کسی بداند که موتورهای سنگین و

نباید مسئله‌ی شناسائی را مطلق کرد، چرا که متناسب با هدف و نوع عملیاتی که روی آن انجام می‌شود، اهمیت و نقش هر یک از مراحل چهارگانه‌ی فوق، متفاوت می‌باشد. طبعاً عملیات پیچیده، نیازمند شناسائی پیچیده، گسترده، و کاملاً دقیق و همه‌جانبه است، در حالیکه عملیات ساده با شناسائی محدودتر و ساده‌تری قابل اجرا هستند.

دو سیلندر به بالا، این روزها فقط در اختیار نیروهای دشمن است و رژیم عملاً مانع استفاده از آنها توسط افراد عادی می‌شود، به محض دیدن یک موتور ۴ سیلندر با ۲ سرنشین می‌تواند تعیین کند که آنها از مزدوران دشمن هستند. هم‌چنین، اگر کسی اطلاع داشته باشد که ساعات شروع و پایان کار مزدوران یک کمیته، بچه‌ترتیب است. و بداند که آنها با لباس معمولی رفت‌وآمد می‌کنند و بعضاً نیز برای تغییر قیافه ریش‌های خود را تراشیده‌اند، می‌تواند در همان ساعات شروع یا پایان شیفت کاری آنها و در حوالی کمیته تعداد زیادی از مزدوران دشمن را مشاهده نماید و مشخصات چهره‌ی آنها را به ذهن بسپارد.

تاکتیکها و روش‌های دیگری نیز وجود دارند که اطلاع از آنها کمک زیادی به امر شناسائی می‌کند. مثلاً برخی از افراد دشمن با عادی‌سازی و پوشش‌های مناسب مثل فروش کتاب، نوار یا سیگار و ... بر سر چهارراه‌ها می‌ایستند و ترکیب داخلی ماشین‌ها و بخصوص چهره‌ی سرنشین‌های آنها را بررسی می‌کنند تا بحساب

در این مقاله با توجه به شرایط کنونی و به منظور پیشبرد خط استراتژیک این مرحله از توضیحات عام تئوریک و کلاسیک پیرامون "اطلاعات و شناسائی" که بحث بسیار طولانی و مفصلی است، فعلاً خودداری کرده و ضمن توضیح رابطه‌ی شناسائی با تاکتیک‌های عام دشمن، به موضوعاتی از قبیل کسب اطلاعات و پیدا کردن سرنخ‌های اولیه و بعضی دیگر از مسائل عام شناسائی می‌پردازیم.

شناسائی نیروهای دشمن از طریق تاکتیک‌های عام آنها

برای اینکه بتوانیم نیروهای مزدور و جاسوس‌های دشمن را شناخت و به آنها دسترسی پیدا کرد، دانستن تاکتیک‌ها و روش‌های مورد استفاده‌ی آنها می‌تواند کمک بسیار زیادی در شناسائی این مزدوران به رزمندگان بنماید. این روش‌ها و تاکتیک‌ها نه تنها حضور دشمن را در یک محل مشخص می‌کنند، بلکه شیوه‌ها و چگونگی فعالیت او

قابل ذکر است که در شرایط کنونی که از یک طرف وظیفه‌ی اصلی رزمندگان قطع سرینجه‌های اختناق و دیکتاتوری است و از طرف دیگر مزدوران و جاسوسان دشمن با بالا رفتن غلظت نظامی شهر، به شکل گسترده‌تری در دسترس قرار دارند. بسیاری از واحدهای عملیاتی توانسته‌اند با تکیه بر تجارب و آموزش‌هایی که دیده‌اند، تعداد قابل توجهی از مزدوران را در آستانه‌ی انجام عملیات (و نه مدتی قبل از

هر اندازه شناخت و اطلاعات ما نسبت به دشمن، کاملتر و دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تر باشد، می‌توان ضربات حساب شده‌تر، کاری‌تر و موفق‌تری را به دشمن وارد ساخت. برعکس، هرگونه ضعف و کمبود اساسی در شناسائی و اطلاعات مربوط به سوژه‌ی مورد عمل، تأثیر منفی خود را در یکی از مراحل عملیات بجای خواهد گذارد.

آن) با پیدا کردن سرنخ، مسیر تردد و یا یک علامت مشخصه‌ی دیگری که تشخیص هویت آنها را به عنوان سرسپردگان جنایتکار خمینی میسر نموده، به طرق مختلف هدف قرار داده و به سزای جنایاتشان برسانند. به این ترتیب هر واحد عملیاتی از رزمندگان مجاهد خلق و یا هسته‌ی مقاومت مسلح باید توجه داشته باشد که انجام عملیات ساده‌ای نظیر اعدام انقلابی هر

باید مدت زمانی کم‌گام ممکن است به چندین روز نیز برسد. پیرامون محل سکونت یا مسیر تردد سوژه‌ی مورد نظر، حضور پیدا کرد تا ساعت ورود و خروج، مسیرهای تردد، مشخصات ظاهری "سوژه" و ... دقیقاً تعیین شود. همین حضور طولانی در خیابان‌ها و بخصوص در یک محل مشخص، امکان برخورد با نیروهای انتظامی و ایجاد درگیری‌های ناخواسته را

به عنوان اولین مرحله از مراحل چهارگانه‌ی انجام هر عملیات انقلابی مسلحانه شهری، لازم الاجراست. مراحل چهارگانه‌ی فوق‌الذکر، عبارتند از: شناسائی، طراحی عملیات، تهیه تدارکات و مهمات مورد نیاز بر مبنای طرح عملیاتی و اجرای عمل. اما از آنجائی که مراحل چهارگانه‌ی فوق در رابطه با یکدیگر می‌باشند، نباید مسئله‌ی

از سری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق

نکاتی چند پیرامون اطلاعات و شناسائی

خودشان موارد مشکوک را تشخیص دهند. همچنین برخی از افراد دشمن توسط ماشین‌های گشت تا منزلشان همراهی می‌شوند. بعضی از پاسدارها تحت عنوان انجمن باصطلاح اسلامی در ادارات و کارخانجات بکار مشغول هستند تا افراد را شناسائی کنند. این تاکتیک‌ها و دهها تاکتیک و روش مورد استفاده‌ی دیگر دشمن، می‌تواند به رزمندگان کمک کند تا در امر شناسائی و پیدا کردن مزدوران و جاسوسان دشمن، کارآیی و راندمان بیشتری داشته باشند.

در این زمینه می‌پردازیم.

کسب اطلاعات اولیه از منابع مردمی

برای انسجام هر عمل نظامی مشخص، به اطلاعات اولیه‌ی پیرامون سوزی آن نیاز هست. "اطلاعات اولیه" شامل کلیه‌ی اخبار و مطالبی است که می‌تواند بعنوان سرخ، جهت دسترسی به مزدوران دشمن مورد استفاده قرار گیرد. مثلا اسم، آدرس محل سکونت یا کار، مسیر تردد

کانال‌های مردمی بدست آورده‌اند. مردم نسبت به مزدوران و عاملین اختناق رژیم، اطلاعات و آگاهی‌های فراوانی دارند. چرا که آنها در هر کجا که زندگی کنند و بهرگونه که تردد نمایند، نمی‌توانند خودشان را از چشم مردم مخفی نمایند. توده‌های مردم آنها را می‌بینند و اخبار مربوط به آنها را دهان به دهان نقل می‌کنند. در این میان هوادارانی که بنحوی با سازمان در رابطه هستند اینگونه اطلاعات و اخبار را جذب کرده و گزارش می‌کنند. در محیط زندگی و کسب و کار خود

بسیاری از واحدهای عملیاتی توانسته‌اند با تکیه بر تجارب و آموزش‌هایی که دیده‌اند، تعداد قابل توجهی از مزدوران را در آستانه‌ی انجام عملیات، (ونه مدتی قبل از آن) با پیدا کردن سرخ، مسیر تردد و دوبار یک علامت مشخصه‌ی دیگری که تشخیص هویت آنها به عنوان سرسپردگان جنایتکار خمینی را میسر نموده، به طرق مختلف هدف قرار داده و به سزای جنایاتشان برسانند.

با توجه به همین مسائل بوده است که رزمندگان واحدهای عملیاتی، بخصوص واحدهای موتور تاکتونی توانسته‌اند تعداد زیادی از سرپنجه‌های اختناق و دیکتاتوری را شناسائی کرده و بعد از چک کامل هویت آنها و اطمینان از وابسته بودنشان به یکی از نهادهای سرکوبگر رژیم، آنها را بسزای جنایاتشان برسانند. بحث پیرامون تاکتیک‌های دشمن، می‌تواند بسیار گسترده و طولانی باشد ولی به همین مقدار اکتفا می‌شود. رزمندگان خود موظف هستند با دقت و هوشیاری و جمع‌بندی موارد متعدد، تاکتیک‌های دائمی دشمن و روش‌های دیگری را که ممکن است آنها بطور مقطعی و مرحله‌ای مورد استفاده قرار دهند، کشف نموده و از آنها جهت شناسائی هرچه بیشتر و گسترده‌تر عناصر مزدور و جاسوس دشمن استفاده نمایند. اضافه بر آشنائی به شیوه‌های کار دشمن، بدست آوردن سرخ‌ها و اطلاعات اولیه از کانال‌های سمپاتیک و هواداران و عموم توده‌های مردم نیز می‌تواند دسترسی و شناسائی نسبت به نیروهای دشمن را ممکن سازد، که اکنون به توضیحاتی

و مشخصات قیافه‌ی یک پاسدار، اسامی فالانژهای یک محله و مشخصات آنها، موضع و موقعیت یک فرد ناشناخته که خیلی آرام و عادی در محله رفت و آمد می‌کند، بررسی و کسب اطلاع نسبت به جرائم یک جاسوس که آیا در دستگیری رزمندگان شرکت داشته یا اطلاع و اخباری از آنها به کمیته داده و... به عنوان اطلاعات اولیه محسوب می‌شوند. دهها و صدها نمونه‌ی دیگر از اینگونه اخبار، علیرغم اینکه بعضی از آنها ممکن است در نظراول بی‌اهمیت نیز جلوه بکنند، بسیار پرارزش و قابل توجه می‌باشند. اگر هرکس به پیرامون خود نگاه کند و یا آنچه را که در ذهن دارد به یاد بیاورد و بر روی کاغذ منعکس نماید، نهایتا اطلاعات و آگاهی‌های اولیه‌ی ذیقیمتی بدست می‌آید که هر کدام از آنها ممکن است بتواند سرخ خوبی برای دسترسی به یکی از مزدوران دشمن باشد. قابل ذکر است که شناسائی‌های مربوط به بخشی از عملیاتی که تاکنون توسط رزمندگان مجاهد خلق انجام شده از همین طریق بدست آمده است. اعضاء و هوادارانی که این اطلاعات را گزارش کرده‌اند، آنها را عمدتا از

هواداران نیز اطلاعات با ارزشی وجود دارد که می‌توانند براحتی آنها را جمع‌آوری نموده و به سازمان گزارش نمایند. اغلب هوادارانی که در اداره و یا کارخانه و... کار می‌کنند، به شکلی با انجمن ضداسلامی محیط کار خود برخورد دارند و افراد آن را می‌شناسند و یا در حوالی منزلشان کمیته‌ای وجود دارد که چهره‌ی عناصر آن را می‌شناسند

کرده باشند. دوستانشان پیرامون محیط‌های شغلی خود (کارخانه یا اداره و...) گاهی صحبت می‌کنند که مثلا نماینده‌ی دادستانی هفته‌ای یک روز به کارخانه‌ی ما می‌آید و پرونده‌ی افراد را بررسی می‌کند و اینکه مثلا یک نفر از افراد انجمن ضد اسلامی کارخانه نیز هست که به او خیلی نزدیک بوده و با وی همکاری می‌کند. هر موقع که نماینده دادستانی می‌آید او هم کارش را تعطیل کرده و به اتاق نماینده می‌رود. در اغلب انجمن‌های ضد اسلامی کارخانجات و ادارات و... پاسدارانی که قبلا در کمیته و سپاه کار می‌کرده‌اند، اکنون بعنوان عضو انجمن ضد اسلامی بکار مشغول هستند. پیرامون این افراد معمولا صحبت‌های زیادی بین مردم رد و بدل می‌شود.

مطالب فوق تماما اطلاعات و اخبار اولیه‌ای هستند که یقینا هرکس نا بحال با مواردی از آن برخورد کرده است. در صورت دقت و هوشیاری، آنها را به ذهن سپرده تا به نحوی به سازمان منتقل کند. برای آشنائی بیشتر پیرامون این مسایل می‌توانید به مقاله‌ی "چگونه می‌توان رزمندگان مجاهد را در صحنه یاری کرد" (قسمت دوم، زمینه‌های اطلاعاتی) مندرج در نشریه‌ی مجاهد شماره ۱۳۰ مراجعه کنید. اینگونه مطالب را کلیه‌ی هواداران و اعضاء می‌توانند و ضروری است که گزارش کنند. هرچند که بلافاصله مورد استفاده قرار نگیرد، ولی سرانجام روزی بکار خواهد آمد. در ضمن در نوشتن این مطالب باید از باقی گذاشتن هرگونه رد امینیتی خودداری کرد. و حتی

شناسائی‌های خود را حول محورهای ذکر شده منظم نموده و از طرق گوناگون و مطمئن به سازمان برسانند.

چند نکته پیرامون نوشتن گزارش‌های اطلاعاتی

گزارش‌هایی را که واحدهای عملیاتی، هسته‌های مقاومت و هواداران برای انتقال مسایل اطلاعاتی و سرخ‌های شناسائی می‌نویسند، علاوه بر اینکه باید از ردهای امنیتی پاک بوده و حتی المقدور به رمز یا به شیوه‌ی های مناسب دیگر نوشته شده باشد، لازم است که از صحت کامل نیز برخوردار بوده و تحقیقات کافی پیرامون آن انجام شده باشد. در صورتی که گزارش کننده بدلائل گوناگون منحل دست‌بدست شدن اخبار امکان تحقیق بیشتر پیرامون گزارش خود را ندارد، باید درجه‌ی وثوق و توضیح مختصری پیرامون منبع خبر را در ابتدای گزارش ذکر کند. گزارش‌ها هر قدر که زنده و نو باشند بهتر است. اطلاعات کهنه و قدیمی نیز نامناسب نیستند ولی در صورتی بیشتر قابل استفاده می‌باشند که حتی المقدور پیرامون آنها تحقیقات مجددی انجام شود تا درجه وثوق آنها افزایش یابد. همچنین لازم است که تاریخ کسب خبر و زمان نوشتن گزارش دقیقا قید شود. چرا که برای انجام عملیات، فقط بر روی اطلاعات زنده می‌توان حساب باز کرد. در بیان شناسائی‌ها و نوشتن آنها باید از بکار بردن هرگونه کلمات مبهم و غیرقابل فهم خودداری کرد و نباید

برای اینکه بتوان نیروهای مزدور و جاسوس‌های دشمن را شناخت و به آنها دسترسی پیدا کرد، دانستن تاکتیک‌ها و روش‌های مورد استفاده‌ی آنها می‌تواند کمک بسیار زیادی در شناسائی آنها به رزمندگان نماید. این روش‌ها و تاکتیک‌ها، نه تنها حضور دشمن را در یک محل، مشخص می‌کنند، بلکه شیوه‌ها و چگونگی فعالیت آنها را نیز آشکار می‌نمایند.

اینطور تصور کرد که بقیه‌ی مطلب را خواننده‌ی گزارش خودش خواهد فهمید. در ضمن، رمز نوشتن اسامی و اماکن و آدرس‌ها و... در حدی ضروری است که جنبه‌ی حفاظتی و امنیتی داشته باشد. مطالب را نیز باید خوانا و تمیز و دست‌بندی شده و کامل نوشت تا فهم آنها راحت باشد. مثلا برای نوشتن گزارش کامل یک مزدور باید به ترتیب این سوالات را بقیه در صفحه‌ی ۲۵

در صورت لزوم یا استفاده از روش رمز نویسی و یا مرکب نامرئی (و حتی استفاده از جاسازی) حداکثر احتیاط را در مورد آنها بکار برد. تا اگر کاغذ گزارش بخاطر مسایل پیش‌بینی نشده بدست رژیم افتاد، مشخص نشود که چه کسی آن را نوشته است. هواداران سازمان می‌توانند با توجه به آنچه ذیلا پیرامون شیوه‌ی نوشتن گزارش‌های اطلاعاتی می‌آید گزارش‌های اطلاعاتی و

و احیانا نوع و رنگ و شماره‌ی وسیله‌ی نقلیه و ساعت تردد آنها را می‌دانند. برخی دیگر از هواداران که بنحوی با نهادهای ارتجاعی رژیم رابطه و یا برخورد دارند، می‌توانند اطلاعات ذیقیمتی را در زمینه‌های فوق به سازمان گزارش کنند. بعضی از هوادارها، ممکن است در اشکال مختلفی به کمیته یا بسیج ضد خلقی یک محل، تردد داشته و نسبت به چهره و احیانا اسامی افراد آنجا اطلاعات کسب

گزارشی از مراسم بزرگداشت سالروز "عاشورای مجاهدین" در کشورهای مختلف و بازتاب گسترده آن در مطبوعات جهان



تلویزیونها و مطبوعات کشورهای مختلف انعکاس یافته است. در اینجا گزارش کوتاهی از مراسم برگزار شده گرامیداشت ۱۹ بهمن را در هریک از کشورها درج کرده و برخی از انعکاسات رادیو - تلویزیونی و مطبوعاتی این مراسم را نیز که تاکنون بدستمان رسیده است، بنظرتان می‌رسانیم.

انگلستان

بمناسبت اولین سالگرد عاشورای مجاهدین مراسم بزرگداشتی در بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۱۹ بهمن در لندن با شرکت بیش از یکهزار تن از هواداران مجاهدین و هموطنان مقیم انگلستان، که با وجود سردی هوا و مشکل بودن مسافرت از سراسر انگلستان به لندن آمده بودند، برگزار گردید.

علیرغم ریزش برف و سرمای شدید هوا، شرکت‌کنندگان حتی پیش از ساعت تعیین شده، در محل تجمع "لینکلنز این فیلد" گرد آمده بودند. در ساعت مقرر صفوف منظم تظاهرکنندگان در حالی که پیشاپیش آنان تصاویر بزرگ سردار کبیر خلق مجاهد شهید "موسی خیابانی" و سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" و همچنین تصویر برادر مجاهد "مسعود رجوی" و نیز پرچم سه رنگ ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران حمل میشد برآه افتاد. در صفوف نخست ۲۰ نفر سفیدپوش (۸ خواهر و ۱۲ برادر) به نشانه ۲۰ شهید قهرمان ۱۹ بهمن ۶۰، در حالی که هریک چند شاخه زیتون در دست داشتند حرکت می‌کردند. طنین منظم طبل و سنج که در پشت سر خواهران و برادران سفیدپوش نواخته می‌شد، گیرائی خاصی به تظاهرات می‌بخشید و نظر مردم را به خود جلب می‌کرد.

شعارهای تظاهرات به زبان‌های فارسی و انگلیسی از طریق بلندگو پخش می‌گردید. در صفوف راهپیمایان نیز عکس‌هایی از سردار کبیر خلق "موسی خیابانی"، مجاهد شهید "اشرف ربیعی" و همچنین پلاکاردهائی در رابطه با تجلیل از شهدای عاشورای ۱۹ بهمن مجاهدین خلق بچشم می‌خورد. پرچم‌های

به مناسبت اولین سالگرد عاشورای مجاهدین و شهادت حماسه آفرینان ۱۹ بهمن: سردار کبیر خلق مجاهد شهید "موسی خیابانی"، سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" و همزمان قهرمانشان، تظاهرات باشکوهی در روز سه‌شنبه ۱۹ بهمن از سوی اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور (هواداران مجاهدین خلق ایران) همزمان در کشورهای مختلف اروپا، امریکا و آسیا برگزار شد. در این تظاهرات که در شهرهای لندن، واشنگتن، رم، بن، لس‌آنجلس و دهلی‌نو ترتیب یافته بود هزاران نفر از هموطنان ایرانی مقیم خارج از کشور شرکت کرده و ضمن گرامیداشت یاد سردار کبیر خلق مجاهد شهید "موسی خیابانی" سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" و سایر همزمانان، جنایات و سیاست سرکوب و خفقان فوق‌العاده و جنگ‌طلبی رژیم ضدبشری خمینی را محکوم کردند.

در فرانسه، پلیس این کشور، علیرغم اینکه از یک‌هفته پیش، با برگزاری این مراسم کتبا موافقت خود را اعلام نموده بود اما در روز ۱۷ بهمن (دوروز قبل از تظاهرات) آنرا لغو نمود و بدین ترتیب رسماً مانع برگزاری آن گردید.

در جریان اجرای مراسم ۱۹ بهمن در کشورهای مختلف جمع کثیری از بزرگترین و مشهورترین احزاب و شخصیت‌های آزادی‌خواه و مترقی جهان و همچنین نیز اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی با شرکت مستقیم یا فرستادن نماینده یا ارسال پیام ضمن ابراز حمایت کامل و فاطح از مقاومت مشروع و عادلانه‌ی خلق قهرمان ایران بر علیه رژیم ضدبشری خمینی، از مقام و ارزش شهدای کبیر قهرمان ۱۹ بهمن تجلیل بعمل آورده و نسبت به اعمال ضد-انسانی و ضد بشری خمینی جلاد ابراز انزجار نمودند. در این مراسم همچنین نمایندگان مهم-ترین خبرگزاری‌های بین‌المللی، مطبوعات سراسری و محلی و رادیو-تلویزیونهای کشورهای مربوطه نیز شرکت داشتند و از مراسم پرشکوه‌این روز عکس، فیلم و گزارش تهیه کردند که برخی از آنها تا کنون در رادیو-

در جلو صفوف تظاهراتی که به دعوت انجمن دانشجویان مسلمان آلمان برگزار گردید، تصاویر سردار کبیر خلق "موسی خیابانی" و سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" و همچنین کیوتزیتون مشعل و آرم سازمان دیده می‌شود.

صحبت‌هایشان به این مساله اشاره کردند که فقدان "موسی خیابانی" که رهبر بزرگی برای مردم ایران محسوب می‌شد بسیار اسفبار است. ملتی که از میان آنها قهرمانانی همانند موسی خیابانی و اشرف ربیعی

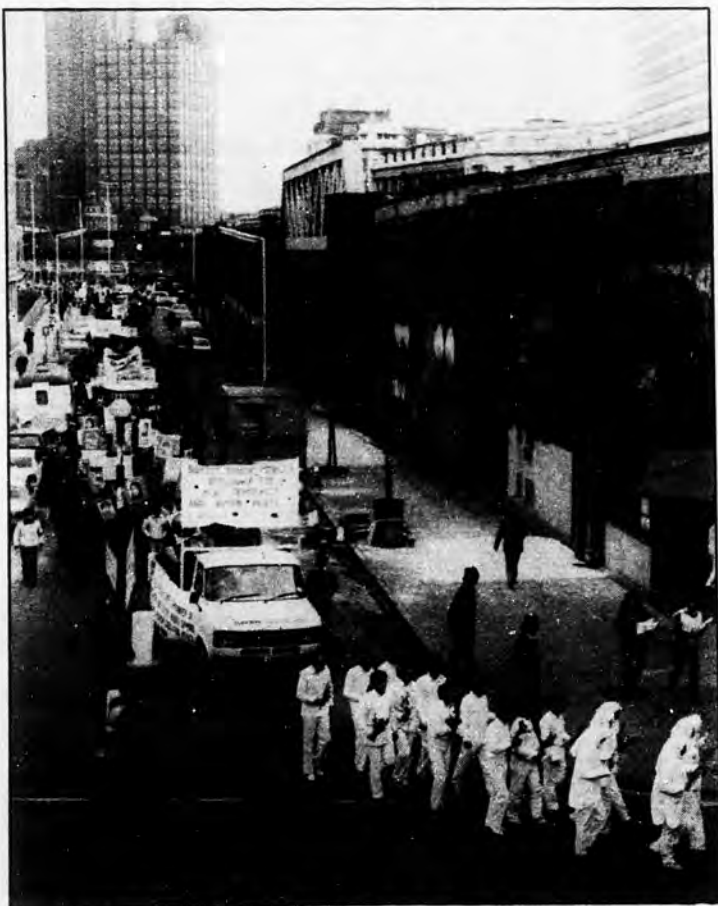
مجلس عوام و معاون وزیر امور خارجه در کابینه سابق حزب کارگر ۳- "اریک هفر" نماینده مجلس عوام و رئیس کمیته خاورمیانه و عضو کمیته روابط خارجی و معاون اجرائی این حزب سخنرانان فوق در طول

اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی و سایر گروه‌هایی که از تظاهرات حمایت نموده و در آن شرکت کرده بودند نیز در انتهای صفوف تظاهرکنندگان حمل می‌گردید.

صفوف منظم تظاهرکنندگان پس از طی مسیر تعیین شده، در محل پایانی تظاهرات "جولی-گاردنز" گرد هم آمده و مراسم مخصوص پایان راهپیمائی آغاز گردید، که طی آن، سرود موسی از جدیدترین سرودهای سازمان مجاهدین خلق ایران پخش شد، و سپس قسمت‌هایی از نوار صدای سردار که تاثیر زیادی نیز روی شرکت کنندگان در راهپیمائی داشت پخش گردید و پس از آن شعارهایی در رابطه با گرامی-داشت یاد سردار کبیر خلق "موسی خیابانی" و مجاهد قهرمان "اشرف ربیعی" و همچنین شعارهایی در حمایت از مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران داده شد. پس از آن، آسامی تعدادی از شخصیت‌ها، سازمان‌ها و احزاب و اتحادیه‌های کارگری که از تظاهرات حمایت کرده بودند خوانده شد. سپس سخنرانانی که به این مراسم دعوت شده بودند بترتیب پشت تریبون قرار گرفتند که عبارت بودند از:

۱- "دیوید رنالد" نماینده پارلمان انگلستان، عضو حزب کارگر، و از وزرای کابینه‌های قبلی

۲- "رونالد مویل" نماینده



۲۰ تن از خواهران و برادران سفیدپوش، به نشانه ۲۰ شهید ۱۹ بهمن ۶۰ در پیشاپیش راهپیمائی انجمن دانشجویان مسلمان در شهر لندن دیده می‌شوند.

گزارشی از مراسم بزرگداشت سالروز "عاشورای مجاهدین" در کشورهای مختلف و بازتاب گسترده آن در مطبوعات جهان

برخاسته و بخاطر اصول و آرمان‌هایشان چنین مرگ را پذیرا می‌شوند، بدون شک همواره زنده مانده و در نبرد خود بر علیه استبداد و دیکتاتوری قطعاً پیروز خواهند شد و ما همواره موسی خیابانی و همسرش و نیز اشرف ربیعی را که اینچنین قهرمانانه به شهادت رسیدند بیاد داشته و با افتخار از آنان یاد خواهیم کرد.

آنگاه "رونالد مویل"، ضمن اعلام حمایت کامل و قاطع حزب کارگر و مردم انگلستان از مقاومت مشروع و برحق خلق ایران بر علیه رژیم ضد بشری خمینی، پیام "مایکل فوت" رهبر حزب کارگر را نیز در همین رابطه قرائت کرد. "مایکل فوت" در این پیام ضمن محکوم کردن اعدام‌ها و کشتارهای خمینی در ایران و خفقان و دیکتاتوری بی سابقه‌ی او و جنگ ویرانگرش با عراق و تلفات و خسارات انسانی و مادی فراوان ناشی از آن، آرزوی پیروزی هرچه سریعتر برای مردم ایران و شورای ملی مقاومت در نبرد بزرگ خود بر علیه خمینی، نموده است.

در ادامه‌ی برنامه، پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مناسبت اولین سالگرد شهادت سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی، به زبان‌های انگلیسی و فارسی خوانده شد، و پس از آن قطعه‌نامه تظاهرات به زبان انگلیسی قرائت گردید.

در پایان مراسم نیز پس از پخش سرود "آزادی" ۲۰ کیبوتر سفید پوش بعنوان سمبل شهادت ۲۰ مجاهد خلق در ۱۹ بهمن ۶۰ در آسمان رها گردیدند. مراسم در ساعت ۵ بعد از ظهر به پایان رسید.

این تظاهرات مورد حمایت بیش از ۲۰۰ تن از شخصیت‌ها، سازمان‌ها و احزاب، اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی و دیگر نهادهای سیاسی مترقی و آزادی‌خواه قرار گرفت که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- ۶۶ نماینده پارلمان بریتانیا از جمله: رهبر حزب کارگر "مایکل فوت" و معاون وی و سخنگوی روابط خارجی حزب کارگر، رهبر حزب لیبرال



گوشه‌ای از مراسم راهپیمایی و تظاهراتی که به دعوت انجمن دانشجویان مسلمان آلمان به مناسبت ۱۹ بهمن ۶۰ برگزار گردید.

"دیوید استیل" سخنگوی روابط خارجی این حزب "راسل جانز کوبین" و همچنین ۶ عضو دیگر کابینه‌ی "حزب کارگر" و کمیته‌ی اجرایی سراسری حزب کارگر. ۲- هشت عضو پارلمان اروپا ۳- دونمایندگی مجلس اعیان، ۳ اتحادیه سراسری کارگری، ۱۹ دبیرکل و ۲ معاون و بیش از ۸۰ شعبه ناحیه‌ای و منطقه‌ای اتحادیه‌های کارگری، ۱۵ اتحادیه دانشجویی، ۲۱ شورای اتحادیه‌های کارگری، مجمع ملی لیبرال‌های جوان وابسته به حزب لیبرال و تعدادی از روسای شورای شهر و تعداد بسیاری از نهادهای "سیاسی- صنفی" دیگر.

در این تظاهرات خبرنگاران رادیو- تلویزیون بی‌بی‌سی، خبرنگاران و عکاسان خبرگزاری یونایتد پرس و روزنامه گاردین حضور داشتند و از این راهپیمایی گزارش، فیلم و عکس تهیه کردند.

همچنین روزنامه "العرب" چاپ لندن نیز، دوشب پیاپی گزارش مفصلی همراه با عکس از تظاهرات لندن و نیز واشنگتن درج کرده است.

آمریکا

با فرارسیدن ۱۹ بهمن، در حدود یک‌هزارتن از هواداران سازمان و سایر هموطنان مقیم

او به نمایش گذاشته شد. پست سر آنان تعدادی از خواهران و برادران با لباس فرم زندان و در حالی که زنجیر و دستبند به دست داشتند شعار آزادی زندانیان سیاسی را حمل می‌کردند. این صحنه نیز تلاشی بود در جهت بیان واقعیت زندانی بودن بیش از ۶۰ هزار زندانی سیاسی در زندان‌های خمینی و شکنجه‌های وحشیانه‌ی که در مورد آنان اعمال می‌شود. در صفوف تظاهر کنندگان

تعداد زیادی نیز که به عنوان سمبل قشر و صنف و با ملیت خاصی از جامعه ایران بودند، شعارهای پارچه‌ای بزرگی با خود حمل می‌کردند. منجمله تعدادی در لباس محلی کرد، لر و... همچنین برخی دیگر در لباس پزشکان پرستاران، کارگران، دهقانان و سایر طبقات و اقشار و اصناف مردم ایران، به نشانه‌ی همبستگی خلق ایران با مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه در جهت سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی و حمایت از شورای ملی مقاومت، و استقرار آزادی و صلح در میهن ستمدیده‌مان، صحنه‌ی باشکوه‌ی بوجود آورده بودند. در انتهای صف تظاهرکنندگان نیز، مشایعت کنندگان تظاهرات حضور داشتند که در دست تمامی آنها پوستره‌های سردار کبیر خلق و سمبل زن انقلابی مجاهد

شهرهای واشنگتن و لوس آنجلس اولین سالگرد عاشورای مجاهدین را با برپائی تظاهراتی پرشکوه و گسترده گرامی داشتند. در این روز کلیه تظاهرکنندگان در حالی که گل‌های میخک سرخ رنگی به نشانه و سمبل خون شهدا بر سینه‌ی نصب کرده بودند، پوستره‌های بزرگی از سردار کبیر خلق مجاهد شهید موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی را در حالی که با پرچم سمرنگ ایران و لاله‌های سرخ و شاخه‌های زیتون (به نشانه‌ی صلح و آزادی) تزئین شده بود با خود حمل می‌کردند. در پیشاپیش صفوف تظاهرات بمناسبت روز ۱۹ بهمن، تصاویری از فرمانده‌ی کبیر مقاومت مجاهد شهید "موسی خیابانی" و سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" و همچنین تصویر برادر مجاهد مسعود رجوی به همراه پرچم سه رنگ ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق حمل می‌شد. در صفوف تظاهرکنندگان، ۲۵ تن از خواهران و برادران به نشانه ۲۵ هزار شهید شعار "اعدام ۲۵ هزار تن در ایران را محکوم کنید!" را با خود حمل می‌کردند و بدین ترتیب گوشه‌ای از ماهیت ضدبشری و سرکوبگر خمینی و اعدام‌های دستجمعی و روزمره‌ی

"اشرف ربیعی" به چشم می‌خورد.

در تمامی طول تظاهرات گروه موزیک با نواختن مارش نظامی و تظاهرکنندگان با شعارهای کوبنده‌ی انقلابی خود همچون "باشرف و با سردار پیمان کنم دگر بار"، تا مرگ پیرکفتار عزم بود پایدار" و "ای ایران، ای ایران، آزادیت مسجل، از خون موسی شده" و سایر شعارها در این رابطه، فریاد خلق فهردان مان را به گوش جهانیان رساندند. شعارهای کوبنده‌ی تظاهرکنندگان و حرکت موزون و صف‌های منظم و هماهنگ آنها، احساسات مردم را شدیداً برمی‌انگیخت. در پایان تظاهرات برخی از پیام‌های حمایت و نیز قطعه‌نامه اتحادیه قرائت شد. این تظاهرات از طرف ۷۱ گروه و سازمان، ۲۲۹ اسناد دانشگاه، ۱۰۷ کشیش، و ۴۸ شخصیت ترقیخواه و صلح طلب مورد حمایت قرار گرفت.

همچنین نمایندگان بسیاری از خبرگزاری‌ها، مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های سراسری و محلی آمریکا نیز در این تظاهرات شرکت داشته و در رابطه با آن فیلم و عکس و خبر تهیه کردند که انعکاس اخبار مربوط به تظاهرات در برخی از این رسانه‌های جمعی به شرح زیر می‌باشد.

۱- روزنامه "واشنگتن پست" یکی از مهم‌ترین روزنامه‌های سراسری آمریکا و نیز روزنامه "واشنگتن تایمز" گزارش مسبوسی از تظاهرات شهر واشنگتن را همراه با عکس‌های بزرگی از آن باضافه مطالبی در مورد نحوه‌ی شهادت فرمانده‌ی کبیر و اشرف درج نمودند.

۲- رادیوهای W.H.U.R و K.A.N.C و K.J.H.L و نیز رادیو "پاسیفیکا" که از پر شنونده‌ترین رادیوهای آمریکا در شهر واشنگتن و ۵ شهر بزرگ دیگر آمریکا است گزارش تظاهرات را همراه با مصاحبه‌هایی با خواهران و برادران عضو انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا در رابطه با اهداف تظاهرات، مقاومت داخلی ایران، نحوه‌ی شهادت سردار کبیر خلق و سمبل زن انقلابی مجاهد و... پخش کردند.

دربارهٔ اختلاف شورای نگهبان و مجلس ضد خلقی رژیم و سخنان خمینی در این رابطه

هم افزایش پیدا می‌کنند سرعت بیشتری به سقوط محتوم رژیم خمینی خواهد بخشید.

اختلاف

بر سر چیست؟!

برای روشن شدن ماهیت اختلاف مجلس و شورای نگهبان لازم است مقدمتا مختصر توضیحی در این رابطه داده شود. هر کدام از این ارگان‌ها، در حالیکه در کلیت خود، در خدمت تأمین منافع رژیم خمینی و سیستم ضد-بشری او هستند، اما از آنجا که عناصر و جریان‌های داخلی این سیستم ارتجاعی و پوسیده در صدد تأمین منافع خاص خود و سهمی شدن بیشتر در قدرت می‌باشند. لذا هر کدام شیوه‌های خاصی را در جهت تأمین منافع خود و مقابله با خشم و انزجار مردم ارائه می‌دهند. همین تأمین منافع خاص است، که منجمله در اختلاف نظر بین مجلس و شورای نگهبان بروز می‌کند و در زورق الفاظی از قبیل: "فقاقت"، "احکام اولیه" و "احکام ثانویه"، "رعایت احکام ثانویه"، "رعایت احکام شرعی" و... بیان می‌شوند.

تلاش خمینی نیز این است که برای حفظ منافع سیستم پوسیده‌اش، راه را برای تصویب قوانینی باز کند، که مدت‌هاست در بین راه حزب و شورای نگهبان راکد مانده است.

البته خمینی از همان ابتدا نوعی از باصلاح مجلس قانونگزاری بوجود آورد که علیرغم دست‌چین شدن نمایندگان تقلبی‌اش فی الواقع با نفس دیکتاتوری مطلقه "ولایت سفیانی" - که هر وقت اراده کرد پاره می‌کند و هرگاه مصلحت دید وصله می‌کند - مغایرت دارد با این حال خمینی باین هم قناعت نکرد و برای دوقبضه کردن منافع و مطامع پایان‌ناپذیر ارتجاعیش، آخوندهای شورای نگهبان را نیز بالای سر آن زنجیر کرده تا هر جا که مجلس تحت‌تأثیر فشارهای فزاینده‌ی اجتماعی لایحه‌ای را

با رد شدن یکسری دیگر از مصوبات مجلس ضد خلقی در شورای نگهبان، خمینی یکبار دیگر در معرض شدت گرفتن تضادهای درونی و معضلات و مشکلات ناشی از سیستم حکومتی دیکتاتوری "ولایت سفیانی" خود فرار گرفته است. عتاب و خطاب‌های اخیر خمینی در جماران در حضور نمایندگان مجلس حزبی، که طی آن یکبار دیگر خمینی دجال‌نحوی ارتباط بین مجلس و شورای نگهبان را دستکاری کرد، بخوبی بیانگر دردهای تازه‌ی رژیم خمینی است.

قابل توضیح است که مجلس و شورای نگهبان - این دو ارگان سرسپرده‌ی خمینی - در شرایطی با یکدیگر سرشاخ می‌شوند که بحران‌ها و بن‌بست‌ها و مشکلات لاینحل، سرتاپای رژیم را فراگرفته است جنگ خانمانسوز با عراق، اختناق و سرکوب بی‌سابقه، فقر، بیکاری، گرانی، کمبود شدید مایحتاج مردم، مشکل بهداشت مسکن و... هر روز بر دامنه‌ی نارضایتی‌های مردم می‌افزاید. از سوی دیگر ضربات کوبنده و پی‌درپی رزمندگان مجاهد خلق بر پیکر فرتوت این رژیم، شکاف‌های درونی آن را عمیق‌تر کرده، به نحوی که رژیم خمینی درمانده از اتخاذ هرگونه راه حل اساسی برای این مسائل، به سرکوب خلق و به تاراج دادن نفت و بندوبست با امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها تکیه کرده است. حال اگر خمینی در رابطه با انبوه مشکلات درونی و بیرونی که او را احاطه کرده، بتواند مدتی نیز به بندبازی‌های خود ادامه دهد و علی‌الظاهر دم از ثبات بزند. اما بی‌تردید زشادگسترش و بروز این تضادها و مشکلات لاینحل اجتناب‌ناپذیر بوده و ارتجاع قرون وسطائی خمینی در عبور از آخرین مرحله‌ی عمر ننگین خود، ناگزیر از روبرو شدن روزمره با آنهاست و بنابر قانونمندی‌های اجتماعی، خود این تضادها و مشکلات که هر روز

تصویب کرد، شورای نگهبان آن را وتو کند! آیا برآستی جز تصویب لوائح و طرح‌های عمیقاً ارتجاعی، ضد انقلابی و ضد مردمی خمینی و دار-ودست‌هاش، چیزی از درون این باصلاح ارگان‌های قانونگذار رژیم خمینی بیرون آمده است؟! و حال در درون همین دو ارگان ارتجاعی نیز، بر سر نحوه‌ی چپاول مردم اختلاف بالا گرفته است، که خمینی دجال آن را به "اختلاف بین دو مجتهد"! تعبیر می‌کند. البته همانطور که گفتیم چنین تضادهائی ذاتی این رژیم است منتهی در پروسه‌ی سقوط رژیم، بتدریج غیرقابل کنترل می‌گردد. در طول این مدت که حزب جمهوری اکثریت کرسی‌های نمایندگی مجلس خمینی را در دست دارد سعی کرده است به انحاء مختلف از جمله "ضرورت احکام ثانویه" نقطه‌نظرات خود را پیش ببرد. اما آخوندهای وابسته به عصر حجر! در شورای نگهبان نیز تعدادی از مصوبات حزب در مجلس را - که با نظراتشان مغایرت داشته وتو کرده و به آن مهر بازگشت زده‌اند.

نقطه‌ی اوج این اختلافات بر سر لایحه‌ی "تصرف و خرید اراضی شهری توسط دولت" بود که مجلس آن را تصویب نمود اما، توسط شورای نگهبان رد شد. خمینی در تاریخ ۱۹ مهرماه ۶۰ برای تخفیف دادن تضاد، و خارج کردن جریان قانونگزاری از درگیری‌های بین ایادیش، چاره را در

داشته باشد. ثالثاً در اجرای همین مصوبات موقت اگر مجریان تخلفی کردند تعقیب و مجازات شوند، قسمتی از اختیارات پایان‌ناپذیر ولایت سفیانی اش را به مجلس اعطا نمود. به اصل نامه‌ی رفسنجانی و پاسخ خمینی دقت کنید. "اطلاعات ۲۰ مهر ۶۰"

عنوان ثانوی حکم دیگری دارد. مثال ساده‌اش: مثلاً قوانین راهنمایی می‌گوید: شما باید از دست راست بروید و یا این کوچه ممنوع‌الورود و یا یک‌طرفه است. به عنوان اولی یک کوچه‌ای است و عبور و مرور برای همه آزاد است. اما اگر قرار باشد در یک شهر شلوغ با اتومبیل‌های

دوشنبه بیستم مهر ماه ۱۳۶۰

امام بااستفاده از اصل ولایت فقیه اختیارات تازه‌ای به مجلس دادند

حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران فرمود: اعمال ولایت و تنفیذ مقام رهبری درباره برخی از قوانین که در مجلس به تصویب میرسد کسب تکلیف کرد. متن این نامه چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم - محضر شریف حضرت آیت‌المظنی امام خمینی مدظله‌العالی .

چنانکه خاطر مبارک مستحضر است، قسمتی از قوانینی که در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد، به لحاظ تنظیمات کل امور و ضرورت حفظ مصالح یا دفع مفاسدی است که بر حسب احکام ثانویه بطور موقت باید اجرا شود و در متن واقع مربوط به اجرای احکام و سیاست های اسلام و جهاتی است که شاعر مقدس راضی به ترک آنها نمی باشد و در رابطه با اینگونه قوانین با اعمال و تنفیذ مقام رهبری که طبق قانون اساسی قوای سه‌گانه را تحت نظر دارند، احتیاج پیدا می شود، علیهذا تقاضا دارد مجلس شورای اسلامی را در این موضوع مساعدت و ارشاد فرمائید.

پاسخ امام

متن پاسخ امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به نامه رئیس مجلس شورای اسلامی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم - آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد، کنعنه یا ترک آن موجب اختلال نظام میشود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن بافضل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم هرج است پس از تشخیص موضوع بوسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود بخود لغو میشود، مجازند در تصویب و اجرای آن و باید تصریح شود که هر یک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود، مجرم شناخته میشود و متقیب قانونی و تعزیر شریعی میشود.

در همان روزها، افراد خیره‌ی رژیم برای اینکه "امت در صحنه"! ازین اظهارات مطمئن و بیهوده‌ی خمینی زیاد و عبور و مرورهای پیچیده قوانین راهنمایی یا عبور و مرور نداشته باشند راه‌بندان‌ها و تصادف‌ها موجب اختلال نظام

هر کدام از این ارگان‌ها، در حالیکه در کلیت خود، در خدمت تأمین منافع رژیم خمینی و سیستم ضد بشری او هستند، اما از آنجا که عناصر و جریان‌های داخلی این سیستم ارتجاعی و پوسیده در تأمین منافع خاص خود و سهمی شدن بیشتر در قدرت می‌باشند. لذا هر کدام شیوه‌های خاصی را در جهت تأمین منافع خود و مقابله با خشم و انزجار مردم ارائه می‌دهند.

سرگیجه نگیرند، شروع به شرح و تفصیل آن نمودند. از جمله موسوی اردبیلی درین باره چنین توضیح داد: (کیهان ۲۰ مهر ۶۰)

"... معنای این حرف این است که بعضی احکام داریم که به عناوین اولیه یک حکم، و به

دادن امتیاز تازه به حزب جستجو کرد. بر این اساس رفسنجانی نامه‌ای به خمینی نوشت و از او کسب تکلیف نمود. خمینی در پاسخ، با قید سه شرط مبنی بر اینکه اولاً مصوبات با "اکثریت آراء" باشد. ثانیاً جنبه‌ی "موقت"

دربارهٔ اختلاف شورای نگهبان و مجلس ضد خلقی رژیم و سخنان خمینی در این رابطه

جنایتکار یوسف صانعی که در آن موقع از باصلاح فقهای عضو شورای نگهبان بود (و اخیرا توسط خمینی به سمت دادستانی کل منصوب گردید) مسئله را چنین توضیح داده است: (کیهان ۲۰ مهر/۶۰) "... بنابرین جملات و فرمایشات امام پیاده می شود در اینکه، امام به اکثریت مجلس اجازه دادند اعمال ولایت بنماید، و در هر گجا اعمال ولایت نمود ولو برخلاف قوانین اولیه باشد، اما چون مطابق با قوانین ثانویه اسلام و ولایت فقیه است نافذ و متبع و قاعداً شورای نگهبان هم با توجه به اعمال ولایت نمی تواند رد کند چون شورای نگهبان نسبت به موازین اولیه باید اعمال نظر کند مگر آنکه تشخیص دهد که این مورد از موارد اعمال ولایت نبوده که آن هم خیلی کم و شاید هیچ اتفاق نیفتد با وضع اینکه در مجلس دانشمندان و اساتیدی از حوزه علمیه قم و سایر جاها هستند ..."

مقررات راهنمایی یا عبور و مرور درست می کنند. این را می گویند یا به عنوان ولایت یا به عنوان حکومت به عنوان ثانوی چنین کاری را کردند. نظر حضرت امام بر این بود: قوانینی که در مجلس تصویب می شود، باید طبق دستورهای شرع به عنوان اولی باشد، ولی اگر مواردی پیدا شد، مثل این موردی که من گفتم. البته این موارد کم نیست یعنی در کشوری که حکومت اسلامی است، به دست حکومت اسلامی است، موارد زیادی است. قوانین شهرداری، قوانین گمرک، قوانین مرزها و قوانین دیگری از این قبیل ما داریم. مجلس می تواند تا احساس چنین ضرورتی به عناوین ثانوی می شود، به عنوان ولایت و حکومت چنین قوانینی را تصویب کند ..."

البته بد نیست با استفاده از همین مثال موسوی اردبیلی اشاره ای هم به میزان اختیارات مستبدانه و بوالهوسانه ی خمینی بکنیم، که فارغ از هرگونه ضابطه و قانون و معیاری هر وقت، هر جا و به هر شکل که تمایلات شیطانی اش ایجاب کرد، به آسانی از هر "ورود ممنوعی" عبور می کند. اما از تفسیرهای اردبیلی که بگذریم، امتیاز دادن خمینی به مجلس در آن مقطع، مفهومی

بالا گرفتن اختلافات

هر چند هاشمی رفسنجانی در آن موقع با اظهار خرسندی اعلام کرد: که با این اجازه ی بسیار مهم که امام دادند مشکل مجلس و دولت برای اقدامات اساسی حل شده و از

ولایت سفیانی و عنان گسیخته ی خمینی از چند جهت کاری کند و ارگان ها و ایادی سرسپرده ی خود را بهم می پیچد و زمانی هم که شاخ به شاخ شدند همه را جمع می کند جماران و می گوید: کوتاه بیایید حکومت در خطر است !!!

"باز شدن راه" صحبت کرد (کیهان ۲۰ مهر/۶۰). اما شورای نگهبان که قسمتی از اختیاراتش را - بویژه با هو و جنجالی که حزب پیرامون آن راه انداخته بود - از دست رفته می دید، نزد خمینی نگرانی خود را از "مطلق العنان!" شدن مجلس ابراز داشت. خمینی هم این بار دستی بسر آنها کشیده و اعلام کرد "... شورای نگهبان

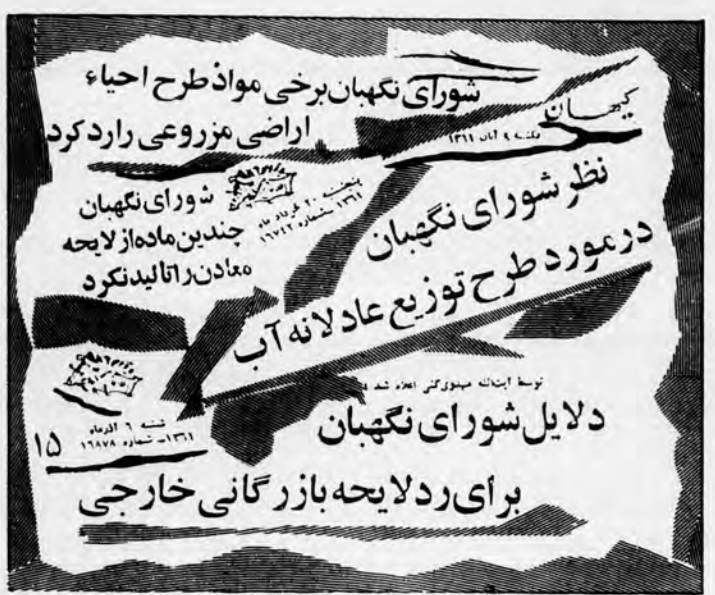
این بود که جز مصوبات اصلی و مهم "احکام اولیه" که باید شورای نگهبان حتما در باری آن نظر بدهد، مجلس می تواند لوایح و قوانین فرعی تر روزمره (احکام ثانویه) را خودش با "اکثریت آراء" تصویب کرده، و برای اجرا به دولت بسپارد و شورای نگهبان هم دیگر نیایستی با این قبیل احکام مخالفت کند. در همان روزها آخوند

این قبیل تملقات و چاپلوسی های همیشگی با کنایه به رخ خمینی کشید که: "... عناوینی بود که شما به این مجلس دادید و از روز اول اینها را عصاره ی انقلاب و برآمده از الله اکبرهای مردم به حساب آوردید و حمایت کردید از ما، در مقابل خطوط دیگر و ..."

"خلاصه اینکه رفسنجانی می خواست بطور پوست کنده به امام شهادت این را بگوید که: شما (خمینی) خودتان این مجلس دست پرورده و قلابی را برای مقاصدان به مردم تحمیل کرده و روی آن تبلیغ نمودید، حالا هم باید به آن عنایت داشته باشید ...!"

اما خمینی این بار "مصلحت" را در تایید شورای

همانطور که ملاحظه می کنید ولایت سفیانی خمینی دستش برای هر کاری باز است. سگ زرد را برداشته، برادرش شغال را جایگزین آن می کند. موقتا برای سرپوش گذاشتن روی کشمکش حضرات، شورای نگهبان را برداشته و معجون بی در و پیکر "خبرگان" را به جای آن گذاشته است. اما علیرغم هوچیگری های مجدد و مکرر رفسنجانی، دایر بر اینکه مشکل ما حل شد و ... شورای نگهبان خط خودش را پیش برد و کماکان تعدادی دیگر از لوایح مصوبه حزبی را رد نمود. به عناوین روزنامه ها در مورد برخی از آنها توجه ننمائید.



نگهبان دید زیرا هم چنان که قابل پیش بینی بود، خمینی و فقهای شورای نگهبانش، برای حفظ منافع خود و تاراجگران وابسته شان حتی حاضر نیستند ریسک کنند و موقتا به آنها اجازه ی تصویب یک سری لوایح بی محتوا و بدنال آن تبلیغات باصلاح مترقی نمایانه را بدهند، و حاجت توده های و توده های صفتان خائن را هم، که این همه به امام رذالت پیشگان و به امامزاده ی این قبیل لوایح دخیل بستانند، روا کنند. به هر حال خمینی در این ملاقات در پاسخ رفسنجانی، صلاحیت بیشتر شورای نگهبان را برای کل نظام ارتجاعی اش گوشزد نمود. به قسمت هائی از صحبت های خمینی در ۴ بهمن/۶۱ توجه نمائید:

"... اگر ده مرتبه اینطور اتفاق بیفتد که یک عده ای که اکثریت فرض کنید هستند اینها یک چیزی بگویند یک عده ای هم در اقلیت باشند و چیز دیگری بگویند برود در شورای نگهبان و رد بکند اکثریت را رد کند، نقض کند، اگر چندین دفعه بقیه در صفحه ۲۱

ملاقات اخیر با خمینی

مجموعه ی تضادها و کشمکش های طولانی فوق الذکر باعث شد که حزب جمهوری به سردمداری رفسنجانی، بار دیگر نمایش همیشگی رفتن به خلوت خمینی را تکرار کند و در ۴ بهمن ۶۱ دارودسته ی نمایندگان حزبی را برای چاره جوئی و گرفتن امتیاز بیشتر به سمت جماران بکشاند. او در محضر شیطان جماران از همان ابتدا به تعریف از مجلس و مجلسیان پرداخت. از جمله اینکه "یکی از آرزوهای قدیم مردم چنین مجلسی بوده ... شما از دوران تحصیل خیلی ها شان را می شناسید مومندان! دانشمند و صاحب نظرند! ... مبارزند! تا آنجائی که بنده مطلعم پرکارترین مجلس دنیاست ... ما امیدواریم که امام توجه کافی نسبت به این مجلس مبذول کنند ... ما می خواهیم با وضع یک سری قوانین در جامعه ی امروز در دنیا یک الگو نشان دهیم آن هم زیر سایه ی جناب عالی ..."

... رفسنجانی پس از ذکر

حماسه‌های مجاهد خلق،

لحظه‌های انقلاب

تا آخرین لحظه در اوج

تاریخ: ۱۵ مرداد / ۶۱
مکان: تهران - شمس آباد
شرقی
زمان: هفت و نیم صبح

حلقات تودرتوی محاصره‌ای که بوسیله کمیته‌چی‌ها و پاسدارها بوجود آمده بود تمام راههای ورودی و خروجی کوچه‌ها و خیابان‌های اطراف پایگاه را مسدود کرده بود. از دوسه روز قبل، سپاه ضد خلقی منطقه‌ی شمس‌آباد تهران در تدارک حمله به این پایگاه، تمام امکانات خود و کمیته‌های اطراف را بسیج کرده بود. و حالا کم‌کم ساعت این تهاجم ضد انقلابی که از قبل تعیین شده بود، نزدیک می‌شد. فرماندهی مزدوران سپاه خمینی نگاهی به اطراف انداخت و به پهلو دستی‌اش که کیچ بنظر می‌رسید گفت: "منطقه خیلی خلوت، راه در روهم ندارن، قول میدم خون از دماغ هیچکدام از بچه‌های ما نیاد و همه‌شونو بگیریم... دلم می‌خواد همه‌شونو زنده بگیریم" و پس از لحظه‌ای سکوت مجدداً

تاکید کرد: "می‌گیریمشون... زنده‌ی زنده. قول می‌دم که زنده بگیریمشون..."

مهدی (۱) از پنجره‌ی پایگاه که مشرف به خیابان بود نگاهی به بیرون انداخت و به سهیلا (۲) و طاهره (۳) که مشغول خوردن صبحانه بودند گفت: "دوسه روزه که این صامت واقعا صامت شده!، هیچ سروصدائی نیست... معلوم نیست چه خبره؟". طاهره در حالی که سعی می‌کرد سعید (۴) کوچک را که هنوز آرام و راحت خوابیده بود، بیدار نکند، گفت: "آره لابد برنامه و حمله‌ای در دست دارند...". مهدی مسلسلش را یک لحظه کنار پنجره گذاشت و به طرف میز آمد و پس از برداشتن لیوان چای برگشت و دوباره در کنار پنجره، به دیدبانی مشغول شد.

ماشینی با سرعت و سروصدای زیاد از خیابان گذشت و چند دقیقه بعد مرد آهنگری که نزدیک این پایگاه مغازه داشت با لباس کار همیشگی خود به داخل مغازه‌اش رفت. سعید کوچک از خواب بیدار

شد و به اطرافش نگاه کرد. مادرش و خاله سهیلا سر میز صبحانه نشسته بودند و "عمو" مهدی هم با مسلسلش در کنار پنجره اتاق آماده ایستاده بود. سعید کوچک با خنده‌ای شیرین به مادرش نگاه کرد. طاهره از صدای سعید متوجه او شد. به چشم‌هایش نگاه کرد که چقدر شبیه پدرش بود و بعد بی‌اختیار به یاد "همسرش" افتاد. به یاد آغاز زندگی مشترکشان و تلاطم‌های دوران زندگی پر جوش و خروش سیاسی... و اکنون یکسال بود که همسرش برای انجام یک ماموریت سازمانی به سفر رفته بود، و هنوز سعید کوچولو را ندیده بود... صدای سعید دوباره طاهره را بخود آورد بلند شد و به طرف سعید رفت و او را بغل کرد و بوسید و به طرف میز صبحانه آمد که ناگهان مهدی به سرعت خودش را از پشت پنجره عقب کشید و گفت: "بچه‌ها مثل اینکه پاسدارها دارن پایگاه ما را محاصره می‌کنند!... حالا علت سکوت صامت معلوم شد."

غرش رعب‌انگیز چهارمین

وارد صحنه مبارزات سیاسی شد و مشخصاً در ارتباط با جریانات مترقی و مبارز دانشجویی هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران شروع به فعالیت نمود.

طاهره پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، مدارس جنوب شهر تهران را برای تدریس برگزید. در این دوران وی اوقات زیادی را صرف تماس با اقشار محروم و ستمدیده‌ی جنوب شهر می‌کرد و گاه ساعت‌ها در خانه‌های آنان به درد دل‌ها و داستان رنج‌های بسیار و بی‌پایانشان گوش می‌داد و از رنج‌های آنان برای راه طولانی و دشوار مبارزات خویش توشه‌ی راه می‌اندوخت.

طاهره که گذشته از تدریس اوقاتی را نیز در دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران به فعالیت می‌پرداخت موفق شد که در آنجا با مجاهدین شهید

"فانوس قدیر" صدای رگبارهای مسلسل‌ها را در خود فرو بلعید و پاسدارها مجبور شدند کمی عقب بکشند.

ساعت ۱۲ ظهر بود و چهار ساعت ونیم از شروع درگیری می‌گذشت... سهیلا پس از سه ساعت و نیم مقاومت قهرمانانه در ساعت یازده شهید شده بود و پیکر غرقه در خونش در کنار نارنجک‌ها و فانوس‌ها و خشاب‌ها، کف اتاق افتاده بود.

... صدای گریه‌آلود سعید که گوئی مادرش را می‌خواست. دوباره از حمام بلند شد. با شنیدن صدای سعید، در یک لحظه دل طاهره فروریخت ولی زود به خود آمد. از خانه تقریباً چیزی باقی نمانده بود. شیشه‌ها خرد شده بود. دیوارهای سوراخ سوراخ و وسایل درهم‌ریخته، آنجا را به خانه‌های بمباران شده شبیه ساخته بود.

طاهره، خشاب‌ها را به طرف مهدی لغزاند و خودش با چند خشاب پر دیگر به پشت پنجره اطاق روبروئی رفت و از گوشه‌ی محفوظ تر آن، بیرون را نگاه کرد. خورشید بر فراز تهران آتش گرفته بود. طاهره مسلسلش را دست به دست کرد و عرق پیشانی‌اش را پاک کرد و خندید و زیر لب گفت: "خوبجوری داره تموم میشه، اونجوری که همیشه دلم می‌خواست، در اوج و تا لحظه‌ی آخر درست و...". و به یاد همسرش افتاد و خندید. غرش انفجار نارنجکی که مهدی پرتاب کرده بود همراه با فریاد خشمگین و شوق‌آلود او برخاست... "دوتای دیگه رفتن خدمت بهشتی" و بعد دوباره با

جلال هدشی، محمدرضا باب احمدی، جعفر محمدی گیلانی و مسعود انتظاری، تماس حاصل کند و بر دامنه‌ی فعالیت‌های انقلابی خود بیفزاید.

پس از آنکه مجاهدین شهید جلال هدشی و محمدرضا باب احمدی در جریان نبرد با رژیم ضد خلقی شاه به شهادت رسیدند، طاهره و همزمانش سرسخت‌تر و استوارتر به فعالیت‌های انقلابی خود ادامه دادند. آنان از جمله کسانی بودند که پس از آزادی برادر مجاهد مسعود رجوی، نقش موثری در تدارک اولین سخنرانی وی در دانشگاه تهران داشتند.

پس از پیروزی قیام خلق در ۲۲ بهمن ۵۷، مجاهد شهید طاهره وزیری ابتدا در بخش دانشجویی و پس از آن در قسمت اجرائی نشریه "مجاهد" بقیه در صفحه‌ی ۱۹

بلندترین صدا فریاد زد: "مرگ بر خمینی جلا د..."

آمولانس که جنازه‌ی هشتمین پاسدار را همراه با چند پاسدار زخمی که زوزه می‌کشیدند بار کرد و راه افتاد یکی از مزدوران سپاه، بطرف خانه‌ای که درب آبی‌رنگی داشت رفت و با لگد به در کوبید و وقتی که در باز شد در برابر چشمان وحشت‌زده زن صاحبخانه و بچه‌هایش، با دو پاسدار دیگر تیرباری را از پله‌ها بالا بردند. این سومین تیرباری بود که در پشت‌بام‌ها مستقر می‌کردند. این تیربار که کار گذاشته شد و رگبارها که شروع شد، دوان دوان پائین آمد و بطرف ماشینی که دوباره مهمات آورده بود دوید و داد زد: "دوتا تیربار دیگه رو ببرید پشت بوم اون خونه" و بعد با حالت عصبی بطرف بی‌سیم که او را صدا می‌زد دوید.

ساعت یک بعد از ظهر طاهره با رگبار تیرباری که دیگر از اتاق چیزی باقی نگذاشته بود، شهید شد. مهدی سینه‌خیز در حالی که از بازویش بشدت خون می‌ریخت خود را به راهرو رسانید. صدائی نمی‌آمد... نگاهی به خشابها انداخت. همه‌خالی بودند تنها دو فشنگ در سلاح کمربندی‌اش باقی مانده بود. از شدت خونریزی احساس ضعف عجیبی می‌کرد. دلش می‌خواست خودش را به پشت‌بام برساند. همیشه آرزو داشت که آخرین فریاد مرگ بر خمینی را در پشت بام پایگاه سردهد. دو سه پله که رفت احساس کرد نزدیکست که بیهوش شود. روی پله نشست و سلاح را با دو دست محکم گرفت و لوله‌ی آن را به پیشانی‌اش فشرد. لحظه‌ای نیرویش را بازیافت. تیربارها همچنان شلیک می‌کردند. شهادتین را که گفت احساس آرامش عجیبی کرد. انگار آخر راهی طولانی بود. هوا خنک‌تر شده بود، آهسته و با دقت ماشه را فشرد و همراه با غرش گلوله از پله‌ها به پائین غلطید...

صدای گریه‌ی سعید کوچک دوباره از داخل حمام بلند شد.

- پاورقی‌ها:
- ۱- مجاهد شهید محمد لقاء نازنده
 - ۲- مجاهد شهید سهیلا قاضی محمدی
 - ۳- مجاهد شهید طاهره وزیری
 - ۴- سعید زاهدی که هم‌اکنون نیز در اسارت درخیمان خمینی است.

قَالَ اللَّهُ تَبَيَّنَ عَلَى الْعَالَمِينَ جَرَانِيَا



فرازهایی از زندگی مجاهد شهید طاهره وزیری

آمد و در دانشکده‌ی تربیت معلم به تحصیل پرداخت. طاهره به خاطر برخورداری از انگیزه‌های انقلابی و با آشنا شدن با اهداف و آرمان‌های مجاهدین در دوران دانشجویی

مجاهد شهید طاهره وزیری در سال ۱۳۳۴ در رودسر بدنیا آمد و پس از خاتمه‌ی تحصیلات ابتدائی و متوسطه در این شهر و موفقیت در کنکور دانشگاه برای ادامه‌ی تحصیل به تهران

حماسه‌های مجاهد خلق، لحظه‌های انقلاب

دژ خیمان را از سلاح مجاهد گریزی نیست

گزارشی از درهم کوبیدن دو مرکز جاسوسی رژیم ضد بشری خمینی

بوسیله واحد عملیاتی مجاهد شهید ناصر رحمانی

تاریخ: ۶ شهریور/۶۱
زمان: یازده و نیم صبح
مکان: خیابان کارون حدفاصل
خیابان‌های آذربایجان-آشنا

... سرانجام گزارش‌های تیم شناسائی کامل شد و دو مرکز مهم فعالیت جاسوسان و مزدوران رژیم در منطقه "کارون - آذربایجان" شناسائی گردید. مرکز اصلی تجمع جاسوسان در نقاط خیابان‌های کارون و آذربایجان و دیگری به فاصله‌ی اندکی از اولوی در نزدیکی نقاط خیابان‌های "آشنا - کارون" قرار داشت. این کانون‌های جاسوسی و بخصوص دومی که تحت پوشش نمایشگاه اتومبیل به فعالیت‌های ضدانقلابی مشغول بود. از عوامل اصلی سرکوب و گسترش جو ارباب و خفقان در آن منطقه بشمار میرفتند و همچنین در دستگیری و شکنجه و اعدام تعدادی از هواداران مجاهدین نقش فعالی داشتند. با گزارش‌های تیم شناسائی تا حدود زیادی مکانیزم فعالیت‌ها و زمان تجمع جاسوسان و مزدوران رژیم در این مرکز و تعداد آنان که بیش از ده نفر بود مشخص گردید و سرانجام بعد از طرح‌ریزی عملیات و بررسی نهائی که در روز پنجم شهریورماه انجام گرفت، صبح روز ۶ شهریور ماه - که قرار بود در آن روز مزدوران در آنجا جمع شوند - برای انجام عملیات که بنام "مجاهد شهید بیژن سیفی" نامگذاری شده بود در نظر گرفته شد.

ساعت ۹ صبح "ک" با موفقیت و در حالی که نشاط خاصی در چهره‌اش پیدا بود، برگشت. معلوم بود که توانسته است با استفاده از حمایت بی‌دریغ مردمی ماشین مناسبی برای انجام عملیات تهیه کند. "ک" در حالی که می‌خندید گفت: "اگر بقیه‌ی کارها همینطوری

پیش بره وای به حال خمینی بدبخت! ماشین اول را که متوقف کردم، راننده، وقتی که متوجه قضیه شد، گفت: خیلی دلم می‌خواست می‌توانستید از این ماشین استفاده کنید ولی حیفت که وسط کار خاموش می‌کنه و می‌ترسم کار دستتون بده، یا وجود این، تصمیم با خودتان... راننده دوم هم خودش سویچ ماشین را داد و بعد هم آدرس و شماره‌ی تلفنش را داد و بعد خندید و خدا حافظی کرد و رفت..."

"ک" بعد از گزارش جریان نهی‌ی ماشین، برای شرکت در آخرین بررسی طرح عملیات به کنار میز آمد.

طرح تهاجم به مقر مزدوران برای آخرین بار بررسی شد. تسلیحات و تدارکات، چک شد و پس از شنیدن فرمان اجرای عملیات که بوسیله فرماندهی طرح عملیاتی خوانده شد حدود ساعت ده صبح از پایگاه خارج شدیم.

لحظه‌ی موعود نزدیک می‌شد. لحظه‌ای که چند تن دیگر از جاسوسان و مزدوران جنایتکار رژیم ضد خلقی خمینی می‌بایست به مجازات جنایت‌ها و خیانت‌های بی‌شمار خود برسند و نزدیک شدن این لحظه همه را سرشار از امید و نیرو می‌کرد. چرا که همگی بخوبی می‌دانستیم با نابودی هر کدام از سرانگشتان اختناق‌آفرین رژیم ترور و جنایت خمینی دجال لحظه‌ی قیام شکوهمند خلق در زنجیر و سرنگونی این رژیم ضد بشری نزدیک‌تر می‌شود. درست سه روز قبل نیز همین شور و شوق طوفانی و آشنا را در خویش احساس کرده بودم. روزی که یکی دیگر از خانه‌های امن و شکنجه گاه‌های پاسداران جانی را در تهران پارس مورد حمله قرار دادیم و در این تهاجم یکی از شکنجه‌گران (۱) با سابقه‌ی رژیم و دوتن از دستیارانش به هلاکت رسیدند. در بررسی‌هایی که بعد

صدای "ک" چون رعد در گوش‌های جاسوسان خمینی پیچید: "گسی از جاش حرکت نکنه" من با فانوس و نارنجک، خیابان را زیر نظر داشتم... مزدوران که ۹ نفر بودند با شنیدن صدای "ک" و دیدن مسلسل او به رعشه‌ی مرگ دچار شدند و رنگ از چهره‌ی همه‌شان پرید. آنها که خود بهتر از هر کس دیگر به جنایات خود آگاهی داشتند اکنون در آستانه‌ی چشیدن کبفر انقلابی جنایاتشان قرار گرفته بودند. آنها بارها اظهارهای رزمندگان مجاهد خلق را دریافت کرده بودند ولی باز هم به خیانت‌های خود ادامه داده بودند و اینک می‌دیدند که تا لحظاتی دیگر مسلسل‌های آتشین انقلاب، فرمان خلق ستم‌دیده و قهرمان را خواهد خروشید.

صدای "ک" دوباره سکوت حاکم بر آنجا را شکست: "بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران" او می‌خواست به خواندن حکم اعدام انقلابی آنان ادامه دهد که چند تن از مزدوران، سعی کردند! با فرار و رفتن به پشت اتومبیل‌های نمایشگاه خود را از آتش قهر انقلابی خلق که از سلاح فرزندان مجاهدش زبانه می‌کشید نجات دهند که رگبار آتشین مسلسل "ک" به آنان امان نداد و ۶ تن از آنها را در دم به هلاکت رساند و ۳ نفر دیگر از مزدوران را مجروح نمود.

از صدای رگبار مسلسل "ک" به یکباره وضع خیابان بهم ریخت و مردم در حول و حوش مرکز جاسوسی شروع به تجمع کردند. لحظاتی بعد وقتی "ک" از مرکز توطئه و جنایت جاسوسان و مزدوران خمینی دجال و با فریادهای "مرگ بر خمینی"، "جاسوسان خمینی اعدام

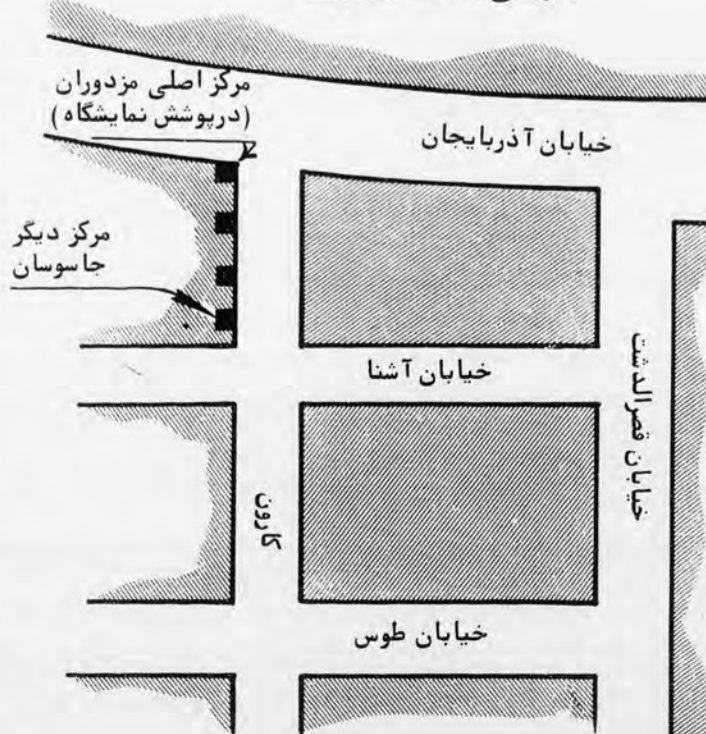
باید گردند" بیرون آمد، همه می‌دانستند که مساله چیست و چهره‌های ملت‌هت و خندان مردم نشانگر خشم و نفرت آنان نسبت به جنایتکاران جیره‌خوار خمینی بود. "ک" پس از فرو ریختن شیشه‌های مقر جاسوسان به وسط خیابان آمد، سلاحش را بالا برد و خطاب به مردم حاضر در محل عملیات، فریاد زد: "مرگ بر خمینی، زنده باد آزادی... من یک مجاهد خلقم... همه ناظر اعدام این جلادان خلق بودید ما نبرد را تا سرنگونی خمینی ادامه خواهیم داد و در اینجا... اعلام می‌کنم اگر کسی وابسته به رژیم خمینی جلاد است... هنوز سخنان "ک" تمام نشده بود که دوسه نفر که احتمالاً در میان مردم منطقه به باصطلاح حزب-الطهی بودن مشهور بودند از بین جمعیت بیرون آمدند و پا به فرار گذاشتند و صدای خنده‌ی مردم که در صف گاز ایستاده بودند فضا را پر کرد.

لحظاتی بعد در حالی که شعارهای رعدآسای "مرگ بر خمینی- درود بر رجوی" توسط واحد عملیاتی، فضا را پر کرده بود، ماشین حامل ما از میان مردمی که با احترام و با چهره‌های خندان برای ما راه باز می‌کردند گذشت و سرانجام به سلامت به پایگاه خود بازگشتیم (۲).

صبح ۸ شهریور بود و مردم جلوی پایگاه مزدوران رژیم که روی شیشه‌های آن پارچه‌ی سیاهی با مضمون "... بار دیگر منافقین... آویزان بود، جمع شده بودند. پیر مرد "واکسی" در حالی که قوطی چوبی ابزارش را بدوش می‌کشید به فردی که کنار دستش ایستاده بود و سعی می‌کرد در مقابل کمیته‌چی‌هایی که اطراف را می‌پائیدند، حالت غمناکی به خودش بگیرد گفت: "این مفت‌خورای گردن کلفت تو هر سوراخی قایم بشن بالاخره یه روزی آه مردم خرخره‌شونو می‌گیره، حالا خمینی هی بگه مجاهدین تموم شدن! هی خونه‌هاشونو به توپ و مسلسل بینده، بخدا دیگه خمینی تموم شد. شایدم خودش خبر نداره!! ولی کم‌کم خبردار میشه کم‌کم..."

پاورقی‌ها:
۱- نام این مزدور شکنجه‌گر "اکبر حدادی" بود.
۲- قرارگاه شماره‌ی (۱) جاسوسان نیز که در زیر پوشش مغازه فعالیت می‌کرد در همین روز مورد حمله قرار گرفت و یک تن از مزدوران رژیم نیز در آنجا به هلاکت رسید.

کروکی منطقه عملیات



تفسیر سیاسی رادیوی حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با دیدار و بیانیه مشترک

برادر مجاهد مسعود رجوی و نایب نخست وزیر عراق

حزب دمکرات کردستان ایران طی یک تفسیر سیاسی که از رادیو صدای کردستان پخش گردید، استقبال و حمایت قاطع این حزب و مردم کردستان را از دیدار و بیانیه مشترک برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و نایب نخست وزیر عراق اعلام داشت و متقابلاً جریاناتی را که همصدا با رژیم خمینی بر علیه این اقدام انقلابی شورای ملی مقاومت هیاهو برافراشته اند، بشدت محکوم نمود، ذیلاً متن این تفسیر سیاسی حزب دمکرات کردستان را ملاحظه می کنید:

حزب دمکرات کردستان ایران از ملاقات کاک مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و آقای طارق عزیز نایب نخست وزیر عراق که در پاریس انجام شده، استقبال می کند. ملاقات هنگامی صورت گرفته است که دولت عراق ارتش خود را از خاک ایران خارج ساخته و آمادگی خود را برای یافتن راه حل مسالمت آمیز اختلافات اعلام نموده است.

حزب ما بارها بر این واقعیت تاکید کرده است که رژیم خمینی رژیم است بحران ساز و جنگ افروز. چراکه بهای موجودیت خود را در ادامه بحران و جنگ می بیند. بهمین جهت کوشش برای پایان دادن به جنگ نه تنها از ریختن خون صدها هزار نفر از هموطنان ما، از افزایش حرایبهای جدید و از آواره بودن میلیونها نفر دیگر و تحمل میلیاردها خسارت اضافی جلوگیری خواهد نمود، بلکه روند سرنوشتی رژیم خمینی را سرعت خواهد بخشید و شرایط لازم را برای فرود آوردن ضربهی نهائی بر پیکر فرسودهی آن آماده خواهد ساخت. پس از این ملاقات که هدف آن پایان دادن به جنگ ایران و عراق و رسوا ساختن رژیم جنایتکار خمینی است. بعضی از گروهها که سنگ وطن پرستی به سینه می زنند، بدون اینکه در این

دوران سرنوشت ساز، کار مثبتی برای نجات کشور بخون خفتهی ما انجام دهند، فریاد "وای وطن" را به آسمان بلند کرده و این اقدام صلح جویانهی شورای ملی مقاومت را محکوم می کنند. ما بنام حزب دمکرات کردستان ایران و همهی مردم کردستان اقدام مسئول شورای ملی مقاومت برای ملاقات با نایب نخست وزیر عراق پشتیبانی می کنیم و متن اعلامیهی مشترک را که با برنامهی دولت موقت مطابقت دارد، کاملاً تأیید می کنیم و امیدواریم که شورای ملی مقاومت گام های موثر دیگری در این زمینه و در شناساندن هویت و برنامهی شورا به دولتها و سازمانهای سیاسی ذینفع در منطقه و افکار عمومی جهان بردارد. در ضمن اظهارات گروههایی را که در مخالفت با این اقدام سودبخش با رژیم خمینی همگام شده اند شدیداً محکوم می کنیم و یقین داریم هیاهوی آنها تاثیری در این اقدام انقلابی شورای ملی مقاومت نخواهد گذاشت.

اطلاعیه گروهی از شخصیت های مبارز بازار تهران در حمایت از شورای ملی مقاومت و جلب کمک مالی جهت خانواده شهدا و مجاهدین خلق ایران

بنام خدا
مقاومت و مبارزه های که از اوائل پیروزی انقلاب و آغاز حکومت غاصبانهی خمینی در شکل انتقاد از برخی عملکردهای رژیم آغاز شد و به موازات اقدامات خودسرانه او، در تثبیت حکومت استبدادی و ویرانگر اجتماعی به اعتراض مبدل شد و بتدریج گسترش یافت تا سرانجام خمینی که تحمل کوچکترین مخالفتی را نداشت، برای سرکوبی مطلق، آشکارا و عریان دست به کشتار مردم زد و مبارزهی قهرآمیز را به مردم تحمیل کرد. این مبارزه اینک تبدیل به یک پیکار هم جانبه برای سرنوشتی رژیم او، که جز ویرانی و نابودی همه جانبهی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و از همه مهمتر ضایعهی عظیم "انسانی" برای جامعهی ایران ارمغانی نداشت، مبدل گردیده است.

انقلاب شکوهمند و اهداف انسان سازش که کل ملت ایران در بثمر رساندن آن سهم داشته در اثر حاکمیت غاصبانه و سرایا نفاق خمینی و یاران وحشی او بجائی رسیده که اکنون لاجرم همدی ملت ایران بایستی در پیکار برای براندازی این حاکمان غاصب و ویرانگر شرکت کنند. بدیهی است که این مبارزه عظیم نیازمند وحدت هرچه بیشتر سازمانها، گروهها و تشکل های سیاسی-صنعی بوده و خوشبختانه آگاهی و احساس مسئولیت عمیق رهبران سازمانها و گروههای سیاسی مردمی، مترقی و انقلابی و نیز شخصیت های مسئول و مورد احترام، بخصوص سازمان مجاهدین خلق ایران و آقای بنی صدر با اعلام تشکیل شورای ملی مقاومت به تامین این نیاز انجامید و اینک این شورا با تکیه بر نقطه نظرها و برنامه کار عامه پسند در مورد مسائل اساسی جامعه و تاکید بر اعمال روش دموکراسی برای حل این مسائل، بعنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک موجود، مورد قبول و حمایت اقشار وسیعی از مردم ایران مراحل رشد و پیشرفت خود را در راه سرنوشتی رژیم خمینی و استقرار حکومت مردمی و ملی، طی می کند.

و رویاروی با رژیم به مبارزه پرداخته اند و رژیم خمینی با پشت پازدن به ابتدائی ترین حقوق انسانی - اجتماعی و بکار گرفتن زشت ترین شیوه های سرکوب و نابودی و اعمال جنایات بی سابقه، و خارج از تصور، خانواده های بی شماری را به در بدری، مصیبت و نابودی کشانده است و علیرغم این همه جنایات وحشیانه. مبارزه در جهت نابودی رژیم همچنان به پیش می رود بطوری که دیگر نه امکان رفرم برای او باقی مانده و نه از درون آن آلترناتیو دیگری می تواند شکل بگیرد.

ما جمعی از بازاریان و تولید کنندگان کشور، که با حکومت استبدادی رژیم پیشین نیز مخالف و در ستیز بوده ایم و اینک به دلیل شدت غیرقابل تحمل اختناق و جو بی سابقهی نظامی - پلیسی و کشتار ناچار به ترک کشور شده و مانند بسیاری دیگر از هموطنان، دور از میهن بسر می بریم، از آنجائی که اعتقاد داریم بر مبارزه سرنوشت ساز علاوه بر تایید و حمایت های سیاسی، به تامین نیازهای مادی محتاج است درصد برآمدیم تا برای رفع نیازمندی خانواده های بی شماری که در امر مبارزه با رژیم خمینی سرپرستانی را از دست داده و امروزه علاوه بر مشکلات همه جانبه، از جهت مادی شدیداً جمع آوری کمک های مالی هموطنان خارج از کشور نموده و این وجوه را در اختیار سازمان مجاهدین خلق ایران قرار دهیم تا به خانواده شهدا و نیز مبارزین داخل کشور برسانند. باشد که در رهائی ملت ایران از ستم استبداد و ارتجاع و استقرار دموکراسی و نیل به آزادی و استقلال سهمی ایفا کرده باشیم. علاقمندان، کمک های خود را به حساب

084252_86 KAZEM
B.N.P._CHAMPS_ELYSEES
واریز و رسید آن را به آدرس:
B.FARSHID BP 119
75623_Paris CEDEX 13

ارسال نمایند.
احمدعلی بابائی - کاظم بافرزاده - خلیل رضائی - حسین اخوان توحیدی - ابراهیم حسینی

ضربات وارده به دشمن ضد - بشری به حدی بوده است که پس از پایان تهاجم دشمن توان هیچگونه عکس العملی را نداشته است و پیشمرگه های مجاهد با آرامش و انضباط کامل به سلامت منطقهی نبرد را ترک می گویند. پاسداران در فردای این عملیات به انتقام ضربات سنگینی که از فرزندان خلق دریافت کرده بودند، به یکی از روستاها رفته و مردم بی گناه و مبارز روستا را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار می دهند و خود در آنجا رسماً به نابودی توپ ضد هوایی، زاغه مهمات، سنگرها و گشته شدن تعداد زیادی از یاران آدم گشتان اعتراف می کنند. مزدوران خمینی باید بدانند که آنها را از سلاح فرزندان خلق گریزی نخواهد بود.

مرگ بر خمینی خون آشام
مرگ بر پاسداران ظلمت و تبااهی
سلام بر خلق - سلام بر آزادی
پیش بسوی استقرار دولت موقت
جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران
مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان
۶۱/۱۱/۱۸

اطلاعیه مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان درباره

حمله مجدد و سنگین پیشمرگه های مجاهد...

بقیه از صفحه آخر
فرو می بارند. و این جرثومه های پلیس دی و رذالت را از سر راه انقلاب به زباله دانی تاریخ می افکنند تا راه را برای قیام عمومی و یکپارچه خلق هموار ساخته و بنیان پوسیده این رژیم ضد بشری و خون آشام را برای همیشه در هم نوردند.

خلق قهرمان ایران، مردم کردستان! در تاریخ نیمه شب یکشنبه ۱۸ بهمن ماه، پایگاه بزرگ جنایت و خیانت پاسداران ضد خلقی در منطقه بناویله - سردشت مورد تهاجم سنگین پیشمرگه های مجاهد خلق قرار گرفته و شدیداً درهم گوبیده می شود. تیمهای واحد پارتیزانی پیشمرگه مجاهد شهید حسن محمد روحی (کاک محمد) از گردان عملیاتی پیشمرگه مجاهد محمد شیر نژاد (کاک محمود) پایگاه مزدوران جنایتکار خمینی را با خمپاره موشکهای آر.پی.جی، نارنجک انداز و آتشهای مسلسل بی امان مورد حمله قرار می دهند و از هر سو

آنها در هم می گویند. پایگاه بناویله، یکی از مهمترین پایگاه های نظامی خمینی در منطقه سردشت و مجهز به انواع سلاح - های سنگین منجمله پدافند (توپ ضد هوایی) بوده است. در این تهاجم دلاورانه توپ ضد هوایی، توپ ۱۳۶ میلیمتری، ۳ قبضه خمپاره و ۱ قبضه کالیبر ۵۰ و زاغهی مهمات پایگاه، در همان لحظات اول با آتش مسلسل های آر.پی.جی، منفجر و منهدم می گردد. بطوریکه صدای انفجارات ناشی از آن تا مدتی بعد در سراسر منطقه طنین انداز بوده است و هم چنین سنگر فرماندهی، دو سنگر بزرگ خواب، دو سنگر دیده بانی و تعدادی سنگرهای کوچک با آتش بی امان خمپاره آر.پی.جی، نارنجک انداز و رگبار مسلسل رزمندگان مجاهد بطور کامل درهم گوبیده و ویران می گردد. در جریان این تهاجم انقلابی بیش از ۴۰ پاسدار جنایتکار به سزای اعمال ضد خلقی خویش رسیده و گشته میشوند. شدت

آینده‌ازماست

س: شما آیا باور دارید که در مبارزه‌تان کشورهای دیگر به شما کمک خواهند کرد و از شما پشتیبانی خواهند نمود؟

ج: در جهانی که ما زندگی می‌کنیم نمی‌توانیم اظهار کنیم که مردم یک کشور دور از مردم کشورها می‌توانند زندگی کنند. (البته) بطور مبنائی بیشترین توجه را به داخل و عنصر داخلی در ایران داریم. ما بدون هیچ دخالت و نقش خارجی، برای آزادی و استقلال کشورمان مبارزه می‌کنیم. این مبارزه‌ای عادلانه و حق قانونی ما می‌باشد. همچنین روابط بسیار خوبی با جنبش‌های برادر در جهان سوم داریم که به هیچ کجا وابسته نیستند، چرا که آنها دریافته‌اند که ما آینده‌ی ایران می‌باشیم. همچنین به ابرقدرت‌ها نشان داده‌ایم، که باندازه‌ی کافی قوی هستیم که بتوانیم استقلال و آزادی را برای کشورمان بدست آوریم و به عنوان یک نیروی سرتاسری برای آن مبارزه کنیم. ما در سطح جهانی بوسیله‌ی بیش از ۳۰۰ حزب سیاسی، ۲۰۰ جریان دانشگاهی، ۱۰۰ سندیکا و بیش از ۲۰۰۰ شخصیت مذهبی، حقوقی، دانشگاهی، و مطبوعاتی پشتیبانی شده‌ایم.

س: شما هم می‌گوئید که اسلامی‌هستید، در چه چیزهایی بین اسلام شما و خمینی تفاوت وجود دارد؟

ج: بهتر بود که سوال می‌کردید چه وجه مشترکی بین

س: اگر شما در انتخابات، پیروز شوید چه نوع رژیم را پیاده خواهید کرد و چه موضعی در مقابل دیگر گروهها خواهید داشت؟

ج: در صورت پیروز شدن در انتخابات، ما یک دولت ملی و دموکراتیک را برسرکار می‌آوریم بر طبق برنامه‌ی شورای ملی مقاومت، تمامی مردم در انتخابات از حقوق مساوی برخوردار خواهند بود، البته بغیر از جنایتکاران زمان شاه و خمینی. در برنامه‌مان ضوابطی برای آزادی‌های دموکراتیک قائل شده‌ایم تساوی حقوق زن و مرد، حقوق مساوی برای تمام مردم، اقلیت‌های مذهبی و ملی و از هر طبقه‌ای یکی دیگر از اهداف دولت (موقت) این خواهد بود که صلح را با عراق برقرار کند. چرا که یقین داریم تا زمانی که خمینی بر مسند کار باشد، این جنگ ادامه خواهد داشت. سپس مسئله‌ای که در صدر برنامه‌های ما قرار خواهد داشت بازسازی کشورمان می‌باشد، چرا که یقین داریم بازسازی خرابی‌های رژیم خمینی و ماقبل او زمانی معادل ۳۰ سال احتیاج خواهد داشت.

س: چه برنامه‌ای در مقابل جنگ با عراق و در مورد ملیت‌های داخل ایران دارید؟

ج: خمینی جنگ خارجی را زمینه‌سازی کرد تا بتواند بر مسائل و تضادهای داخلی سرپوش بگذارد، بر مشکلات بیفزاید تا بتواند حکومت خود را ادامه دهد و مقاومتی را که در مقابل او قرار دارد بدین

«Ο Χομεινι επωφελήθηκε απ' την ιστορική συγκυρία...»



Εκπρόσωπος της οργάνωσης «Μουτζαχεντίν Χαλί» ο Μασούντ Ραντζαβί, αυτοεξόριστος στο Παρίσι μιλάει στην ανταποκρίτριά μας για τις αντιπολιτευτικές θέσεις όσον επιδιώκουν εναλλακτική πολιτική λύση στο Ιράν.



مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با روزنامه یونانی "تانئا" مسعود رجوی برای "تانئا" صحبت می کند

در ادامه‌ی درج مصاحبه‌های برادر مجاهد مسعود رجوی در این شماره، متن خلاصه‌شده‌ی مصاحبه‌ی ایشان با روزنامه‌ی "تانئا" (مهمترین و پرتیراژترین روزنامه‌ی یونان) را که روزنامه‌یست مستقل و با گرایش به دولت سوسیالیست یونان، از نظرتان می‌گذرانیم:

نظامی بسرمی برد. رهبر سازمان‌های انقلابی که دولت فرانسه به او پناهندگی سیاسی داده، با حرکات صبورانه و اعتماد به نفس خود گواه آن است که در آینده‌ی نزدیک یا دور حاضر است با راههای مردمی و اصولی مشکلات دست‌به‌گریبان کشورش را حل نماید.

سخنگوی "مجاهدین خلق ایران" مسعود رجوی با خبرنگار اعزامی ما راجع به خط مشی مجاهدین و تلاش آنها برای حل مسائل ایران از راههای مختلف سیاسی سخن می‌گوید: "خمینی از یک شانس تاریخی سود برد... پاریس، ژانویه"

از مسعود رجوی سوال شد، با چند جمله‌ی کوتاه مسائل کشورتان چیست؟

جواب: رژیم خمینی یک سیستم ضد مردمی است که تلاش می‌کند در اواخر قرن ۲۰ دیکتاتوری قرون وسطائی خود را با چهره‌ی مذهب پیاده کند. در زندان‌های او بیش از ۶۰۰۰۰ زندانی سیاسی وجود دارد و بیشتر از ۲۵۰۰۰ نفر که بیشتر آنها هواداران سازمان مجاهدین بوده‌اند در زیر شکنجه‌ها جان خود را از دست داده و یا تیرباران شده‌اند. رژیم از نظر سیاسی و اقتصادی در حال ورشکستگی است. به عنوان مثال مشکلات ارز خارجی را در

صلح، دموکراسی، آزادی، تلاش برای بدست آوردن حقوق مردم، توسعه‌ی اقتصادی، حرفه‌ای است که هر لحظه مسعود رجوی آن‌ها را تکرار می‌کند. مسعود رجوی برنامه‌ها و خط مشی سازمان مجاهدین خلق را که او رهبرش می‌باشد و ایران را به قصد پاریس ترک کرده توضیح می‌دهد. رجوی همچنین نماینده‌ی دیپلماتیک حرکت مجاهدین در خارج از کشور می‌باشد. خانه‌ی او دور از خانه‌های دیگر و در خارج پاریس است که از آن محافظت می‌شود. در ملاقات‌ها به شدت افراد را کنترل می‌کنند می‌توان گفت که او در یک محل

نظر بگیرید که سالیانه ۱۸ میلیارد دلار مورد نیاز است. اما صادرات غیرنفتی ۶ ماهه‌ی اول سال (حدود) ۳۰۰ میلیون دلار بوده است. یکی دیگر از مشکلات اصلی رژیم اینست که خودش را در مقابل یک مقاومت آماده و سازمان یافته که اغلب نیروهای مردمی و مقاوم در

آن حضور دارند می‌بیند که مجاهدین به عنوان نیروی محوری آن در سرتاسر ایران حضور دارند.

چه باید انجام شود

س: شما فکر می‌کنید که در ایران چه باید انجام شود؟

ج: ما "شورای ملی مقاومت" را بوجود آوردیم، که تنها راه حل مردمی و دموکراتیک می‌باشد که در آن بیشتر احزاب سیاسی نیروهای مردمی، دموکراتیک و ملی شرکت دارند. ما برای سرنگونی خمینی و ایجاد یک ایران آزاد و مستقل مبارزه می‌کنیم.

رژیم از نظر سیاسی و اقتصادی در حال ورشکستگی می‌باشد. بعنوان مثال مشکلات ارز خارجی را در نظر بگیرید که سالیانه ۱۸ میلیارد دلار مورد نیاز است. اما صادرات غیرنفتی ۶ ماهه‌ی اول سال (حدود) ۳۰۰ میلیون دلار بوده است. یکی دیگر از مشکلات اصلی رژیم اینست که خودش را در مقابل یک مقاومت آماده و سازمان یافته که اغلب نیروهای مردمی و مقاوم در آن حضور دارند می‌بیند که مجاهدین به عنوان نیروی محوری آن در سرتاسر ایران حضور دارند.

وسيله (بیسر) سرکوب نماید. رژیم که قدرت حل مسائل سیاسی و اقتصادی خود را ندارد، سعی نمود که (باصطلاح) انقلاب خود را به خارج از مرزها صادر نماید. حل مسئله‌ی جنگ مسلما در قدرت و صلاحیت دولت آینده خواهد بود. نظر ما این است که هر چه زودتر باید به جنگ خاتمه داد. محور و استراتژی ما، آزادی، صلح و امنیت می‌باشد. اما برای ملیت‌ها برنامه‌ی ما به رسمیت شناختن تمام حقوق آنهاست... بقیه در صفحه‌ی ۱۷

“کمیته همبستگی با خلق ایران” با شرکت برجسته ترین شخصیت های سیاسی و مترقی یونانی در آتن آغاز بکار کرد

“کمیته همبستگی با خلق ایران” در اولین بیانیه سیاسی که صادر کرد، حمایت خود را از شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای دمکراتیک و مترقی که در نبرد بارزیم خمینی شرکت می کنند، اعلام داشت

“کمیته همبستگی با خلق ایران” در اولین بیانیه سیاسی که صادر کرد حمایت خود را از شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق ایران و کلیه نیروهای دمکراتیک و مترقی ای که در نبرد بارزیم خمینی شرکت می کنند اعلام داشت. در پائیز گذشته پس از ورود نمایندگان شورای ملی مقاومت به آتن جنب و جوش تازه ای در داخل احزاب و محافل سیاسی یونان در رابطه با ایران و شورای ملی مقاومت - به عنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک در برابر رژیم خمینی - بوجود آمد. مردم یونان و افکار عمومی این کشور علاقه و حساسیت ویژه ای نسبت به ایران از خود نشان دادند. مردم یونان که خود دوران های دیکتاتوری را از سر گذرانده اند بطور محسوس انزجار و نفرت خود را نسبت به رژیم خمینی ابراز می دارند. آنها با سازمان مجاهدین خلق ایران آشنائی بسیاری دارند و از آن حمایت می کنند. آنها همچنین علائق خود را نسبت به دیگر نیروهائی که در دوران شاه و رژیم خمینی در مبارزه ی رهایی بخش ایران سهیم بوده اند، ابراز می کنند. تشکیل کمیته همبستگی با خلق ایران که در اثر تلاش نمایندگان شورای ملی مقاومت و حمایت شخصیت ها و احزاب مترقی

یونان موجودیت تازه ای یافته فرصت خوبی است برای معرفی هر چه بیشتر شورای ملی مقاومت به عنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک برای ایران خمینی زده و نیز برای آشنائی مردم یونان با شورا و نیروهای متشکله ای آن. تاکنون گروهی از نیروها و شخصیت های یونانی، منجمله کادر رهبری و مسئولین و اعضاء برجسته احزاب، سیاستمداران مترقی نمایندگان پارلمان، قهرمانان ملی، اساتید دانشگاه، حقوقدانان، روزنامه نگاران، هنرمندان و نویسندگان یونانی به عضویت این کمیته درآمده اند. کمیته همبستگی با خلق ایران با توافق نمایندگان شورای ملی مقاومت تصمیم گرفتند بمناسبت چهارمین سالگرد قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اولین میتینگ خود را در آتن برگزار نمایند. در این گردهم آئی، ایرانیان مقیم یونان و نیز گروههائی از مردم یونان شرکت خواهند کرد. این مراسم قرار است در روز ۱۹ اسفندماه جاری در آتن برگزار گردد. بیانیه “کمیته همبستگی با خلق ایران” و اسامی عده ای از اعضاء کمیته که تاکنون بدست ما رسیده است بدین قرار می باشد:

مصاحبه

برادر مجاهد مسعود رجوی
باروزنامه یونانی “تاننا”

مسعود رجوی برای “تاننا” صحبت می کند

پیام مسعود رجوی

به مردم یونان

مردم عزیز یونان! به عنوان مسئول مقاومت ایران و “سازمان مجاهدین خلق ایران” درودهای گرم و صمیمانه ای مردم تحت ستم ایران را تقدیمتان می کنم. شما دیکتاتوری و اختناق را دیده و طعم آن را چشیده اید. پس دلایل مخالفت ما را (برعلیه رژیم خمینی) می فهمید. رنج و درد هزاران مادری را که بچه های خود را از دست داده اند، درک می کنید و رنج و درد هزاران خانواده ای که فرزندان شان در زندان بسر می برند، یا آنهایی که در جنگ، جان خودشان را از دست داده اند، جنگی که فقط خمینی خواستار ادامه ی آن است. ما در حال گذراندن یکی از

سیاهترین دوران تاریخمان هستیم.

از زمان های قدیم ما با هم روابط تاریخی داشته ایم. از شما درخواست می کنم که ما را فراموش نکنید و حمایت خودتان را از ما دریغ نکنید. چیزی که ما هرگز آن را فراموش نخواهیم کرد. شما نیز برای آزادی و دمکراسی که در کشورتان دارید بهای آنرا پرداخته اید. امروز، در ایران هزاران مجاهد هر روزه در هزاران خیابان (و زندان) با خون خود کلمه ی “Z” (سمبل مقاومت) و پیروزی را می نویسند. مطمئناً شما معنی این کلمه را خوب درک می کنید.

پاورقی:

* “Z” مخفف واژه ی “ZHTO” است که ترجمه ی آن به فارسی “پیروزی” می باشد ■

متن بیانیه کمیته یونانی همبستگی با خلق ایران

چهار سال پیش، نیروهای دمکراتیک و مترقی کشور ما و سایر کشورهای جهان، سرنوشتی شادمانه گرامی داشتند. این انقلاب برای ما امید برقراری یک حکومت آزاد، مستقل و دموکراتیک را در ایران بوجود آورد که می توانست به نیروهای خلق متکی بوده و آزادی و ترقی آنها را تضمین نماید. لیکن مسیری را که این حکومت دنبال نمود تحقق آرزوهای فوق را برای ایرانیان دربر نداشت. اکنون بیش از دو سال است که سرکوب، خودکامگی، تاریک اندیشی، انحصارطلبی و فقدان هرگونه آزادی و دموکراسی بر این کشور گسترده شده است. حکومت وحشت به

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست داخلی یونان

به شورای ملی مقاومت ایران

به گرمی پذیرفته و علاقمند به پیگیری آن می باشد. با اینحال، از دومین سال انقلاب مشخص گردید که رژیم مستقر در ایران شروع به سرکوب سیستماتیک تمام نیروهای سیاسی، بخصوص چپ، که با ستمگریها و روشهای رژیم موافق نبودند، کرده است. امروز، شرایط به مراتب غم انگیزتر می باشد. اعدام های دسته جمعی، زندانها شکنجه، آزار و سرکوب همه ی نیروها و سازمان های مترقی، چپ و حتی دموکرات های مسلمان، توسط رژیم خمینی نشانگر بر باد رفتن همه ی آن امیدهایی بود که انقلاب ۱۹۷۹ را بوجود آورد.

مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت - پاریس کمیته مرکزی حزب کمونیست داخلی یونان چهارمین سالگرد انقلاب خلق ایران بر علیه استبداد شاه و امپریالیسم امریکا را به مردم ایران تبریک گفته و آرزوی دوام و تکامل انقلاب را دارد. پیروزی انقلاب ایران نقطه ی تعیین کننده ای در روند گسترش انقلاب در این منطقه بود و نقطه عطف تاریخی در مبارزه خلق ها برای آزادی آنها از استبداد، دیکتاتوری و اختناق و رهایی از زنجیر امپریالیسم می باشد. کمونیست های یونان به همراه دیگر دموکراتها، این انقلاب را

حزب کمونیست داخلی یونان بدون تردید، اعدامها، زندان، و همه ی انواع شکنجه و آزار اعمال شده بر علیه نیروهای، که در واژگونی رژیم استبدادی شاه شرکت داشتند، (خصوصاً مجاهدین خلق و نیروهای کمونیست، و چریک های فدائی خلق) را محکوم نموده و خواهان اعاده حقوق دمکراتیک و آزادی های اساسی خلق ایران است، حقوقی که بخاطر آن خیلی از مبارزان شهادت رسیده اند. حزب ما همبستگی خود را با احزاب و سازمان های عضو “شورای ملی مقاومت ایران” و همه ی نیروهائی که برای بقای آزادی و دموکراسی در ایران می جنگند اعلام می دارد. کمیته مرکزی حزب کمونیست داخلی یونان

۳۱ ژانویه ۱۹۸۳

کمیته همبستگی با خلق ایران" با شرکت برجسته ترین شخصیت های سیاسی و مترقی یونانی در آتن آغاز بکار کرد

بقیه متن بیانیه کمیته یونانی همبستگی با خلق ایران

بصورت همبستگی با نیروهای مقاومت خلقی ایران می داریم. نیروهائی که امروزه در ایران برای استقلال، آزادی و دموکراسی نبرد می نمایند. ما حمایت خود را بخصوص از "شورای ملی مقاومت" و کلیه نیروهای دمکراتیک و مترقی که در این نبرد کمر به سرنگونی رژیم استبدادی ایران بسته اند و مخصوصا از سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام می نمائیم. در این رابطه ما امضاءکنندگان زیر که بنیانگذاران "کمیته همبستگی با خلق ایران" هستیم بر این اندیشه ایم که همبستگی و حمایتمان از نبرد خلق ایران که بخشی از مبارزات تمام خلقها علیه خودکامی و نازیسم است و امپریالیسم است بیانگر اراده ی خدشه ناپذیر ما در حمایت از هر ملت و خلقی است که برای آزادی و دموکراسی مبارزه می نمایند. " کمیته همبستگی با خلق ایران" از هر امکانی برای تحقق اهداف خود، اعم از اقدام سیاسی، تظاهرات، اجتماعات، حمایت های سیاسی و اقتصادی، جراید و سایر مندرجات که بتوانند به افشای شرایط ایران کمک کنند و نیز هر طریق دیگری که خلق ایران را در این مبارزه یاری دهد بهره برداری خواهد کرد.

- یونان
- ۷- آقای جرج کریباس دبیر (مسئول) روابط بین الملل حزب سوسیال دمکرات
 - ۸- آقای آ. پاناکورگودیلوس عضو حزب سوسیال دمکرات
 - ۹- آقای تی. آنتولیس عضو حزب سوسیال دمکرات
 - ۱۰- آقای مانولیس گلزوس عضو کمیته مرکزی و دبیر کل حزب اتحاد دمکراتیک چپ، قهرمان ملی یونان و عضو پارلمان یونان
 - ۱۱- آقای پایانوتیس کاترینی عضو کمیته مرکزی حزب اتحاد دمکراتیک چپ
 - ۱۲- خانم ماریا کارا عضو کمیته مرکزی حزب اتحاد دمکراتیک چپ
 - ۱۳- آقای آستریس استاگوس روزنامه نگار معتبر و شخصیت برجسته ی سیاسی مستقل
 - ۱۴- آقای یانیس باهاراس اقتصاددان و شخصیت معتبر چپ مستقل
 - ۱۵- استلیوس بایاس، جامعه شناس، حقوقدان و شخصیت مستقل چپ
 - ۱۶- آقای تیتوس پاتریکیوس شاعر و شخصیت سیاسی مستقل چپ یونان
 - ۱۷- آقای استلیوس پاپاس بیکیپولوس اقتصاددان

- ۱۸- آقای خریستوس پاپو- جاکیس مدیر مسئول مجله ی آنتی
- ۱۹- آقای استلیوس کولوگلو مسئول بخش خارجی مجله آنتی
- ۲۰- آقای خریستوس کارانیکاس روزنامه نگار
- ۲۱- آقای جرج یاتروما- نولاکیس
- ۲۲- آقای اسپروس نفودو- رولپوس روزنامه نگار نشریه ی تاکیدروموس
- ۲۳- خانم الگا مارکزینی استاد دانشگاه در رشته های اقتصاد، سیاست
- ۲۴- خانم کیرا آدام مسئول بخش خارجی روزنامه الفتروتیپا
- ۲۵- آقای آریستیدیس مانولاکوس روزنامه نگار
- ۲۶- دکتر دیمیتریوس پاپولیس استاد ریاضی
- ۲۷- دکتر ماکیس پاپولیس
- ۲۸- دکتر پلوریتیس
- ۲۹- دکتر پالوس گازاکوس روزنامه نگار
- ۳۰- خانم مارگریتا ترینشا وکیل
- ۳۱- آقای اس. هاینالیس
- ۳۲- دکتر دیونیزوس یاروس پزشک روانگاو
- ۳۳- آقای خریستوس ازاکیس پروفیسور اقتصاد
- ۳۴- آقای لئونیداس آناگنوستو بزشک.

اعلام حمایت حزب سوسیالیزم دموکراتیک یونان از شورای ملی مقاومت

مجاهد مسعود رجوی شورای ملی مقاومت برای استقلال و آزادی جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران آقای عزیز، مردم یونان در زمان سرنگونی رژیم شاه در خوشحالی مردم ایران شرکت کردند. ما در آن موقع معتقد بودیم که آزادی بدست آمده در مبارزه بر علیه استبداد بزودی به استقرار یک فرم حکومتی دمکراتیک بعنوان پایه ی جامعه ای مترقی و آزاد منتهی خواهد شد. از آن موقع تاکنون ما شاهد استقرار مجدد دیکتاتوری در شکل یک فرقه ی متعصبیم که مردم خود را تحقیر کرده و حاضر است تمامی زندگان ایران را قربانی نماید

ما که رژیم زشت شاه را محکوم کردیم اکنون نیز رژیم رسوای جانشین او را محکوم می نمائیم ما سوسیال دموکرات های یونان که در زمانی نه چندان دور درگیر مبارزه و مقاومت بر علیه دیکتاتوری حاکم بر کشورمان بودیم دقیقا درک می کنیم که شما بر علیه چه چیزی مبارزه می کنید. ما حمایت خود را از همه ی آنها که در راه استقرار حکومتی دمکراتیک برای مردم ایران فعالیت می کنند بویژه شورای ملی مقاومت که هدف آن رهبری مردم ایران در مبارزه برای یک حکومت آزاد و دمکراتیک می باشد، اعلام می داریم.

ارادتمند شما جورج کریمپس دبیر بین المللی

MEΣHMBPINH
روزنامه پرتیراژ "مسیمورینی" چاپ یونان
در شماره های اخیر خود نوشت:
مجاهدین و کودیسو

نمایندگان مجاهدین حلی ایران با رهبر حزب کودیسو (حزب سوسیال دمکرات یونان) و مشاور اول این حزب آقای "پروتو پاپاس" دیدار و پیرامون اوضاع ایران گفتگو کردند. در این دیدار رهبر حزب کودیسو و مساور اول اس حرب اظهار داشتند که ما همیشه از کسانی که برای کسب آزادی های سیاسی، مذهبی و نژادی مبارزه می کنند، حمایت می کنیم و رژیم هائی را که با سلب آزادی ها، حقوق اجتماعی مردم را محترم نمی شناسند، محکوم می کنیم.

"رفع شبهه" از مطبوعات خارجی توسط خمینی جلاد

تشدید سرکوب و اختناق حتی یک روزهم قابل دوام نیست در آستانه ی تجاوز جدیدش به خاک عراق، گیلانی و لاجوردی، جلادان خونخوارش در بیدادگاه ضدانقلابی را بحضور پذیرفت و ضمن تأیید و تقویت مجدد بیش از پیش این مجریان درجه اول اوامر اعدام و شکنجه و اختناق، از برخی مطبوعات خارجی که احيانا مطالبی نوشته بودند و صرفا اطرافیان خمینی را در جنایات او مقصر جلوه داده بودند با صراحت و قاطعیت تمام رفع شبهه نمود. خمینی جنایتکار در این رابطه چنین گفت: "در مطبوعات خارجی یک وقتی نوشته بودند که اطرافیانم مرا اداره می کنند اطرافیانم را من تا بحال شناختم که من را اداره می کنند، یا فلان آدم رویش

تأثیر می گذارد، آنهایی که من را شناخته اند می دانند که کاری که بخواهم انجام بدهم تحت تأثیر هیچ چیزی قرار نمی گیرم، اگر بنا بود تحت تأثیر واقع شوم نیاستی در این کار وارد شوم..."

که در واقع با این اظهارات دست جلادانش را باز گذاشت تا هرگونه مخالفت و اعتراضی را خصوصا در رابطه با جنگ تجاوزکارانه ی خمینی که تمامی خلق ایران را بشدت منزجر و خشمگین نموده سرکوب کنند، و باین ترتیب یکبار دیگر روشن شد که جنگ خارجی و سرکوب داخلی دو روی یکسکه اند و رژیم خمینی برای ادامه ی جنگ، علیرغم هرگونه عوامفریبی و خیمه شب بازی تنها و تنها چاره را در تشدید خفقان و اختناق داخلی می یابد.

همانطور که می دانید چندی پیش خمینی جلاد در یک پیام ۸ ماده ای ضمن اعتراف به پاره های جنایات که (البته تماما بدستور خود او توسط سرسپرده ترین مهره ها و مزدوران و نهادهای ضد انقلابی اش) بر علیه خلق ستمیده ی ایران و میهن در زنجیرمان صورت گرفته، عوام- فریبانه و در ظاهر به برخی از زیاده روی های مزدوران اش ایراداتی گرفت، که همان موقع در مقالات "مجاهد" و منجمله در مقاله ی (اعترافات آشکار خمینی همراه با غمزه های شتری) مورد بررسی قرار گرفت. خمینی با این خیمه شب بازی های عوام- فریبانه سعی می کرد که خودش را بی خیر از اینگونه جریانات وانمود کند. ضمنا برای تکمیل این نمایش مضحک، یک ستاد به اصطلاح پیگیری فرمان امام! هم تشکیل شد که در نهایت کاری

رفع شبهه از مطبوعات خارجی توسط خمینی جلاد

- شخصیت هائی که تاکنون به عضویت کمیته درآمده اند
- ۱- آقای لئونیداس گیرکوس عضو هیئت مدیره (هیئت دبیران ۳ نفره) حزب کمونیست داخلی یونان و نماینده پارلمان اروپا
 - ۲- آقای انگلوس دیاماندو- بولوس. عضو هیئت اجرائی (کمیته مرکزی) و مسئول بخش روابط بین المللی حزب کمونیست داخلی
 - ۳- آقای تاسوس تریکاس، مسئول بخش روابط بین المللی حزب کمونیست داخلی
 - ۴- آقای نیکولاس وللیس مسئول بخش خاورمیانه حزب کمونیست داخلی
 - ۵- آقای او انگلوس رولوگیس مسئول هماهنگی بخش روابط بین المللی و مسئول سازمان جوانان حزب کمونیست داخلی
 - ۶- آقای ایکس. پروتوپاپاس دبیر کل حزب سوسیال دموکرات

مراسم بزرگداشت سالروز عاشورای مجاهدین در کردستان

★ گزیده‌ای از گزارشات مربوط به مراسم بزرگداشت عاشورای مجاهدین

در سرتاسر کردستان در یکمین سالروز شهادت سردار خلق

مجاهد کبیر موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی

★ متن پیام شیخ عزالدین حسینی بمناسبت سالروز ۱۹ بهمن

باشکوه خاصی پایان یافت.

مراسم ۳

محل برگزاری مراسم با پوسترها و پلاکاردهای متعدد و تابلوهای نقاشی شده‌ای از عکس برخی شهدای مجاهد خلق مزین شده بود. در این مراسم علاوه بر اهالی روستا نماینده‌ی حزب دمکرات و نمایندگان از چریک‌های فدائی خلق ایران شرکت داشتند و طی پیام‌های خود از سردار خلق و مبارزات سازمان مجاهدین خلق ایران تجلیل بعمل آوردند. بخش اعظم این برنامه بزبان کردی برگزار شد.

مراسم ۴

با وجودی که روستای محل برگزاری مراسم در خط مقدم جبهه واقع شده بود و در معرض

برنامه و روستاهای اطراف، آقای شیخ عزالدین حسینی نیز شخصا شرکت کرده بود. از دیگر شرکت کنندگان در این مراسم، یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران بود. تعدادی از پیشمرگان کومله نیز در این مراسم حضور داشتند. چند تن پیشمرگه‌ی مجاهد نظم و حفاظت مراسم را بعهده داشتند. در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید، پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مناسبت ۱۹ بهمن بخش شد. سپس یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان به سخنرانی پرداخت. آنگاه پیام آقای شیخ عزالدین حسینی توسط نماینده ایشان قرائت شد (متن این پیام در پایان همین گزارش می‌آید) در فاصله‌ی بین سخنرانی‌ها و قرائت پیامها، سرودهای مجاهدین پخش گردید و شرکت کنندگان نیز به دادن شعارهای انقلابی پرداختند.

عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در سخنرانی خود پس از تجلیل از سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی و همزمانش، به جنایات خمینی اشاره نمود و گفت: "خمینی بدون هیچگونه احساس سرافکنندگی، تمام جنایات شاه را تجدید نمود. شاه خجالت می‌کشید که شکرالله پاک‌نژاد را بقتل برساند. اما خمینی او را شهید کرد و سعید سلطانیور شاعر بلندپایه مردم، محمدرضا سعادت و ده‌ها هزار انسان رزمنده و انقلابی بدست جلادان خمینی به شهادت رسیدند." عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان، در ادامه‌ی سخنان خود بر نقش شورای ملی مقاومت بعنوان یگانه آلترناتیو دمکراتیک در سرنگونی رژیم خمینی تاکید کرد و از همه نیروهای مترقی و آزادیخواه دعوت کرد که به آن بپیوندند. پس از این سخنرانی سرود "ای رقیب" پخش شد و سپس یکی از برادران مجاهد در باره‌ی عاشورای مجاهدین به سخنرانی پرداخت و مراسم بزرگداشت عاشورای مجاهدین در این روستا

پیشمرگه‌های مجاهد خلق در همه‌ی مناطق محل استقرار خود در کردستان با برگزاری اجتماعات پرشوری سالگرد عاشورای مجاهدین را گرامی داشتند.

این اجتماعات که با استقبال وسیع روستائیان ستیزه‌ی کرد، پیشمرگه‌های دلبر و نیروهای سیاسی کردستان روبرو شد نمونه‌ای بود از تقدیر و سپاس‌نمایی خلق نسبت به پرچمدار کبیر آزادی و همه‌ی ارزش‌های والا و ممتازی که سردار و همه‌ی شهدای مجاهد خلق با نثار بی دریغ جان و هستی و خانمانشان در انقلاب ما به میراث گذاشتند.

آنچه ذیلاً ملاحظه می‌کنید، مختصری است از گزارشات مربوط به تعدادی از مراسم و اجتماعاتی که در روستاهای کردستان در سالروز عاشورای مجاهدین برگزار شده است. در این گزارش به دلیل مسائل امنیتی از درج اسامی روستاهای مذکور خودداری می‌شود.

مراسم ۱

مراسم در مسجد روستا که با پلاکاردها و پوستره‌های سردار خلق و سمبل زن انقلابی مجاهد، شهید اشرف ربیعی و برادر مجاهد مسعود رجوی نژدین شده بود برگزار گردید.

استقبال از این مراسم چه در میان اهالی روستا و چه در میان روستاهای اطراف بسیار زیاد بود. بطوری که کلیه‌ی اهالی بطور یکپارچه در آن شرکت کرده بودند.

دانش آموزان مدرسه‌ی روستا نیز همگی به اتفاق معلم خود به مسجد آمده بودند و شور خاصی به مراسم بخشیدند. بخصوص هنگامی که بطور دستجمعی دو سرود زنده بزبان کردی را که توسط خانم معلم مبارزانش هدایت می‌شد اجرا کردند و تحسین همه‌ی شرکت کنندگان را برانگیختند. دانش آموزان مبارز کرد علاوه بر اجرای سرودها پیامی را نیز قرائت کردند که در آن از سردار خلق تجلیل بعمل آمده بود.

در ادامه‌ی برنامه، علاوه بر قرائت قسمتی از نامه‌ها و پیام‌های سردار و پخش پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مناسبت سالگرد عاشورای مجاهدین "ماموستای" روستا نیز به سخنرانی پرداخت و مقاومت درخشان سازمان مجاهدین خلق و نقش رهبری کننده‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی را مورد ستایش قرار داد.

در این برنامه همچنین پیام

حزب دمکرات کردستان منطقه‌ی مذکور بمناسبت شهادت سردار قرائت شد. این مراسم، حوالی ظهر خاتمه یافت اما مردم روستا که بشدت از آن استقبال کرده بودند، برای اهالی روستاهای مجاور که برای شرکت در این مراسم آمده بودند و همچنین برای پیشمرگان مجاهد و سخنرانان و مجریان برنامه غذا تهیه نموده و همگی با هم نهار می‌خوردند. لازم به توضیح است که در بعد از ظهر نیز مراسم ادامه پیدا می‌کند و بنا به خواست مردم، پیشمرگان مجاهد به سخنرانی می‌پردازند که با استقبال زیاد مواجه می‌شود و اهالی سایر روستاها هم از پیشمرگان دعوت می‌کنند که برای سخنرانی به روستاهای آنها نیز بروند.

مراسم ۲

در روستای محل برگزاری این مراسم تمام اهالی شرکت کرده بودند. مسئول سیاسی حزب دمکرات در منطقه‌ی مذکور باتفاق عده‌ای از پیشمرگان و همچنین دانش‌آموزان روستا نیز در این مراسم شرکت داشتند. در این مراسم گذشته از برنامه‌ی ویژه‌ای که پیشمرگان مجاهد اجرا کردند مسئول حزبی نیز پیرامون نقش موسی و تاثیر شهادت او به سخنرانی پرداخت و سپس معلم روستا قطعه‌شعری را که خود برای سردار سروده بود دکلمه کرد. در این مراسم علاوه بر اهالی روستای محل برگزاری

پیام شیخ عزالدین حسینی

زنده است و توده‌های مردم روز به روز از این رژیم ضد خلقی فاصله می‌گیرند. تعداد روز - افزون اعدام‌ها و زندانیانی که بیشترشان را مجاهدین خلق تشکیل می‌دهند از طرفی نشانگر در جریان بودن مبارزه و از طرفی دیگر باعث افشا شدن ماهیت واقعی این رژیم سفاک در داخل و خارج از کشور است. در جریان سال گذشته و همزمان با این اعمال و نیز همزمان با بحران‌های سیاسی-اقتصادی - اجتماعی شدیدی که رژیم با آنها دست به گریبان بوده و هست نیروهای سرکوبگر با اصطلاح جمهوری اسلامی حمله وسیعی را علیه مناطق آزاد شده‌ی کردستان تدارک دیده‌اند اما علیرغم اینکه توانستند با تحمل تلفات سنگین نقاطی را اشغال نمایند عملاً در این مدت یعنی از شهریور ماه باین طرف پیشمرگان قهرمان کردستان بیشترین دستاوردهای نظامی را کسب کرده‌اند اکنون مبارزات در کردستان با زهم اوج تازه‌ای گرفته است. ظرف چند هفته‌ی اخیر دشمن پی‌درپی ضربات سختی خورده و چندین پایگاه و بخصوص پایگاه مهمی را در منطقه‌ی مهاباد بکلی از دست داده ستون‌های نظامی دشمن مرتباً در جاده‌ها در معرض حملات شدید پیشمرگان بوده‌اند بقیه در صفحه‌ی ۲۱

متن پیام آقای شیخ عزالدین حسینی که در یکی از مراسم بزرگداشت سالروز شهادت سردار کبیر خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی در کردستان قرائت گردید بشرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبئنا
خواهران و برادران مجاهد، نخستین سالروز شهادت فرزندان راستین خلق مجاهد موسی خیابانی و مجاهد اشرف ربیعی و دیگر خواهران و برادران مجاهدی که در درگیری بانیهروهای سرکوبگر رژیم در روز ۱۹ بهمن ۱۳۶۰ جان خود را از دست دادند گرامی می‌داریم شهادت این مجاهدین و بویژه موسی خیابانی که سمبل قهرمانی و مقاومت بود، ضایع‌های بس اسفناک برای مجاهدین بویژه و همچنین برای کل جنبش سرتاسری ایران بود. سال گذشته رژیم ضربه‌هایی به کل جنبش انقلابی ایران وارد آورد زهی خیال باطل بود، و شادمانی کرد که گویا جنبش دچار شکست شده است به همین دلیل در این باره در بلندگوهای تبلیغاتی‌اش سروصدای زیادی براه انداخت اما حوادث و جریانات یکسال گذشته نشان داد که انقلاب هنوز

دربارهٔ اختلاف شورای نگهبان و مجلس ضد خلقی رژیم و سخنان خمینی در این رابطه

بقیه از صفحه ۱۲

خود و منافعان قبول ندارند، چگونه با هم بر سر سفره میراث خمینی خواهند نشست. بی‌جهت نیست همانند هی افشار وابسته به رژیم، که هر روز بر سر سینه می‌زنند و از ته دل می‌گویند: "خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی رانگه‌دار" در واقع این سرنوشت رقت بار رژیم عمیقاً "پوسیده‌ای" است. که در طول حاکمیت ننگینش جز خیانت و جنایت، چیزی در حق مردم روا نداشته و اکنون در سراسیمه سقوط در دام‌هایی که خود بر سر راه مردم پهن کرده افتاده و مذبحخانه دست‌وپا می‌زند. البته از این رقت‌بارتر گیر افتادن نهائی این رژیم در دستان توانمند خلق است که روزی نه چندان دور با قیام خود حساب همه‌ی خائنین به خلق را خواهد رسید ■

گذشته از این قبیل فرامین که غالباً برای "جا" انداختن و تبلیغ روی منتظری بعنوان ولیعهد خمینی، صادر می‌شود، ولایت سفیانی و عنان گسیخته‌ی خمینی، در چند جهت کار می‌کند و ارگان‌ها و ایادی سرسپرده‌ی خود را چگونه بهم می‌پیچد و زمانی هم که شاخ به شاخ شدند همه را جمع می‌کند جماران و می‌گوید: کوتاه بیایید حکومت در خطر است!!! قابل توجه است که وجود این قبیل کشمکش‌ها در شرایطی است که هنوز خمینی زنده است و سعی می‌کند هر طور شده مهار ارگان-هایش را در دست گرفته و بردهان هر کدام از ایادی "چموش" خود لگام بزند. اکنون تصور کنید روزی را که خمینی زودتر از رژیمش بمیرد. در آن صورت این "آیات عظام" و جناح‌های مختلف رژیم، که هیچ‌کس را جز

طول پروسه‌ی دو ساله‌ی این-تصادها مطرح نمود که ملاقات و حرف‌های اخیر امام رفع کننده‌ی مشکلی بود که ما در گذشته داشتیم!!! متقابلاً "فقهای" قرون وسطایی شورای نگهبان، چه عکس‌العملی نشان خواهند داد، چه وقت به حضور "امام امت"!! خواهند رسید تا در محضر او عمامه‌ها را بر زمین زده و از حزب شکایت کنند. البته اینکه خود این طرح جدید هم که به کمیسیون ارجاع شده، در صورت تصویب در مجلس باید برای شورای نگهبان فرستاده شود یا نه، معلوم نیست، و همینطور الباقی مصوبات مرجوعی از سوی شورای نگهبان که باید دوباره در مجلس بررسی شود و باز به شورای نگهبان فرستاده شود (که صدالبته فقها هم در آنجا آستین‌ها را بالا زده و به انتظار رسیدن لوايح فوق و رد کردن مجدد آن نشسته‌اند) و ... بحث جداگانه‌ای دارد که باید دید در آینده، سرانگشتان معجزه‌گر! "ولایت سفیانی خمینی" با آن چه می‌کند!!

نقش منتظری

در پایان بحث بی‌مناسبت ندیدیم که برای شناخت بیشتر از عملکرد ملغمه‌ی درهم برهم رژیم ارتجاعی خمینی، که عامل تمام مشکلات و کشمکش میان حل‌ناشدنی و کشمکش میان ایادیش شده، به منتظری نایب ابله خمینی نیز اشاره کنیم، که درگیرودار کشمکش مجلس و شورای نگهبان، بر سر لایحه‌ی اراضی موات، معلق زده و به وسط صحنه آمد و طی حکمی در تاریخ ۶۱/۶/۸ به آخوند فاضل هرنودی ماموریت داد تا افرادی از "فضلاي متعهد و آگاه"!! را جهت نظارت بر کار هیئت‌های مربوطه تعیین کند. تا زمین‌های بلاتکلیف به زیر کشت برود. (اطلاعات ۶۱/۶/۱۰)

جالب اینجاست که درین پیام منتظری قید می‌کند که این امر را "امام خمینی" به او محول کرده‌است. توجه دارید

از فاصله‌ی زمانی کمتری هم بر خوردار شده است). رفسنجانی در جلسه ۵ بهمن مجلس، بی‌توجه به عناب و خطاب‌های روز قبل خمینی، مطرح نمود که چگونه خمینی دیروز "مجلس را در راس و مسئول همه‌ی امور معرفی نمودند" ... او سپس از این حمایت دائم و پی‌گیر "امام" تشکر کرد!! و در پایان علی‌رغم اینکه روز قبل خمینی زیرآب "اکثریت در مجلس" را زده بود، اعلام کرد:

"... این حدی که امام معین کردند که دو سوم صاحبان رای مجلس، رایشان در تعیین مرز ضرورت موثر باشد و قاطع برای ما راهنمائی مفید و موثری بود و من از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تشکر می‌کنم که به سرعت به این دعوت امام پاسخ دادند و همین امروز طرحی با ۱۲۰ امضاء تقدیم مجلس کردند که در آئین‌نامه‌ی مجلس اسلامی گنجانده شود که از این به بعد تشخیص ضرورت‌های مقدماتی اعمال ولایت فقیه در امر اجرای احکام ثانوی مشروط باشد به رای دو سوم افراد مجلس که من این رو تقدیم مجلس می‌کنم که انشاءالله به کمیسیون ارجاع بشه ..."

دجالگری شاگردان خمینی را ملاحظه می‌کنید، که هنوز خستگی بازگشت از جماران از تن نمایندگان بیرون نرفته، طرحی با ۱۲۰ امضاء فی‌الغور از سوی نمایندگان حزبی به رئیس مجلس!! تقدیم می‌شود که یعنی اکثریت اگر به "احکام ثانویه" رای داد، قابل اجراست ... توجه دارید. خمینی روز قبل جانب شورای نگهبان را گرفته و مجلس را مورد غضب قرار داد. حضرات هم به سرعت رفته‌اند مرده‌ی "فرمان یک‌سال قبل" خمینی را از قبر بیرون کشیده و به جمله‌ی "اکثریت مجلس" آن، فرم و شکل قانونی داده‌اند. اکنون باید منتظر بود، تا علیرغم سخنان عوام‌فریبانه و دلخوشکنک رفسنجانی در همین روز، که باز برای چندمین بار در

اینطور بشود مردم آزرده می‌شوند. یعنی این شناخت مردم از شما ممکن است خدای نخواستہ تغییر کند و این از بزرگ‌ترین خطرهایست که بر روی مجلس اسلامی است و بر روی اسلام است. خطر بزرگ این است که امروز ما را این خطر احتمال می‌رود که این خطر بر روی ما باشد اینست که یک وقت ملت از حکومت برگردد ...!!"

ملاحظه می‌کنید که خمینی دجال برخلاف دستور صریحش در پیام ۶۰/۷/۱۹ که در همین صفحات هم چاپ شد، به آسانی با سرانگشت "ولایت"!! قید اکثریت مجلس را هم می‌زند، و آب پاکی روی دست رفسنجانی و حزب و نمایندگانش می‌ریزد. همانگونه هم که توجه دارید منظور خمینی از عبارت "خطر بزرگ برای اسلام"، هم چیزی نیست جز "قیام اجتناب‌ناپذیر خلق بر علیه رژیم ضداسلامی و ضدبشری خمینی". او (خمینی) سپس به مجلس رهنمود بسیار آسانی برای حل تضادهای می‌دهد:

"... شما آقایان مسائل را طوری بهش رای بدهید که در شورای نگهبان رد نشود و یا اگر رد می‌شود در هر سالی یک دانه دو تایش رد بشه ...!!" شایدی و فریبکاری مخصوص خمینی را ملاحظه می‌کنید، که چگونه برای شیر مالیدن به سر مجلس و جلوگیری از نوزدن آن، سالی یکی دو دانه هم جیره‌ی مصوبات مرجوعی برایش تعیین می‌کند، و دست آخر هم به آن‌ها هشدار می‌دهد که: "باید حفظ کنیم مردم را، اگر یک وقتی توی خیابان ریختند شعار بر ضد ما دادند، شعار بر ضد کسانی دادند، خوب این چه مصیبتی است؟؟! ..."

اما این اختلافات در حاکمیت ارتجاع مسئله‌ای نیست که با این توپ آمدن‌های خمینی پایان گیرد. بنابراین دیگر "حزب" مسئله را به عقب نمی‌اندازد و همان فردا، آس دیگری را از آستین رفسنجانی رو می‌کند (توجه دارید که موضعگیری ایادی خمینی در مقابل یکدیگر در شرایط کنونی

اطلاعیه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

دربارهٔ شهادت یکی از

هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران

بدست تروریست‌های صادراتی خمینی در مانیل

طبق اطلاعات واصله از مانیل پایتخت فیلیپین، تروریست‌های صادراتی خمینی یکی از هواداران مجاهدین خلق، به نام اسفندیار رحیمی را به ضرب دشنه در شهر مانیل به قتل رسانده‌اند. این جنایت در تاریخ ۱۸ بهمن در منطقه‌ای به نام ماکاتی (MAKATI) به وقوع پیوست.

برادر مجاهد اسفندیار رحیمی دانشجوی رشته‌ی مهندسی راه و ساختمان بوده و قبلاً نیز توسط فالانژها تهدید شده بود. هم‌چنین در تاریخ ۲۱ دی، یکی دیگر از هواداران مجاهدین خلق در منطقه‌ای بنام مانیلازو (MANILAZOO) مورد هجوم تروریست‌های صادراتی خمینی قرار گرفته و مجروح گردیده است.

اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور ۲۴ بهمن ۶۱

مراسم بزرگداشت سالروز عاشورای ...

جمهوری اسلامی ایجاد یک حکومت دمکراتیک در ایران و قبول حق تعیین سرنوشت برای همه‌ی خلق‌های ایران باشد. در این رابطه ما خواهان حق مسلم خودمختاری برای کردستان در چارچوب ایران آزاد و دمکراتیک هستیم و از آن‌جائی که حق با ماست به پیروزی نهائی اطمینان داریم. در خاتمه ضمن تجلیل از شهدای مجاهدین خلق و بویژه مجاهد شهید موسی خیابانی و مجاهد شهید اشرف ربیعی از خداوند سبحان خواستاریم که روح این شهیدان و شهدای راه آزادی را در ملکوت اعلا شاد فرماید.

والذین قتلوا فی سبیل الله فتن یصل اعمالهم.

شیخ عزالدین حسینی

پیام
بقیه از صفحه ۲۰
شیخ عزالدین حسینی

تلفات و خسارات نیروهای دشمن بسیار سنگین بوده و توده‌های مردم در کلیه‌ی صحنه‌های نبرد و با تمام امکاناتی که در اختیار داشته‌اند با پیشمرگان همکاری نموده و این خود عامل مهمی در پیروزی پیشمرگان بوده است. در چنین شرایطی تقویت انقلابیون در کردستان و همکاری و هماهنگی همه‌ی نیروهای انقلاب ایران امری ضروری بوده و نباید اجازه داد که این رژیم ضد مردمی بیش از این به جنایات خود ادامه دهد، اصولی که می‌تواند گرد آورنده‌ی همه‌ی نیروها باشد باید مبارزه در راه سرنگونی رژیم باصلاح

یکی از دروغهای بزرگ و احمقانه خمینی دجال

نفرستادیم در جبههها، ما ارتشمن و قوایمان در کنار هستند الان...
بر اساس گفتههای خمینی جلال، اگر تنها ۴۰۰۰ نفر به جبههها اعزام شده بودند، دیگر این همه تبلیغات و هیاهو راه انداختن برای عملیات باصلاح "الفجر" و ادعاهای کذائی چه مفهومی می تواند داشته باشد؟
برای پی بردن به ابعاد این دروغ بزرگ و شیادی احمقانه خمینی دجال، کافی است که حتی فقط به کلیشه مخشی از اخبار اعزام (اجباری) نیرو به جبههها که در آذرماه و دی ماه امسال بمنظور تدارک همین حملهی اخیر صورت گرفته و در روزنامههای رژیم نیز منعکس گردیده است توجه نمائید:

همچنانکه در اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی در رابطه با تلفات اخیر ایران در جنگ آمده است، تنها تا روز دوم حملهی اخیر به خاک عراق، دست کم ۵۰۰۰ نفر کشته شده اند. خبرگزاریها و مطبوعات خارجی و کارشناسان نظامی نیز برای تلفات ایران منجمله در روزهای بعد، ارقام بالاتری را ذکر کرده اند. در این حال، خمینی دجال در سخنرانی ۵ شنبه ۲۱ بهمن بمنظور تکذیب حقایق و سربوش گذاشتن بر تعداد واقعی کشته شدگان و مجروحین ایران در این حملهی تجاوزکارانه، با حماقت تمام گفت:
... حتی در این نبرد آخر گاهی می گویند ۷۰۰۰، گاهی می گویند ۱۵۰۰۰ از ایرانیان را یعنی از این سپاهیان را کشتیم و ازین بردیم، بیش از ۴۰۰۰ ما

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

جمهوری اسلامی
شماره ۱۳۶۱
شماره ۱۴۰۳ - ۱۰۴۲ سال چهارم

صفحه ۴
شماره ۱۴ دی ۱۳۶۱

اعزام گروهی از جوانان سرگستان اسلام به جبههها

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

اعزام به جبههها جهت فتح کر بلائی مسلمی

گزارشی از مراسم بزرگداشت سالروز "عاشورای مجاهدین" در کشورهای مختلف و بازتاب گسترده آن در مطبوعات جهان

بقیه از صفحه ۱۰

۳- در شهر لوس آنجلس، کانال‌های ۱۱ و ۱۳ و ۴ و ۷ تلویزیون این شهر که دو مورد آخر شبکه سراسری در کل آمریکا نیز می‌باشند نیز به پخش اخبار و فیلم‌های مربوط به تظاهرات پرداختند.

۴- روزنامه‌های "لوس آنجلس تایمز" و "ایونینگ آن لوک" نیز مطالبی همراه با عکس در مورد این مراسم درج کرده بودند.

ایتالیا

صبح روز سه شنبه ۱۹ بهمن بمناسبت بزرگداشت اولین سالگرد شهادت سردار کبیر خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید "اشرف ربیعی" و سایر همزمانان، تظاهرات گسترده‌ای از طرف انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا برگزار گردید.

علیرغم بارندگی شدید در ساعات اولیه تظاهرات هواداران سازمان مجاهدین و شمار زیادی از ایرانیان مقیم ایتالیا (که تعدادشان به بیش از هزار نفر می‌رسید) برای ادای احترام نسبت به سردار کبیر خلق مجاهد شهید "موسی خیابانی" و سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" و سایر شهدای عاشورای مجاهدین و نیز محکومیت رژیم خمینی در تظاهرات شرکت کردند. در پیشاپیش صفوف عظیم تظاهرکنندگان تصاویر بزرگی از سردار کبیر خلق مجاهد شهید موسی خیابانی و مجاهد قهرمان "اشرف ربیعی" و همچنین تصویر برادر مجاهد مسعود رجوی به همراهی پرچم سرنگ ایران حمل می‌شد.

در صفوف تظاهرکنندگان همچنین شعارها و پلاکاردهایی به زبان فارسی و ایتالیایی که بازگوکننده‌ی عظمت ۱۹ بهمن و شهادت قهرمان آن، بویژه سردار کبیر خلق و سمبل زن انقلابی مجاهد بود حمل می‌شد که متن تعدادی از این شعارها و پلاکاردها چنین است:

"از خون پاک موسی، موج زند این پیام - مرگ بر خمینی، زنده باد انقلاب"

ترجمه‌ی شعارهای ایتالیایی: "موسی و اشرف در کنار ما مبارزه می‌کنند، ایده‌ی آنها هرگز نخواهد مرد." - "شهادت موسی خیابانی گواهی داد که

خمینی جلاد محکوم به فناست" "خون اشرف و موسی راهگشای صلح و آزادی در ایران" - "رود خروشان خون شهدا ضامن پیروزی محتوم خلق ماست" و... در طی راهپیمایی سرودهای "ایران زمین" و "میلیشیا" توسط کلیه شرکت‌کنندگان در تظاهرات با صدای بلند خوانده شد که شکوه خاصی به مراسم بخشیده بود. همچنین بخش‌هایی از صدای سردار و نیز قسمت‌هایی از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران به مناسبت شهادت سردار شهید خلق از طریق بلندگو پخش گردید. در طول تظاهرات، آکسیون‌های نمایشی مختلفی از سوی خواهران و برادران هوادار سازمان اجرا شد در این آکسیون‌ها دستگیری و شکنجه زندانیان سیاسی، اعدام زنان باردار و مجروحین... به نمایش گذاشته شد که تاثیر عمیقی روی مردمی که در پیاده‌روها برای نماشای تظاهرات تجمع کرده بودند، گذاشت. در انتهای مراسم پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مناسبت اولین سالگرد عاشورای مجاهدین قرائت گردید. سپس اسامی بالغ بر ۸۰ حزب، گروه، شخصیت و سندیکاهای کارگری

ایتالیا که پیام‌ها و تلگرام‌هایی مبنی بر حمایت از تظاهرات ۱۹ بهمن ارسال نموده بودند، خوانده شد. پس از آن نماینده حزب سوسیالیست ایتالیا - دفتر رم، برای قرائت پیام این حزب پشت تریبون قرار گرفت و حمایت این حزب را از تظاهرات هواداران مجاهدین اعلام داشت. در پایان، قطعنامه تظاهرات قرائت گردید و سپس ۲۰ کیوتر سفید خونین بال به نشانه‌ی ۲۰ شهید قهرمان ۱۹ بهمن همراه با طنین پرشکوه سرود "آزادی" به پرواز درآمد. مراسم پرشکوه فوق‌پس از ۳/۵ ساعت در میان شور و احساسات بی‌دریغ هموطنان ایرانی و گروه‌هایی از مردم ایتالیا به پایان رسید.

در جریان تظاهرات انبوه خبرنگاران و فیلمبرداران خبرگزاری‌ها و مطبوعات و رسانه‌های عمومی ایتالیا به تهیه فیلم و ویرناژ مشغول بودند که از جمله: "آژانس خبری میلان"، "اکنا" خبرگزاری دولتی و بین‌المللی - روزنامه‌ی "کوریرادلاسرا"، خبرگزاری "آسوشیتدپرس"، "فرانس پرس" "آژانس خبری ایتالیا"، روزنامه‌ی "ایلتمپو"، تلویزیون "ویدئو نو" مجموعه‌ی رادیو تلویزیون بی.بی.سی، ۷ روزنامه‌ی سراسری ایتالیا از جمله "یونیتا" ارگان حزب کمونیست ایتالیا. "آوانتی"

روزنامه‌ی حزب سوسیالیست ایتالیا - "ریابلیکا" و همچنین خبرگزاری‌های رادیو تلویزیونی سراسری شماره ۱ و ۲ و ۳ ایتالیا را می‌توان نام برد.

"آوانتی" ارگان حزب سوسیالیست ایتالیا، "اونیتا" ارگان حزب کمونیست ایتالیا، "مانیفست" یکی از روزنامه‌های مترقی و سراسری ایتالیا و همچنین روزنامه‌ی "کوریرادلاسرا" اخبار مربوط به تظاهرات و توضیحات پیرامون آن را درج کردند و لازم به توضیح است که روزنامه‌ی "اونیتا" قبل از برگزاری این مراسم، عکس سردار و زندگی‌نامه‌ی او را چاپ کرده بود. در ۲۰ بهمن (روز بعد از تظاهرات) رسانه‌های گروهی ضمن آوردن گزارشی از تظاهرات بخش‌هایی از زندگی‌نامه‌ی سردار کبیر خلق را درج کرده و اشاراتی هم به زندگی سیاسی و مبارزاتی برادر مجاهد مسعود رجوی داشتند. همچنین اسامی نیروهای حمایت‌کننده از تظاهرات و خبر تظاهرات کشور - های دیگر را نیز درج نموده بودند. برخی از روزنامه‌هایی که اخبار و عکس‌های مربوط به تظاهرات را منعکس کرده‌اند عبارتند از:

- اونیتا
- آوانتی
- جورنالی ایتالیائی (یک)

- (روزنامه دولتی)
- ایل جورناله
- "ساجرو"
- پائیزه سرا
- ریابلیکا
- لاسامپا

هندوستان

تظاهرات بمناسبت اولین سالگرد شهادت سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید "اشرف ربیعی" و سایر همزمانان در ساعت ۱۲ از فاصله‌ی ۱۰۰ متری جلوی مقبره گاندی در دهلی نو شروع شد. شرکت‌کنندگان در این تظاهرات را هواداران سازمان مجاهدین هموطنان مقیم هند و برخی از شخصیت‌های هندی تشکیل می‌دادند که تعدادشان بر چند صد نفر بالغ می‌شد. همه‌ی خواهران و برادران هوادار سازمان شرکت‌کننده در مراسم پیراهن سفید به نشانه‌ی صلح پوشیده بودند. روی بازوی چپ آنها بازوبندی قرمز بسته شده بود در جلوی افراد، یک ناج کل توسط یکی از برادران حمل می‌شد و در دست همه‌ی آنها یک شاخه‌ی زیتون قرار داشت.

صفوف تظاهرکنندگان بطور منظم در سه ستون در حالی که در پیشاپیش آنها تصاویر سردار شهید خلق مجاهد کبیر موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" و تصویر برادر مجاهد مسعود رجوی به همراه پرچم ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران حمل می‌شد در حرکت بودند. پس از آنکه تظاهرکنندگان به جلوی آرامگاه "گاندی" رسیدند با نظم خاصی روبروی آرامگاه متوقف شدند و پس از نهادن دسته‌کلی بر مزار گاندی به مدت یکساعت در این محل توقف کردند. در این مدت سرودهای "میلیشیا"، "ایران زمین" و "جبهه‌ی رهائی" در حالی که از طریق بلندگو پخش می‌شد توسط تظاهرکنندگان خوانده شد. همچنین قسمت - هایی از سخنرانی سردار کبیر خلق در میتینگ تبریز در فاصله سرودها پخش گردید. بعد از اتمام این قسمت از برنامه تظاهرکنندگان بطرف دروازه‌ی هند،



صحنه‌ای از مراسم پایانی راهپیمایی و تظاهراتی که به دعوت انجمن دانشجویان مسلمان انگلستان (لندن) به مناسبت سالگرد ۱۹ بهمن ۶۰ برگزار گردید.

فَضْلَ اللَّهِ الْجَاهِدِينَ عَلَى الْكَاذِبِينَ جَرَّأِغْلِبًا



خاطره مجاهد شهید سرگرد علی محبی پیشاز پرسنل انقلابی ارتش گرامی باد

"برادران قهرمان ما در ارتش (در نیروهای سه گانه ارتش) عم از نیروهای زمینی و هوایی و دریایی (و همینطور در ژاندارمری و شهربانی، ضمن یکسال گذشته با شرکت خودشان در مقاومت و مبارزه‌ی مسلحانه، دوش بدوش سایر نیروهای مجاهد خلق، حماسه‌های شورا نگیزی - چه در تهران و چه در بعضی شهرستانها - آفریدند. همچنین ما از امکانات آنها نیز بیدریغ استفاده کردیم. پرسنل نظامی مجاهد خلق و همینطور برادران نمان در شهربانی و ژاندارمری، بحق مظاهر و سوسمبل‌هایی هستند از یک ارتش مردمی و یک پلیس مردمی که ضمن سال گذشته، شهدای بسیاری... تقدیم نمودند"

(از فرماندهی عالی سیاسی - نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مسعود رجوی در جمع بندی یکساله‌ی مقاومت مسلحانه)

با نام الله شروع می‌کنم. و بدین ترتیب از پادگان خارج شد و به صفوف رزمندگان مجاهد خلق پیوست و با ایمان و آگاهی و شور انقلابی، تمام انرژی و توان خود را در نبرد مسلحانه بر علیه رژیم ضد خلقی شاه و در راه رهایی خلق و تحقق اهداف انقلابی و توحیدی سازمان مجاهدین خلق بکار گرفت و سرانجام نیز در تاریخ ۳ / اسفند / ۵۴ طی یک درگیری مسلحانه با مزدوران شاه خائن، بشهادت رسید. و به این ترتیب نخستین پرسنل انقلابی ارتش، در صفوف رزمندگان مجاهد خلق قهرمانانه جان باخت.

سرگرد علی محبی پیشاز حرکت انقلابی پرسنل ارتشی دلیری است که پس از مقاومت‌ها و رشادت‌های بسیار در جریان قیام شکوهمند و یکپارچه‌ی مردم بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه - بویژه خلق حماسه‌ی ۲۱ بهمن بوسیله‌ی پرسنل انقلابی نیروی هوایی - اینک در صفوف مقاومت انقلابی مسلحانه بر علیه رژیم ضد بشری خمینی شرکت جست و به انجام وظایف انقلابی و میهنی خود در جهت رهایی خلق از چنگال خمینی خون‌آشام - این جانشین خلف شام قیام کرده‌اند.

نقش ارزنده‌ی پرسنل نظامی مجاهد خلق در عملیات بزرگ و تاریخی "پرواز"، تلاش در جهت تامین سلاح و مهمات مورد نیاز مقاومت انقلابی مسلحانه و از جمله ضبط مقادیر زیادی سلاح و مهمات از پادگان قصر فیروزه‌ی تهران، پادگان لاهوتی (باغشاه سابق) و پادگان مشهد، و نیز قیام قهرمانانه در پادگان لویزان و بهلاکت رساندن بسیاری از سرسپردگان عالیرتبه خمینی در ارتش، انفجار دوایر

سرمایه‌داران و استثمارگران و نیز استثمار و ظلم به میلیونها مردم زحمتکش ایران عزیز باشم من نمی‌توانستم تنها با پوشیدن لباس زیبای افسری و لم دادن در ماشین سواری و گرفتن حقوق و درجه، بدون هیچگونه قدم

این ترتیب با رسیدن به گمشده‌ای که سالها بدنبالش بود، مجدانه در صدد برقراری ارتباط با سازمان برآمد، و پس از آنکه توانست با برادران مجاهدش ارتباط برقرار کند، تمامی امکانات و انرژی خود را در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های انقلابی و توحیدی مجاهدین بکار گرفت. پس از ضربه‌ی خیانت‌بار اپورتونیست‌های چپ‌نما در سال ۵۴، بنا به ضرورت‌های امنیتی و صلاحدید برادران مجاهد، به زندگی مخفی روی آورد و روز پنجشنبه ۴ / دی ماه ۵۴ با مصادره‌ی یک خودروی ارتشی و مقداری سلاح، بی‌سیم، پرونده‌های مخابراتی، کلیدهای ماشین رمز و ... از پادگان خارج شد و از آن تاریخ بطور تمام وقت در خدمت انقلاب درآمد، او طی نامه‌ای به خانواده‌اش، انگیزه‌ی اقدام به این حرکت انقلابی را چنین توضیح می‌دهد:

"من نمی‌توانستم آرام بوده و شاهد بغارت رفتن منابع طبیعی کشور خود توسط

سوم اسفند سالگرد شهادت پیشاز پرسنل انقلابی ارتش، برادر مجاهد سرگرد علی محبی است.

مجاهد شهید سرگرد علی محبی در سال ۱۳۱۹ در زنجان بدنیآ آمد و بعد از طی دوره‌ی دبیرستان نظام، در سال ۱۳۲۹ وارد دانشکده‌ی افسری شد، روحیه‌ی مبارزه‌جو و ضد ظلم او از همان ابتدا نمی‌توانست نظم و اطاعت ارتجاعی و کورکورانه‌ی حاکم بر ارتش شاهنشاهی را تحمل کند و به این دلیل به انحاء مختلف در برابر این سیستم ضد انقلابی و ضد خلقی و فشارهای ناشی از آن ایستادگی می‌کرد و لذا مرتباً از پادگانی به پادگان دیگر - بویژه در نقاط دوردست و بدآب و هوا - منتقل می‌شد.

سرگرد علی محبی در تلاش برای کسب آگاهی‌های سیاسی و انقلابی هرچه بیشتر، از طریق مطالعه‌ی زندگی‌نامه‌ها و دفاعیات مجاهدین شهید با اهداف و آرمان سازمان مجاهدین خلق آشنا شد و به

شهیدی چون سرگرد حسین فیروز ثانی، ستوان دوم یدالله عباس‌پور آتشگاه، گروهبان دوم زلفعلی محمد پور قادری، گروهبان دوم علی‌اصغر مسعودی و سایر شهدای مجاهد خلق در ارتش و ... درخشش و جلوه‌ی خاصی یافته‌است.

همچنین با مصاحبه‌ها و افشاکاری پرسنل مجاهد ارتش منجمله افسر فنی نیروی هوایی تهران، رضا اسدی رئیس کنترل و نگهداری پایگاه ترابری نیروی هوایی، سروان حمید زیرکباش افسر رابط نیروی هوایی در فرماندهی نیروی زمینی و سرگرد خلیان محمدحسن منصور که در سطح جهانی انعکاس گسترده‌ای داشت، مردم‌ماو نیز تمامی جهانبانان پیشاز پیش در جریان عملکردهای ارتجاعی و جنایات ضدبشری خمینی و فرماندهان مزدور و جنایتکارش قرار گرفته‌اند.

گزارشات پرسنل انقلابی ارتش به فرماندهی عالی سیاسی - نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران، برادر مجاهد مسعود رجوی در مورد عمق و گستردگی حمایت از سازمان در میان پرسنل انقلابی و میهن‌پرست ارتش، بیانگر این واقعیت است که نظامیان آگاه و مردمی این میهن، علیرغم خواست خمینی جلاد و تمام دجالگری‌هایش، بخوبی راهبران و یاوران راستین خلق را شناخته و علی‌رغم جو سرکوب و خفقان مضاعف حاکم بر محیط ارتش، همچون مجاهد شهید سرگرد علی محبی، مصمم و استوار قدم به راه خونین و پرافتخار مجاهدین خلق نهاده‌اند تا نقش خود را در امر سرنگونی نظام ضدبشری خمینی و تدارک انقلاب کبیر خلقمان ایفاء کنند.

"من به علل امنیتی و نیز بعنوان پیوستن به نیروهای انقلابی و طی طریق جهاد در راه خدا، پس از ضربه‌زدن به پیکر دستگا هظلم و ستم شاه خائن، به برادران انقلابی که از قبل با آنها در تماس بودم، پیوستم، من می‌دانم که آخر این راه مرگ است، مگر اینکه عمرا اجازه دهد تا شاهد سرنگون شدن سلطنت کتیف پهلوی ویزید جلا دو درهم پیچید ه شدن دودمان ننگین او و استقرار حکومتی آزاد و بی طبقه و توحیدی در کشور ایران باشیم ..."

از نامه‌ی مجاهد شهید سرگرد علی محبی به خانواده‌اش

در سالگرد شهادت برادر مجاهد سرگرد علی محبی خاطره و یاد او را گرامی می‌داریم و از زبان پرسنل انقلابی و میهن - پرست ارتش که در سنگرهای مختلف به نبرد علیه خمینی دجال مشغولند نیز به پیشتازی و راهگشائی انقلابی او در ارتش درود می‌فرستیم.

تفنیس عقاید پایگاه نیروی هوایی تهران و همچنین انفجار و انهدام تجهیزات و دستگاف‌های فرستنده‌ی پارازیت بر روی "صدای مجاهد" و نیز عملیات متعدد در صفوف پیشمرگه‌های مجاهد در کردستان و ... گوشه‌هایی از کارنامه‌ی عملیاتی درخشان پرسنل نظامی مجاهد خلق است که با خون مجاهدین

مثنی به خلق، خود را سرباز و خدمتگزار وطن بناام. " برادر مجاهد سرگرد علی محبی به هنگام ترک پادگان، اونیفورم نظامی خود را در اتاق کار سابقش آویزان کرد و روی آن نوشت: "آریامهر!!! زنجیری را که تو بردستی و پای ما بسته بودی، پاره کردم و زمستان را

از سری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق

نکاتی چند پیرامون اطلاعات و شناسائی

بقیه از صفحه ۸

پاسخ داد: نام و نام فامیل او چیست؟ سوای جنایات و خیانت‌های وی بطور کامل چه می‌باشد؟ آدرس محل سکونت و محل کار وی کجاست؟ مسیر تردد وی از چه خیابان‌هایی است و معمولا چه ساعتی از منزلش خارج می‌شود؟ مشخصات ظاهری او چیست و آیا مسلح است یا خیر؟ در صورتی که وسیله نقلیه دارد، نوع رنگ و شماره‌ی آن چه می‌باشد؟

گزارش‌ها هر قدر که زنده و نو باشند بهتر است. اطلاعات کهنه و قدیمی نیز نامناسب نیستند ولی بهتر است که حتی المقدور، پیرامون آن تحقیقات مجددی انجام شود تا درجه‌ی وثوق آن افزایش یابد. هم چنین لازم است که تاریخ کسب خبر و زمان نوشتن گزارش دقیقا قید شود. چرا که برای انجام عملیات، فقط بر روی اطلاعات زنده می‌توان حساب باز کرد.

برخی مواقع ممکن است که گزارش مربوط به محل سکونت سوژه نباشد و مثلا مربوط به پانوق‌های وی مثل قهوه‌خانه و یا منزل فامیل‌هایی که بطور ثابت به آنجا سر می‌زند باشد. پیرامون این اماکن نیز باید اطلاعات کاملی ارائه داد. بهر حال باید توجه داشت که اطلاعات اولیه هر اندازه کاملتر باشد، مسائل بیشتری را حل می‌کند و از بار شناسائی‌های تکمیلی بعد می‌کاهد. رزمندگان می‌توانند در صورت امکان از طریق برخورد مستقیم و یا بصورت کتبی، جهت تکمیل یک گزارش اطلاعاتی ضمن دادن آموزش‌های کافی، از خود فرد گزارش‌کننده کمک بگیرند.

باز هم باید خاطر نشان کرد که اطلاعات پراکنده‌ی مردم هر چند ناقص باشد، یابدلایی نتواند بلافاصله مورد استفاده واقع گردد ولی سرانجام روزی به کار خواهد آمد و حفظ و نگهداری آنها به شیوه‌های مناسب از قبیل استفاده از جوهر نامرئی و یا قرار دادن آنها در جاسازی‌های مطمئن ضروری است. نکات و مطالبی که برای نوشتن گزارش‌های اطلاعاتی ذکر شد در "فرم" زیر ارائه می‌گردد تا بر همین مبنا گزارش‌های اطلاعاتی تنظیم گردیده و چیزی از قلم نیفتد.

- ۱- تاریخ تنظیم گزارش
- ۲- درجه‌ی وثوق گزارش

۳- رد نویسنده‌ی گزارش (بهرمن نوشته شود)
 ۴- سوای سوژه و اینکه درجه نهاد و یا ارگانی کاری کند، و جنایاتی که تاکنون مرتکب شده است.
 ۵- مشخصات کامل سوژه از قبیل (قیافه - لباس - کتبی - محل، ساعات تردد، نوع انومیل، نوع موتورسیکلت و شماره‌ی آن، مسلح است یا غیرمسلح، محافظ دارد یا خیر و...)

بعد از چک اولیه‌ی سرخها متناسب با شرایط باید حدود شناسائی‌های لازم را تعیین کرده و اجرای آنرا در دستور کار قرارداد. اگر اجرای عمل به شناسائی عملیاتی قبلی احتیاج نداشت و اجرای آن در حد توان واحد عملیاتی بود می‌توان با استفاده از همان اطلاعات، اقدام به طرح ریزی و اجرای عملیات نمود. ولی در صورتیکه چه بدلیل شرایط و چه بدلیل حد توانائی و تجارب واحد عملیاتی و هسته‌ی مقاومت مسلح و مجموعه آموزشگاهی که دریافت کرده است، انجام شناسائی بیشتری ضروری تشخیص داده شود، واحد عملیاتی بایستی برای کسب آن مقدار شناسائی که برای اجرای عمل لازم می‌باشد، اقدام نماید. ویژگی‌هایی که در هر شناسائی عملیاتی اعم از اعدام تک مزدوران دشمن، جاسوسها و افراد شبکه‌ی تعقیب و مراقبت و دیگر سرپنجه‌های اختناق و دیکتاتوری و... باید مدنظر قرار گیرد، عبارتند از: شناسائی منطقه‌ی عمل و رسم کروکی بمنظور تعیین راه ورود، محل اجرای عملیات و سپس مسیر عقب نشینی و همچنین مسیر تردد سوژه و شناخت کامل مختصات ظاهری سوژه‌ی مورد تهاجم، که به ترتیب به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

منطقه شناسی و رسم کروکی

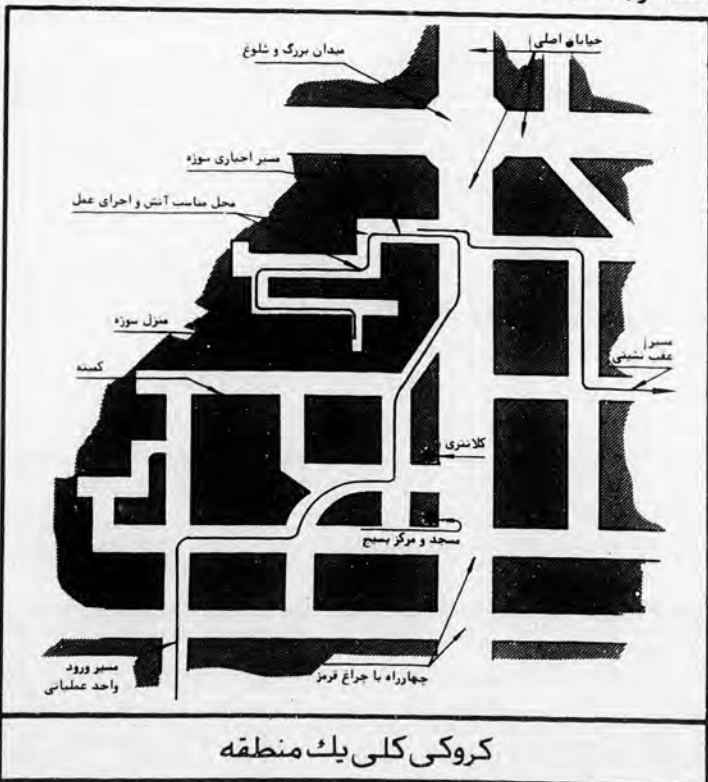
مسیر ورود و بخصوص راه‌های عقب نشینی واحد عملیاتی پس از اجرای عمل باید به شکلی باشد که بتواند حداکثر سرعت را برای خروج سریع از منطقه‌ی عمل تامین نماید. مثلا بهتر است مسیری انتخاب شود که حتی المقدور ترافیک آن سنگین

نباشد و نیز از چهارراهها و چراغ‌قرمزهای زیاد و هم چنین از مقابل مراکز انتظامی، نقاط فالانژی، مناطق فعال و شلوغ شهر نگذرد. علاوه بر این مسیری باشد که حتی الامکان دارای خیابانهای فرعی و کوچم‌های متعدد برای انجام ضدتعقیب باشد. هم چنین تا آنجا که ممکن است دارای عوارض طبیعی و مصنوعی مثل سرعت گیر، دست‌انداز وجود ماشینهای اسقاط، مسیر خاکی، تپه و گودال و شیب‌های تند نباشد. به این منظور باید با گشت زدن در منطقه، نسبت به آن آشنائی پیدا کرد و با ترسیم کروکی، مسیرهای مناسب برای ورود و خروج را تعیین نمود و از میان آنها بهترین و مناسبترین مسیر را انتخاب کرد. برای ترسیم کروکی خیابانهای اصلی و تشخیص طول مسیرهای مختلف، می‌توان از نقشه‌های چاپ شده‌ی شهر استفاده کرد. هم چنین بر روی همان نقشه‌ها می‌توان با استفاده از رنگهای مختلف، مراکز کمیته و سپاه و دیگر نهادهای سرکوبگر و مکانهای عمده توره‌های بازرسی و گشت واحدها را مشخص کرد. سپس با آشنائی که از نزدیک با منطقه‌ی مورد نظر برای انجام عملیات بدست آمده، آن بخش را به شکلی دقیق تر و کامل تر و با تعیین کوجه‌های بن بست، خیابانهای یکطرفه و دوطرفه و طول و عرض تقریبی همه‌ی آنها، چهارراهها و چراغ قرمزها و مراکز رژیم و... را می‌توان ترسیم نمود. بدنبال آن مسیرهای قابل استفاده و بهترین آنها را بر روی نقشه‌ی ترسیم شده، معین کرد. برای نمونه به کروکی زیر و نقاطی که روی آن مشخص شده است توجه کنید.

شناخت مختصات سوژه

برای اینکه فرد یا تیم شناسائی کننده، بتواند اطلاعات دقیق و کاملی از سوژه مورد نظر به دیگر افراد واحد عملیاتی بدهد، علاوه بر ترسیم کروکی منطقه و مشخص کردن نقاط مورد توجه بر روی آن، باید بتواند مشخصات و مختصات سوژه را نیز به شکل صحیح و کامل، شناسائی کرده و ارائه دهد. برای گزارش مختصات یک مزدور در مرحله‌ی اول وضعیت کلی ظاهرا و مورد نظر می‌باشد. وضعیت کلی مشخصاتی نظیر قد، هیکل، سن تقریبی، موو شکل آرایش آن و هم چنین داشتن یا نداشتن ریش و سیل و... می‌باشد. سپس مشخصات ریزتری که باعث شناسائی دقیق چهره‌ی وی می‌شود مدنظر است. از بهترین نشانه‌هایی که چهره را مشخص می‌کند وجود علامت‌های مشخصه مثل سالک، جای زخم و خال بر روی صورت می‌باشد. بیان اندازه و شکل دیگر اعضای چهره در صورت عدم وجود علامت مشخصه نیز می‌تواند بالمجموع چهره را مشخص نماید. برای این کار باید اندازه و شکل دیگر اعضای چهره را دقیقا بیان کرد. این اعضاء عبارتند از: بینی چشم، ابرو، گوش، لبها و چانه. وجود فرورفتگی در چانه، برآمدگی لبها، شکستگی بینی و گوش و داشتن عینک طبی را نیز می‌توان بعنوان علامت مشخصه تلقی کرد.

در مورد ماشین یا هر وسیله‌ی نقلیه‌ی دیگر نیز نوع، رنگ، مدل، شماره، رنگ تودوزی و



کروکی کلی يك منطقه

یاد شهدای گروه ابودر (وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران) گرامی باد



مجاهد شهید حجت عبدلی



مجاهد شهید ولی الله سیف



مجاهد شهید عبادالله خداحمی



مجاهد شهید ماشا الله سیف



مجاهد شهید روح الله سیف



مجاهد شهید بهمن منط

گروه ابودر، توسط مزدوران شاه خائن، آنان مجاهدین را که به دنبالشان بودند در زندان یافتند و در فاصله کوتاهی بین خاتمی بازجویی‌ها و شکنجه‌ها تا لحظه شهادت، تحت نظر و در ارتباط با برادران مجاهد، مشتاقانه به کسب آموزش‌ها و بقیه در صفحه ۲۷

چریکی کوچکی را در سال ۵۱ در شهرستان نهاوند بنا نهادند و عملیات انقلابی مسلحانه را به امید برقراری ارتباط با سازمان، بدون برخورداری از امکانات کافی اما با شوری انقلابی و ایمانی قاطع به پیروزی خلق آغاز کردند. پس از دستگیری رزمندگان

پاکبازی بودند که با تاثیر پذیرفتن از حرکت انقلابی مجاهدین و پس از تلاش بسیار در جهت برقراری رابطی مستقیم با سازمان، از آنجا که بدلیل شرایط خفقان و دیکتاتوری پلیسی حاکم و مشکلات آن، موفق به ایجاد ارتباط نشدند، خود هستی

چاره‌ای بودند، پیام سرخ مجاهدین را از درون شکنجه-گاهها و بیدادگاهها و در صحنه‌های نبرد مسلحانه بگوش جان شنیدند و مشتاقانه به راه خونین مجاهدین خلق گام نهادند. در این میان شهدای گروه "ابودر" از جمله جوانان

با به غرض درآمدن کلوله‌های آتشین و ظلمت‌سوز مجاهدین خلق در سال ۵۰ و گسترش عملیات انقلابی مسلحانه بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه خائن، بسیاری از جوانان پرشور و مبارز این میهن که در تلاش برای رهایی خلق از چنگال رژیم وابسته‌ی حاکم، بدنبال راه

مشغول شدن به کارهای غیرطبیعی مانند ایستادن بیش از حد در یک نقطه، ایستادن زیاد در جلوی ویترین مغازه‌ها و... همه و همه موجب برانگیخته شدن شک مزدوران و جاسوسان دشمن نسبت به رزمندگان خواهد شد. بنابراین رزمندگان باید از استفاده از این شیوه‌ها جدا خودداری نمایند، بلکه باید با فکر و خلاقیت و ابتکار از شیوه‌های نو و جدید که متناسب با محل و محل نیز باشد، استفاده نمایند. ۳- شناسایی باید بگونه‌ای باشد که باعث هوشیاری دشمن نشود، چون این مسئله ممکن است در حین عمل، رزمندگان را با مشکلات و مسائل پیش‌بینی نشده‌ای روبرو نماید و حتی ممکن است "سوژه" را بسوزاند و یا باعث به تعویق افتادن عملیات بشود.

از اعزام به مأموریت به نکات زیر توجه کافی داشته باشند و نسبت به آنها توجه گردند. ۱- داشتن محل فردی که برای شناسایی "سوژه" به مأموریت اعزام می‌شود باید در همه حال بویژه هنگامی که "سوژه" را تحت نظر دارد محل داشته باشد تا در صورت برخورد احتمالی با مزدوران دشمن و یا هنگامی که مورد سوءظن جاسوسان دشمن قرار گرفت، بتواند با بازگرفتن محلها، شک آنها را نسبت به خود برطرف نماید. ۲- عادی بودن

۴- رزمندگانی که بصورت مسلح به شناسایی می‌پردازند، باید آمادگی‌های لازم را برای درگیری‌های احتمالی داشته باشند و به راه‌های ورود و خروج و عقب‌نشینی منطقه اشراف کامل داشته باشند. پس از هر مرحله از شناسایی باید به جمع‌بندی اقدامات انجام شده در این مورد پرداخت تا نقاط ابهام و کمبودهای شناسایی مشخص شده و در مراحل بعد، شناسایی تکمیل گردد و بر اساس آن طرح‌ریزی عملیات و سایر مراحل تا انجام موفقیت‌آمیز عملیات نظامی مورد نظر پیگیری شود. ■

از سری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق

نکاتی چند پیرامون اطلاعات و شناسایی

خارج است، باید گزارش کامل و دقیق آنرا نوشته و به مسئولین مربوطه تحویل دهد. نکته‌ای را که نباید از نظر دور داشت رعایت مسائل امنیتی و برنامه‌ریزی برای اجرای شناسایی است که ذیلا به

که ممکن است باید از ویژگیهای زیر برخوردار باشد: داشتن تسلط و اشراف کامل نسبت به سوژه - زاویه‌ی مناسب آتش - حداقل آسیب - پذیری از پشت بلحاظ غافلگیری و در تیزرس دشمن قرار گرفتن

تزیینات داخلی آن باید مورد توجه قرار گیرد. هم چنین اینکه از کجا و چگونه سوار وسیله‌ی نقلیه‌اش می‌شود، نیز حائز اهمیت است.

قبل از پایان این بخش باید یادآور شد که در قسمت اول انجام شناسایی، طبیعتاً طرح اولیه‌ای برای اجرای عملیات به ذهن می‌رسد که بقیه قسمت‌های شناسایی عمدتاً پیرامون همان طرح و در جهت تکمیل آن می‌باشد. مثلاً برای اعدام یک مزدور و جاسوس رژیم شاید در وهله‌ی اول بنظر برسد که انجام عمل در نزدیکی محل سکونتش به دلایل مختلف منجمله شلوغ بودن محل و یا نزدیک بودن آن به یک ساختمان حفاظت شده، صحیح نیست و باید او را در طول مسیر ترددش غافلگیر کرد و مورد هدف قرار داد. به این ترتیب بقیه‌ی شناسایی را باید بر روی پیدا کردن مسیر تردد وی و نقطه‌ی مناسب آتش در آن مسیر متمرکز کرد. برعکس در صورتی که انجام عملیات در حوالی محل سکونتش ممکن باشد دیگر احتیاج به پیدا کردن مسیر تردد وی نیست. نقطه‌ای که برای انجام عمل مناسب باشد تا آنجا

"اطلاعات اولیه" شامل کلیه‌ی اخبار و مطالبی است که می‌تواند به عنوان سرخ، جهت دسترسی به مزدوران دشمن مورد استفاده قرار گیرد. مثلاً اسم، آدرس محل سکونت یا کار، مسیر تردد و مشخصات قیافه‌ی یک پاسدار، اسامی فالانژهای یک محله و مشخصات آنها، موضع و موقعیت یک فرد ناشناخته که خیلی آرام و عادی در محله رفت و آمد می‌کند، بررسی و کسب اطلاع نسبت به جرائم یک جاسوس که آیا در دستگیری رزمندگان شرکت داشته یا اطلاع و اخباری از آنها به کمیته داده و... به عنوان اطلاعات اولیه محسوب می‌شوند.

توضیح مختصر آن نیز می‌پردازیم.

چه نکاتی را در هنگام شناسایی باید رعایت کرد

شناسایی باید مانند بقیه‌ی قسمت‌های عملیات با فکر و برنامه‌ریزی دقیق انجام پذیرد، فرد و یا افرادی که برای شناسایی یک سوژه اعزام می‌شوند باید قبل

عدم ایجاد آسیب و خسارت به مردم - وجود محل‌های عادی برای منتظر ایستادن - داشتن گریزگاهها و محل‌هایی برای عقب‌نشینی و خارج شدن از منطقه‌ی عمل - داشتن سنگرهای طبیعی و یا مصنوعی. بعد از انجام شناسایی، واحد عملیاتی می‌تواند طرح اجرایی عمل را مشخص کرده و نسبت به انجام آن اقدام نماید. اما در صورتیکه تشخیص داد که اجرای عملیات از حد توانائیش

هفتصد درصد افزایش یکباره عوارض در مورد آجر نشانه دیگری از افلاس و چپاولگری رژیم خمینی

را متضرر خواهد کرد، بخصوص اینکه کوره‌پزخانه‌ها بنا بر ویژگی کارشان ۸ ماه از سال تعطیل‌اند و تولیدی ندارند. آنها به اکثر مقامات و مراکز رژیم (مراکز قضائی وزیر کشور- ستاد پیگیری فرمان ۸ ماده‌ای و ۰۰۰) مراجعه کرده و نامه‌ای نیز نوشته‌اند که در کیهان پنجم بهمن چاپ گردیده است. اما مقامات آنها را به استانداری تبریز یعنی مرجع صدور بخشنامه ارجاع داده‌اند. پاسخ صادر کننده بخشنامه هم پیشاپیش مشخص است.

درصد افزایش پیدا کرده است. در حالی که هم اکنون برای همین مقدار آجر (۱۰۰۰ عدد) در تهران ۳۰ ریال عوارض می‌پردازند. جالب اینجاست که طبق بند ۱ بخشنامه، اجرای مفاد

را در اسرع وقت به کلیه واحدهای فخاری ابلاغ و سریعاً اقدام لازم به عمل آورد. "شهردار تبریز اسماعیل قدری" همانطور که ملاحظه می‌کنید اولاً کلیه کوره‌پزها باید مبلغی معادل کل کار و بدهی سال ۶۱ را به عنوان سپرده (پول نقد، چک یا سفته) برای ضمانت نزد مقامات رژیم بسپارند تا قادر به ادامه‌ی کار باشند (بند ۱- بخشنامه). ثانیاً درحالیکه طبق توافقنامه‌ای که قبلاً در جلسه‌ای با شرکت نماینده‌ی خمینی و باصطلاح امام جمعه تبریز (شیخ مسلم ملکوتی) و نیز فرماندار این شهر با اتحادیه‌ی صنف فخاران به امضاء رسیده بود بایستی به ازای هر ۱۰۰۰ قالب آجر، ۵۰ ریال عوارض از صنف فخاران اخذ گردد. ولی

۲- تحویل سوخت از هر نوع به کوره‌پزها تنها در صورت تسویه حساب کلی ماه قبلی و حداقل یکماه از سال ۶۱ خواهد بود. ۳- تا اطلاع ترخ بعد از طرف مقامات مسئول عوارض هر ۱۰۰۰ قالب آجر فشاری ۳۷۵ ریال و ماشینی ۳۹۵ ریال می‌باشد. ۴- کلیه اعتراضات تنها از طریق مراجع قانونی قابل قبول بوده و پاسخگویی خواهد شد. ۵- در صورتی که مشاهده گردد مسئولین مربوطه در اتحادیه طبق مقررات مذکور عمل ننموده‌اند و اقدام به تحویل سوخت به هر عنوان نموده‌اند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت و مسئولیت

سیاست‌های ارتجاعی و چپاولگرانه‌ی رژیم خمینی صرفنظر از اینکه اقتصاد کشور را به ورشکستگی و نابودی کشانده است، موجب شده که رژیم نتواند هزینه‌های سرسام‌آور خود را بخصوص در رابطه با جنگ خارجی و سرکوب داخلی جز با به تاراج دادن نفت و افزایش روزافزون مالیات و عوارض و... تأمین نماید. همچنان که در بودجه‌ی سال ۶۲ نیز مالیات‌ها (که در نهایت بار عمده‌ی آن بدوش طبقات زحمتکش جامعه است) به نحو چشمگیری افزایش یافته است.

یکی از نمونه‌های مشخص در رابطه با افزایش چشمگیر عوارض و مالیات که ضمناً توأم با تهدید و ارباب نیز می‌باشد، بخشنامه‌ای است که شهرداری تبریز در تاریخ نهم دی‌ماه امسال در مورد افزایش میزان عوارض آجر فشاری صادر کرده است.

متن این بخشنامه به قرار زیر است:
به شورای صنف فخار تبریز

نامه‌ی شماره ۹۳۳-۳۰
تاریخ ۶۱/۱۰/۹
پیرو نامه‌ی شماره ۳۱۷-۲۵ (۶۱/۸/۱۰) شهرداری تبریز در مورد عدم تأمین سوخت به کوره‌های تبریز مراتب زیر اضافه و لازم‌الاجرا بوده که از طریق این شهرداری قویاً تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

۱- از اول سال ۶۲ کلیه کوره‌های آجرپزی مبلغی معادل کل کار و بدهی سال ۶۱ به عنوان سپرده، چک و یا سفته بدون تاریخ یا پشت امضاء اتحادیه‌ی فخاران تحویل و بعد شروع بکار خواهند نمود.

آنچه مسلم است نتیجه‌ی مستقیم این افزایش مالیات (عوارض)، گرانت‌شدن و رواج هرچه بیشتر بازار سیاه آجر خواهد شد و نهایتاً بیشترین فشار آن بر دوش مردم محروم ماسنگینی خواهد کرد.

همانطور که ملاحظه می‌کنید رژیم روی سوخت که اصلی‌ترین مسئله‌ی کوره‌پزخانه‌هاست انگشت گذاشته و از آن طریق می‌خواهد روی آن‌ها فشار بیاورد تا آنها را مجبور به پرداخت هر چه زودتر عوارض کند. طبق معمول تهدید و سرکوب به عنوان راه حل اصلی همه‌ی مسائل و مشکلات رژیم در سراسر بخشنامه (مقدمه، بند ۴ و ۵ بخشنامه) نیز وارد شده است. در اینجا هم تهدید و سرکوب (و نیز قطع سوخت) ساده‌ترین شیوه‌ای است که رژیم برای پیشبرد برنامه‌اش، اتخاذ کرده است.

بخشنامه‌ی جدید باید از اول سال ۶۲ به اجرا گذاشته شود، اما حرص و آز و چپاولگری مقامات رژیم آنقدر زیاد است که چند روز پس از صدور بخشنامه آنرا به اجرا گذاشتند و از دادن سوخت به کوره‌هایی

طبق توافقنامه‌ای که قبلاً در جلسه‌ای با شرکت نماینده‌ی خمینی و باصطلاح امام جمعه‌ی تبریز (شیخ مسلم ملکوتی) و نیز فرماندار این شهر با اتحادیه‌ی صنف فخاران امضاء رسیده بود بایستی به ازای هر ۱۰۰۰ قالب آجر، ۵۰ ریال عوارض از صنف فخاران اخذ گردد. درحالیکه طبق بخشنامه‌ی جدید این عوارض یکباره به ۳۷۵ ریال برای آجر فشاری و ۳۹۵ ریال برای آجر ماشینی افزایش یافته است. یعنی تنها طی یک مرحله، مالیات بر آجر ۷ برابر شده و ۷۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

که عوارض نپرداخته‌اند خودداری نمودند که این مسئله موجب از کارافتادن و تعطیلی برخی از کوره‌پزخانه‌ها شده است. ۷۰۰ درصد افزایش عوارض در مورد آجر، صنف فخاران

طبق بخشنامه‌ی جدید، این عوارض یکباره به ۳۷۵ ریال برای آجر فشاری و ۳۹۵ ریال برای آجر ماشینی افزایش یافته است (بند ۳ بخشنامه). یعنی تنها طی یک مرحله، مالیات بر آجر ۷ برابر شده، یعنی ۷۰۰

مستقیم متوجه صنف فخاران می‌باشد. ۶- در صورت عدم پرداخت عوارض هر ماه پس از تحویل پیش‌آگهی به مدت یک‌ماه سپرده کلاً به اجرا گذاشته خواهد شد. لازم است مراتب

ساعات و امواج پخش برنامه‌های "صدای مجاهد"

راديو "صدای مجاهد" همه روزه برنامه‌های خود را همزمان بر روی امواج کوتاه، ردیف‌های:

۴/۲ مگاهرتز	برابر با	۶۹ متر
۶/۶ مگاهرتز	برابر با	۴۵ متر
۳/۵ مگاهرتز	برابر با	۹۰ متر

پخش می‌نماید.

ساعات پخش برنامه‌های "صدای مجاهد"، که مشتمل بر دو بخش آموزشی و عمومی است، به شرح زیر است:

ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه تا ۷ صبح... برنامه‌ی آموزشی
ساعت ۱۳ تا ۱۳ و ۳۰ دقیقه... تکرار برنامه‌ی آموزشی صبح
ساعت ۱۴ و ۱۵ دقیقه تا ۱۵ و ۴۵ دقیقه... برنامه‌ی عمومی
ساعت ۲۱ تا ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه... تکرار برنامه‌ی عمومی
امواج و ساعات پخش برنامه‌های "صدای مجاهد" را به هر طریق ممکن به اطلاع دیگران برسانید.

یادشدهای گروه ابودر (وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران) گرامی باد

بقیه از صفحه ۲۶

حنیف‌نژاد، سعید محسن و رضائی‌ها می‌رویم"، صف خود را از صف ضدانقلاب و ضد خلق مشخص و متمایز ساختند. سرانجام در سپیده‌دم ۳۰ بهمن ۵۲/ قلب‌های پرشور ۶ رزمنده‌ی گروه ابودر، برادران مجاهد: بهمن منشد، روح‌الله سیف، ماشاء‌الله سیف، عبادالله خدارحمی، ولی‌الله‌سیف، و حجت عبدلی آماج گلوله‌های مزدوران شاه قرار گرفت و خون پاکشان به پای نهال آزادی و رهایی خلق ایران جاری گشت. یادشان گرامی باد

به‌آرام‌های والای توحیدی مجاهدین بود. آنها در توضیح علت اتخاذ مشی انقلابی مسلحانه در برابر رژیم شاه گفتند: "به علت آشنائی با اسلام انقلابی و مطالعه‌ی قرآن و نهج‌البلاغه و تحت‌تأثیر درخشش تابناک مبارزه‌ی مسلحانه‌ی مجاهدین خلق ایران چاره‌ی نجات این مردم را جز در مبارزه‌ی مسلحانه ندیدیم". و سپس با گفتن اینکه: "بین ما و رژیم غیر از خون هیچ چیز دیگری نمی‌تواند حکم کند" و "ما خوشحالیم که براه امام حسین،

تعلیمات سازمان پرداختند. دلاوران گروه "ابودر" در بیدادگاه نظامی‌شاه خائن قاطعانه به دفاع از عقاید و آرمان‌های انقلابی مجاهدین برخاسته و از اینکه تحت‌تأثیر انقلابی حرکت مسلحانه‌ی سازمان به این‌راه گام نهاده‌اند با افتخار یاد کردند.

مقاومت سرسختانه‌ی شهدای گروه ابودر در برابر شکنجه‌های مزدوران شاه خائن و سپس دفاعیات پرشور آنها در بیدادگاه، نشانه‌ی عمق وفاداری آنان به خلق و ایمان و اعتقادشان

گزارشی از مراسم بزرگداشت سالروز "عاشورای مجاهدین" در کشورهای مختلف و بازتاب گسترده آن در مطبوعات جهان

بقیه/صفحه ۲۳

هندی (U.N.F) و (P.T.I) و روزنامه‌های "ایندین اکسپرس" هم چنین "تایمز"، "ایندیانا" "ناشنال هرالد"، "آستین منت" نیز این گزارش‌ها را همراه با عکس منعکس کردند.

آلمان

بمناسبت بزرگداشت سالروز ۱۹ بهمن روز شهادت سردار کبیر خلق مجاهد شهید "موسی خیابانی" و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید "اشرف ربیعی" و ۱۸ تن از همزمانان، تظاهرات با شکوهی در شهر بن در آلمان غربی توسط انجمن دانشجویان مسلمان آن کشور برگزار گردید. این تظاهرات که با شرکت بیش از ۱۰۰۰ تن از هواداران و هموطنان مقیم آلمان صورت گرفت، از پرجمعیت‌ترین و باشکوه‌ترین تظاهرات در این کشور بود که مورد توجه و استقبال جمعیت کثیری از نیروهای آلمانی و ایرانی قرار گرفت. اقشار مختلفی از هموطنان مان در خارج از کشور علیرغم سرمای شدید و ریزش برف در شب قبل و مشکلات ناشی از دوری راه که بعضاً به بیش از ۱۶ ساعت حرکت ممتد اتوبوس نیاز داشت، فعالانه در تظاهرات اولین سالگرد عاشورای مجاهدین شرکت جستند. در پیشاپیش صفوف منظم تظاهرکنندگان تصاویر بزرگ سردار شهید خلق مجاهد کبیر "موسی خیابانی" و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید "اشرف ربیعی" و همچنین تصویر برادر مجاهد مسعود رجوی به همراه پرچم ایران و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران حمل می‌شد. راهپیمایی از ساعت ۳ بعد از ظهر با اعلام برنامه و اجرای سرود "ایران زمین" توسط دسته موزیک و با همراهی و همصدایی جمعیت شرکت کننده آغاز شد، و پس از آن ۲۰ بالن که به آنها شعارهای کاغذی بطول ۱۰ متر آویزان بود به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ (بیانگر پرچم ایران) همراه با تکرار شعار "خون موسی می‌جوشد" مجاهد می‌خروشد "به هوا پرتاب شد. در طول راهپیمایی جمعیت ضمن گذشتن از نقاط مرکزی و شلوغ شهر بن "شعارهای زیر را به زبان فارسی و آلمانی تکرار می‌کردند: "تا صحبت از آزادی است - موسای ما تداعی است" "خمینی دشمن نسل و بقا، مجاهد سمبل صلح و صفا" ترجمه‌ی شعارهای آلمانی: "هدف مجاهدین برقراری صلح، آزادی و دمکراسی است - هدف

خمینی جنایت است" - خمینی بوجود آورنده‌ی وحشت" در پایان راهپیمایی شرکت کنندگان در وسط میدان (موسه پلاتس) در صفوف منظم مستقر شده و حاملان پلاکاردها در دو طرف میدان قرار گرفتند. سپس برای گرامیداشت خاطره‌ی مجاهدین قهرمانی که در ۱۹ بهمن سال ۶۰ عاشورای مجاهدین را خلق کردند، ۲۰ کیوتر سفید توسط ۸ خواهر و ۱۲ برادر سفیدپوش به نشانه‌ی ۸ خواهر و ۱۲ برادری که در آن روز با خون خویش صلح و آزادی ایران را تضمین کردند، به پرواز درآمدند. شرکت کنندگان در تظاهرات هنگام به پرواز درآمدن کیوتران این شعارها را تکرار می‌کردند: "از خون هر مجاهد موج زند این پیام - مرگ بر خمینی، زنده باد آزادی". در ادامه‌ی برنامه قطعه‌نامه‌ی اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور به زبان‌های آلمانی و فارسی قرائت شد و سپس سرود "میلیشیا" توسط دسته‌ی موزیک اجرا گردید که تمامی جمعیت با شکوه خاصی آن را همراهی می‌کردند. سپس پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران بمناسبت اولین سالگرد عاشورای مجاهدین به زبان‌های آلمانی و فارسی قرائت شد.

بیش از ۱۵۰ حزب، گروه، شخصیت‌های مترقی آلمانی و ایرانی از این تظاهرات حمایت کرده بودند که اسامی برخی از آنها در این قسمت از برنامه خوانده شد. در پخش پایانی تظاهرات قسمتی از پیام سردار شهید خلق مجاهد کبیر "موسی خیابانی" پخش گردید و در ادامه‌ی آن سرود "جبهه‌ی رهایی" بطور دسته‌جمعی خوانده شد و در ساعت ۶ بعد از ظهر تظاهرات خاتمه یافت. انعکاس مطبوعاتی و رادیویی تلویزیونی این تظاهرات وسیع بود و خبرنگاران زیادی برای تهیه‌ی گزارش در محل حضور یافته بودند. منجمله تلویزیون آلمان کانال‌های ۱ و ۳ در پخش اخبار خود ضمن نشان دادن فیلمی از تظاهرات راجع به دلایل برگزاری آن صحبت کردند. هم چنین خبرگزاری سراسری آلمان و "D.T.A"، "D.D.T" و رادیو "بایرن" در محل تظاهرات حاضر و رپرتاژهای جالبی تهیه و پخش کردند.

شورای ملی مقاومت ایران مراسم بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ...

توسط گروه کردی "دوری بول" به اجرا درآمد و در طول برنامه نیز سرودها و ترانه‌های کردی و فارسی انقلابی و ملی و میهنی پخش گردید.

انگلستان - لندن

در لندن از ساعت ۱۸/۳۰ الی ۲۲/۳۰ روز جمعه ۲۲ بهمن ماه در سالن معروف FREIND'S HOUSE (خانه‌ی دوستی) میتینگ شورای ملی مقاومت به مناسبت سالگرد انقلاب برگزار گردید.

در این مراسم ابتدا پیام آقای بنی‌صدر رئیس جمهور قرائت گردید و پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت توسط نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در انگلستان به اطلاع شرکت کنندگان در مراسم رسید. پیام حزب دمکرات کردستان ایران و پیام انجمن دانشجویان مسلمان انگلستان بخش‌های دیگری از این برنامه را تشکیل می‌داد و در قسمت پایانی برنامه ابتدا آقای غلامحسین باقرزاده به سوالات حاضرین در مورد شورای ملی مقاومت پاسخ گفت و سپس برنامه‌های هنری اجرا گردید. از آن جمله برنامه "دکلمه" در مورد قتل‌عام‌های رژیم خمینی در کردستان بود که توسط برادران کرد اجرا گردید. هم چنین توسط ارکستر همبستگی و نیز گروه‌های دیگر هنری انجمن دانشجویان مسلمان انگلستان چند برنامه موسیقی و "دکلمه" به اجرا درآمد.

انگلیسی ایراد کرد که همزمان با زیرنویس فارسی پخش گردید. همچنین نماینده‌ی زنان سوسیال دمکرات سوئد، نماینده‌ی از سوی سوسیالیست‌های مسیحی و نماینده‌ی عقوبین الملل نیز سخنرانی‌هایی در قسمت‌های مختلف برنامه ایراد کردند. ضمناً در طول این میتینگ برنامه‌های مختلف هنری منجمله تئاتر، نمایش اسلاید (از قیام بهمن تا تشکیل شورا) و سرودهای ملی و انقلابی اجرا گردید. همچنین نمایشگاه‌های عکس و کاریکاتور و نشریات گروه‌های مختلف سیاسی مقیم سوئد صحنه‌های دیگری بود که در محل مراسم مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت.

آلمان غربی - کلن

میتینگ شورای ملی مقاومت در این شهر از ساعت ۱۹ الی ۲۲:۳۰ دقیقه روز جمعه ۲۲ بهمن ماه برگزار گردید. در این میتینگ نیز پس از قرائت پیام آقای "بنی‌صدر" رئیس جمهور و پیام برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت، تحلیلی تحت عنوان "از بهمن تا بهمن" توسط آقای "مهدی‌خان بابا تهرانی" نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در آلمان به استماع شرکت کنندگان رسید. و در بخش دیگری از برنامه نیز آقای "خان بابا تهرانی" به سوالات شرکت کنندگان در مراسم در مورد شورای ملی مقاومت و مسائل پیرامون آن پاسخ داد. برنامه‌های هنری شامل سرودهای انقلابی و میهنی توسط گروه کر و هم چنین

فرازهایی از زندگی مجاهد شهید محمد لقاء نازنده

بقیه/صفحه ۱۹

پذیرا شد و بکاروان پرافتخار شهدای مجاهد خلق پیوست. دوبرادر محمد نیز در صفوف مجاهدین خلق و در تبرد با مزدوران خمینی تا کنون به شهادت رسیده‌اند و پدر زحمت‌کش آنان نیز پس از مدتی در اثر فشارها و مصائبی که از سوی مرتجعین بر او وارد آمده بود، درگذشت. و بدین ترتیب خانواده‌ای دیگر از خانواده‌ی بزرگ مجاهدین تمامی هستی و زندگی خویش را در نبرد با خمینی، فدیه‌ی راه رهایی خلق و آزادی میهن در زنجیرمان نمودند.

یادشان گرامی باد

رنج‌های تمامی مردم و مستی از خروار است و من در سنگر سازمان مجاهدین تا محو این دردهای فراگیر و همگانی خواهم جنگید." سرانجام این مجاهد دلیر و قهرمان در تاریخ ده‌مرداد ۶۱ در پایگاهی واقع در شمس‌آباد تهران همراه با مجاهدین شهید سهیلا قاضی محمدی و طاهره وزیری مورد تهاجم مزدوران و پاسداران خمینی دژخیم قرار گرفت و پس از حدود ۶ ساعت مقاومت قهرمانانه و به هلاکت رسانیدن ۸ پاسدار مزدور و زخمی کردن دهها تن دیگر، مرگ سرخ را

متن پیام‌های برخی از نیروها و شخصیت‌های سیاسی و مشهور فرانسه به شورای ملی مقاومت بمناسبت برگزاری مراسم بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن

پیام حزب سوسیالیست فرانسه

به مناسبت سالگرد شهادت سردار مجاهد، موسی خیابانی و در آستانه‌ی چهارمین سالگرد انقلاب ایران و نیز به مناسبت برگزاری میتینگ شورای ملی مقاومت در پاریس در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۹۸۳ حزب سوسیالیست یک بار دیگر سیاست و اعمال ضدبشری خمینی را که منجر به زندانی شدن ۶۰۰۰۰ و شهادت ۲۵ هزار نفر گشته است محکوم می‌کند. اعمالی که باعث از بین رفتن کلیه‌ی دست‌آوردهای انقلاب شده و به‌جز جنگ فقر، شکنجه و کشتار برای مردم ایران چیز دیگری دربر نداشته است. کشتاری که به قیمت خون بهترین فرزندان خلق از جمله مجاهدینی همچون موسی خیابانی، اشرف ربیعی، آذر رضائی و بسیاری دیگر از مبارزان تمام شد که آرمانی جز مبارزه در راه صلح و آزادی نداشتند.

حزب سوسیالیست آرزو می‌کند که مردم ایران صلح امنیت و آزادی‌ای را که با سختی بسیار در انقلابشان بدست آورده بودند، هر چه زودتر بازیابند. "حزب سوسیالیست"

پیام حقوق بشر سوسیالیست

به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب، حقوق بشر سوسیالیست درودهای برادرانه و تبریکات خود به خلق ایران را به کلیه‌ی رهبران شورای ملی مقاومت تقدیم می‌دارد. حقوق بشر سوسیالیست ناسف خود را از انحراف اهداف انقلاب بدست نیروهای ستمگر خمینی ابراز داشته و حمایت خویش را از شورای ملی مقاومت در مسیر رهائی دوم خلق ایران اعلام می‌کند.

پیام حزب سوسیالیست متحد

حزب سوسیالیست متحد که همیشه از مبارزان ایرانی در فرانسه در مبارزاتشان علیه دیکتاتوری شاه حمایت کرده است از سرنگونی این مستبد با شور و شوق استقبال نمود. متأسفانه ۴ سال بعد از آن این انقلاب مردمی بدست گروه کوچکی از افراد تشنه‌ی قدرت غصب شده است که سرکوب خونین بهترین سازندگان انقلاب ۱۳۵۷ نظیر موسی خیابانی را دنبال می‌کند. حزب سوسیالیست متحد به میتینگ شما درود می‌فرستد و همبستگی کامل خود را با شرکت‌کنندگان در آن که به روح انقلاب کبیر و مردمی ایران وفادارند اظهار می‌دارد. "دفتر سیاسی حزب سوسیالیست متحد"

پیام "کلود بورده" از جانب کمیته بین‌المللی مبارزه با اختناق و برای دموکراسی در ایران

برادرانه‌ترین سلام‌های خود را به رفقای ایرانی برگزار کننده‌ی این میتینگ تقدیم می‌دارم. مبارزه‌ی آنان بخاطر آزادی، حقوق بشر و دموکراسی در ایران امروز برای تمام کسانی که در جهان معتقدند که صلح عدالت و آزادی باید مقدم بر هر چیز تلقی شود مطلقاً اساسی است. جنایاتی که رژیم آیت‌الله خمینی مرتکب می‌شود بویژه قتل کودکان و نیز استفاده از آنان به مثابه‌ی گوشت دم توپ، از جمله بی‌رحمانه‌ترین جنایات در جهان امروزند. این جنایات رژیم را بی‌آبرو می‌کند و بزرگ‌ترین لطمه را به انقلاب مسخ شده‌ی ایران وارد می‌آورد، به تحکیم نیروهای ارتجاعی در ایران و دیگر نقاط کمک می‌نماید. و از آنجا که این جنایات بنام اسلام صورت می‌گیرد به این مذهب چهره‌ای انحرافی و خونخوار می‌دهد که زدودنش نیازمند تلاش‌های زیاد و سالیان درازی است. به نظر ما ضروری است که

مردم ایران هر چه زودتر از بند چنین رژیمی رها شوند بی‌آنکه باز در خشونت و اشتباهات رژیم پیشین غوطه‌ور گردند. باید بتوان در کشور شما یک دموکراسی واقعی، متجدد و با تحمل بنیان گذاشت که به تمام مکاتب فلسفی و تمام مذاهب احترام بگذارد و در آن هیچگونه تعصب و سرکوب سیاسی و مذهبی پذیرفتنی نباشد. خلق ایران بخاطر تاریخ خود و رنج کنونیش شایسته‌ی چنین رژیمی است. ما که از مبارزه‌ی دمکرات‌های ایرانی حمایت می‌کنیم و تمام توان خود را برای تسکین رنج قربانیان بکار می‌گیریم. شما را از همبستگی آگاهانه‌ی خود مطمئن می‌کنیم و می‌کوشیم که بخش بیش از فرانسه را در کنار خود بسیج نمائیم. از جانب کمیته بین‌المللی مبارزه با اختناق و برای دموکراسی در ایران کلود بورده

پیام ما کسیم رودنسون

تعبیر مختلفی از اسلام وجود داشته و امروز هم وجود دارد و در آینده، بسیاری تعبیر دیگر هم وجود خواهد داشت. معاویه و یزید هم به اندازه علی و حسین از اسلام یاد می‌کردند. ما حق داریم کسانی را ترجیح دهیم که اسلام را تکیه‌گاهی برای انتخاب ارزش-هائی که مورد قبول ما هم هست می‌دانند یعنی: انتخاب دمکراتیک و کنترل دائمی رهبران بوسیله‌ی مردم، آزادی‌های اساسی مردان و زنان، تضمین‌های جدی برای هر فرد در مقابل گرایش دائمی قدرت‌ها به آنچه در سنت اسلامی ظلم خوانده می‌شود، آزادی هر فرد در انتخاب این یا آن دین، این یا آن ایدئولوژی و تبلیغ آن بدون اعمال جبر اصل برائت در مورد هر متهم پیش از اثبات جرم، حق متهم در برخورداری از محاکمه‌ی بی‌طرفانه و استفاده از کمک مشاوران در دفاع از خود حق او در برخورداری از آزادی فکر مطالعه، گفتن و نوشتن، ایجاد مکانیسمی که بتواند حتی‌الامکان سوءاستفاده از ثروت و قدرت را محدود کند و غیره... درست نیست ادعا شود که اسلام با همه‌ی این‌ها مخالف است. برنامه‌ی شورای ملی

انقلاب ایران که آنهمه امید برانگیخته بود، مانند بسیاری از انقلاب‌های گذشته مرحله‌ی نکت‌بازی را می‌گذراند. قربانیان حکومت خمینی دیگر قابل شمارش نیستند. اعمال بی‌رحمانه‌ی این رژیم غالباً از حد بی‌رحمی‌هایی که همه ما در زمان شاه افشاء و محکومشان می‌کردیم فراتر می‌روند. این دیکتاتوری خونین، زمان محدودی دارد، هر چند، مانند بسیاری دیگر از دیکتاتوری‌های گذشته خود را جاودانه بیندارد. تا آنجا که من می‌دانم چند جریان در داخل ایران یا در خارج خود را برای جانشینی آماده می‌کنند. کسانی مثل من که جز مردم ایران نیستند، نباید در این مورد موضع بگیرند. دست بالا می‌توانند به بیان آنچه بیشتر مطلوبشان است و نیز به ابراز پیش‌بینی‌هایشان، آنهم با قید احتیاط فراوان بپردازند. می‌توان تصور کرد که در مرحله‌ی کنونی، مردم ایران، خوشبختانه یا متأسفانه تنها رژیمی را قابل قبول تلقی خواهند کرد که از رنگ و بوی اسلامی زیاد دور نماند. هر چند این امر را باید به نظر من، یک داده‌ی عینی تلقی کرد، اما باید بلافاصله افزود که در گذشته

پیام آلفرد کاستلر استاد فیزیک و برنده جایزه نوبل

کهولت سن مانع آنست که در مراسم چهارمین سالگرد انقلاب ایران در بین شما باشم. اما می‌خواستم به شما بگویم که خود را در این امید شما کاملاً شریک می‌دانم که به رژیم تروری که هم اکنون بر ایران حاکم است پایان داده شود و در کشور زیبایتان که چند سال پیش خوشوقتی دیدارش را داشتم دولتی روی کار آید که به آزادی شهروندان احترام بگذارد و همه‌ی اعتقادات را تحمل کند. "آلفرد کاستلر" از آکادمی علوم پاریس

مقاومت در این جهت بسیار پیشرفته است و بجاست که از این امر خوشوقت باشیم و آرزو کنیم که در آینده‌ای هر چه نزدیک‌تر یک رهبری وفادار به این برنامه و قادر به اجراء و گسترش آن در همین جهت، به پیروزی دست یابد، و در عین حال با عبرت از تجربه گذشته بتواند از موانع خطرناکی بپرهیزد که بسیاری از جنبش‌ها را در گذشته به ناکامی کشاندند و من از آن میان تنها به ذکر چشم و هم‌چشمی لجام‌گسیخته ناشی از تعصب، تبدیل انضباط لازم به استبدادی فراگیر و وسوسه‌های کیش شخصیت اکتفا می‌کنم. باشد که آزادی‌هائی که زمانی بدست آمده بود دوباره گل کند و شکوفا شود بی‌آنکه دوباره در صحرای سوزان تعصب و عدم تحمل از میان برود! زنده باد خلق ستایش‌انگیز ایران که شهدای بی‌شمارش باید توانسته باشند آینده‌ای آزاد و سعادت‌مند را برایش تضمین کنند روزی فرا خواهد رسید که باز چرم کاوه‌ی آهنگر برافراشته خواهد شد و ضحاک سرنگون خواهد گردید. زیرا همه‌ی مسلمانان همواره آگاه بوده‌اند که زیر پوشش اسلام هم ضحاک‌هائی وجود دارند. "ماکسیم رودنسون" رئیس تحقیقات مدرسه عالی تحقیقات

زمان به زیان جنگ طلبی خمینی است، جسورانه مخالفت‌ها را برانگیزیم

بقیه از صفحه ۳

کسانی که خود را جهت‌سرازی معرفی نکنند، قطع می‌شود!! (اطلاعات ۱۹ مرداد) هم چنین اعزام نونهالان دانش‌آموز بوسیله‌ی فریب و اجبار از سرگلاس درس و اعزام کارگران و کارمندان تحت انواع اجبار و تهدید به جبهه‌های جنگ، از کارهای روزمره‌ی رژیم ضدبشری خمینی در ۹ ماهه‌ی اخیر بوده‌است (برای توضیح بیشتر به مقاله‌ی اعزام اجباری به جبهه‌های جنگ در "مجاهد" شماره‌ی ۱۳۷ مراجعه کنید)

امروز بخلاف گذشته، خمینی دجال با مخالفت‌های جدیدی از سوی جناح‌هایی از رژیم در رابطه با ادامه‌ی جنگ روبرو می‌باشد. وجود چنین مخالفت‌هایی و بیم و هراس خمینی از آنها، در سخنانش خطاب به مسئولین تفتیش عقاید وزارت دفاع در دی‌ماه جاری بخوبی روشن است. او در قبال مخالفین جنگ از موضع کاملاً تدافعی و البته با سوءاستفاده از فرهنگ و سنن انقلابی اسلام در جهت سیاست‌ها و مطامع ضدانقلابی و ضداسلامی‌اش و حتی با تحریف وقایع تاریخی اسلام و قلب ماهیت و چگونگی مبارزات پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) چنین می‌گوید: "... البته ما صدمات به افراد را نمی‌توانیم جبران کنیم، لکن امید است که بعدها اشخاص دیگری بیایند، جبران کنند. آنهایی که بدبین هستند و در گوشه‌ای نشسته‌اند و روی نقطه‌ضعف‌ها انگشت می‌گذارند که چرا ما کشته دادیم؟ چرا وضع فلان است، از این چراها و جراه‌ها، هیچگاه آن طرفش را در نظر نمی‌گیرند که ما چه دریافت کرده‌ایم و البته این را ما و همه می‌دانیم که چقدر از ما کشته و معلول و مصدوم شدند، ولی ما ابتدا جنگ نکردیم، اگر آقایان می‌گویند که چرا شما با آمریکا درافتادید که این جنگ واقع شود که ما هم از اول می‌دانستیم که درافتادن با آمریکا و همه‌ی قدرت‌ها این توابع را دارد، ولی این اشکال است که این آقایان باید به خود پیغمبر بکنند که چرا با ابوسفیانها درافتادید تا عمویت و افراد بزرگی از اسلام کشته شوند و می‌بایست تسلیم می‌شدی و در گوشه‌ی خانه‌ات می‌نشستی و در این صورت به امیرالمومنین هم این

جنگ از یکطرف به حراج نفت ایران پرداخته و از طرف دیگر بناچار هر روز بیش از روز قبل به عارت و چپاول مستقیم مردم روی می‌آورد. رژیم خمینی بخصوص در ماههای اخیر جهت خریدهای تسلیحاتی خود بی‌محابا نفت ایران را به تاراج داده و در این راه از هیچ خیانتی فروگذار نکرده است. با فروش بی‌حساب و کتاب نفت، حتی به قیمت کمتر از نصف نرخ رسمی اوپک نه تنها نفت ایران را به تاراج داده و می‌دهد، بلکه با شکستن قیمت نفت در

حراج نفت اکتفا نکرده و به غارت مستقیم و بی‌واسطه‌ی مردم نیز نیاز دارد و اما از آنجائی که مردم نیز برای تامین هزینه‌های جنگ که نتیجه‌ای جز کشته‌شدن فرزندان و جوانان میهنشان در راه ارضاء شهوات قدرت‌طلبانه‌ی خمینی ندارد، هیچگونه تمایلی نشان نمی‌دهند؛ بناچار خمینی طبق روال معمول، با توسل به ارباب و تهدید و اعمال ولایت سفیانی خودش، می‌کوشد تا بخش باز هم بیشتری از هزینه‌های جنگ را از طریق افزایش بی‌سابقه‌ی مالیات‌ها و از کیسه‌ی مردم

رژیم جز در مقاطع کوتاه‌ها در نبوده و نخواهد بود که مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ را تنها از طریق افزایش صدور نفت، حل نماید. از همین رو خمینی برای ارضای جاه‌طلبی‌ها و جنگ‌افروزی‌هایش به حراج نفت اکتفا نکرده و به غارت مستقیم و بی‌واسطه‌ی مردم نیز نیاز دارد و اما از آنجائی که مردم نیز برای تامین هزینه‌های جنگ که نتیجه‌ای جز کشته‌شدن فرزندان و جوانان میهنشان در راه ارضاء شهوات قدرت‌طلبانه‌ی خمینی ندارد، هیچگونه تمایلی نشان نمی‌دهند بناچار خمینی طبق روال معمول، با توسل و ارباب و تهدید و اعمال ولایت سفیانی خودش، می‌کوشد تا بخش باز هم بیشتری از هزینه‌های جنگ را از طریق افزایش بی‌سابقه‌ی مالیات‌ها و از کیسه‌ی مردم زحمتکش تامین نماید.

بازارهای جهانی و کوشش در جهت متلاشی کردن سازمان اوپک، به یکی از بزرگترین خیانتها از طریق بهیغما دادن سرمایه‌های سایر کشورهای عضو اوپک دست زده است. با این همه اگر چه بازم رژیم خمینی به افزایش صدور نفت دست یابد. به هیچ روی قادر نخواهد بود از این طریق تمامی مشکلات اقتصادی خود را در رابطه با جنگ، حل نماید، چراکه اولاً با شکسته شدن جدی قیمت نفت، ممکنست حتی در صورت افزایش میزان صدور نفت هم کل درآمد حاصله از فروش نفت افزایش نیابد. ثانیاً در شرایطی که رژیم حتی برای بسیج نیرو به جبهه‌های جنگ با مشکلات زیادی روبرو شده و تهاجم و تجاوز به خاک عراق نیز کیفیت نظامی بالاتری را طلب می‌کند، نیازهای تسلیحاتی جبهه‌های

زحمتکش تامین نماید. بدیهی است که غارت و چپاول مستقیم مردم به نوبه‌ی خود، رژیم را با مشکلات جدیدی مواجه کرده و تنفر عمومی و همگانی از جنگ را افزایش خواهد داد. افلاس و درماندگی رژیم را در سخنان خمینی دجال در تاریخ ۱۰ بهمن ماه جاری که آمیزه‌ای از عجز و تهدید است بخوبی می‌توان دریافت: "... شما شاید بعضی هانتون بدانند که جنگ در هر روز جقدر خرج دارد جقدر مهمات می‌خواهد. جقدر مخارج روزانه است برای جنگ. نقش جنگ امروز در هر روز بیشتر از چند صد میلیون خرج دارد. ... البته ملت خیلی کمک می‌کند در همه‌ی امور. لکن اینطور نیست که کمک ملت کافی باشد. این مقدار از کمکی که کردند. دولت است که متکفل این امورهاست و مسئول این امور هست هر روز مواج با مشکلات عظیم است. ... این بودجه‌هایی که ملاحظه می‌کنید، این‌ها نمی‌توانند کار دولت را درست کند این ملت است که باید درست کند. ... فرض می‌کنیم که حضرت امیر امروز در ایران بود و رئیس دولت بود. ... اگر حضرت احساس این بلا را کرد چه می‌کرد؟ می‌نشست موعظه می‌کرد؟ ... امیرالمومنین با این کشوری که در معرض خطر است چه می‌کرد؟ همه‌ی افراد را می‌فرستاد جنگ با فشار. اموال اشخاصی که ثروتمند بودند و این‌ها را می‌گرفت و می‌فرستاد اگر نمی‌رسید عبا‌ی خودش را می‌داد عبا‌ی من را هم می‌داد کلاه شما را هم می‌داد. ... دولت خودش که چیزی ندارد، دولت می‌خواهد، دفاع از جان شما، از ناموس شما، از مال شما، از حیثیت شما بکند خوب، ما خودمون باید این کار را تکفل کنیم. ... هر روز چند صد میلیون خرج جنگ دارد. ... نفت بود که نفت را حالا نمی‌دارن ما استخراج کنیم زیاد. ... خوب مردم کمک کنند خیرخواه‌ها کمک کنند ما نصیحت می‌کنیم، استدعا می‌کنیم از شون که کمک کنید به این دولتی که مشغول گرفتاریش هست و

ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست وزیر عراق در ماه گذشته و انتشار بیانیه‌ی مشترک، دریچه‌ی جدیدی را برای مردم ایران بسوی صلح‌گشود و چشم‌انداز روشنی را از پایان جنگ، ارائه داد و از آنجا که این چشم‌انداز توسط برادر مجاهد مان بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ارائه شد، و از پشتوانه‌ی مقاومت سراسری و گسترده بر علیه دیکتاتوری و خفقان خمینی برخوردار است، طبعاً با چشم‌انداز آزادی ورهائی خلق درزنجیرمان نیز قرین می‌باشد.

جنگ نیز روز بروز فزونی خواهد یافت. هم چنین از آنجا که افزایش بی‌رویه‌ی صدور نفت افزایش شدید تورم را در اقتصاد ایران ببار آورده و رژیم را با مشکلات جدی و جدیدی مواجه ساخته (و در آینده نیز تشدید خواهد شد) دست خمینی برای آنکه تمامی نیازهای ارزی مورد نیاز جبهه‌های جنگ را از طریق نفت، تامین نماید کاملاً باز نیست. باین ترتیب، رژیم جز در مقاطع کوتاه قادر نبوده و نخواهد بود که مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ را تنها از طریق افزایش صدور نفت، حل نماید. از همین رو خمینی برای ارضای جاه‌طلبی‌ها و جنگ‌افروزی‌هایش به

اشکال وارد است که همه گفتند بگذار معاویه و اشعث در حکومت شام باقی باشد و همین مطلب اسباب این شد که اشخاصی مثل عمار و چندین هزار جمعیت کشته شدند و با این تفکر، اشکال به حضرت سیدالشهداء هم وارد است که چرا از مدینه آرام برخاست و با یک جمعیت کم به راه افتاد و در مقابل یک حکومت جبار ایستاد، پس اگر بنا باشد همه اینها و همه انبیاء در تاریخ اشتباه کرده باشند و می‌بایست با منطق این آقایان با قلدرها بسازند ما هم اشتباه کرده‌ایم و به آن اعتراف می‌کنیم. ... - خمینی برای مقابله با مشکلات اقتصادی ناشی از

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

زمان به زیان جنگ طلبی خمینی است، جسورانه مخالفت‌ها را برانگیزیم

این همه گرفتاری دارد...

می‌بینیم که اشتباهی ضدانقلابی خمینی سیری ندارد. علیرغم به تاراج دادن بی‌سابقه نفت، به فروش کم آن معترض است و از سوی دیگر حتی به وحشیانه‌ترین نوع غارت و چپاول مستقیم مردم، توسط رژیمش هم بسنده نکرده و وقیحانه حق خود می‌داند که کلاه مردم را نیز در جهت مطامعش تصاحب کند! با توجه به آنکه خمینی برای استمرار حکومت ننگینش چاره‌ای جز ادامه جنگ ندارد و همانگونه که هرگز قادر نخواهد بود دست از سرکوب گسترده‌ی عمومی مردم، بردارد دست از جنگ‌طلبی خود نیز نخواهد کشید. رژیم خمینی هر روز با تنگناها و مشکلات بیشتری در رابطه با جنگ، روبرو خواهد گشت که آنچه فوقاً به آنها اشاره کردیم فقط گوشه‌ای از آنها بود. از سوی دیگر بدیهی است که به موازات افشای ماهیت ضدبشری خمینی در رابطه با سیاست‌های داخلی‌اش و افشای ماهیت ارتجاعی جنگ‌طلبانه‌ی او در رابطه با جنگ ایران و عراق، انزجار و تنفر عمومی از جنگ، تدریجاً فزونی گرفته و مردم هر چه بیشتر خواهان پایان یافتن جنگ و برقراری صلح بین دو کشور می‌شوند. بخصوص طی ۹ ماه گذشته مخالفت و مقاومت در برابر اعزام به جبهه‌ها و سرپیچی و تعلل در انجام مأموریت‌های جنگی، شدت و حدت بیشتری پیدا نمود ولی از آنجا که در طول این مدت، علیرغم بر ملا بودن نیات پلید و جنگ‌افروزانگی خمینی، مردم به علت عدم وجود راه‌حلی واقعی، عینی و عملی، هیچ چشم‌اندازی برای پایان جنگ و ایجاد صلح، در مقابل خود نمی‌دیدند، طبعاً مخالفت‌ها و مقاومت‌های فوق‌الذکر نمی‌توانست متمرکز و متبلور شده و سمت و جهت مشخصی بیاید تا آنکه ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست‌وزیر عراق در ماه گذشته و انتشار بیانیه‌ی مشترک، دریچه‌ی جدیدی را برای مردم ایران به سوی صلح گشود و چشم‌انداز روشنی را از پایان جنگ ارائه داد و از آنجا که این چشم‌انداز توسط برادر مجاهدان به عنوان مسئول شورای ملی مقاومت و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ارائه شد، و از پشتوانه‌ی مقاومت سراسری و گسترده بر علیه دیکتاتوری و خفقان خمینی برخوردار است؛ طبعاً با چشم‌انداز آزادی و رهائی خلق در زنجیران نیز قرین می‌باشد. لذا بطور قطع و یقین و بدون هیچ تردیدی باید گفت: ملاقات فوق‌الذکر، یک "نقطه‌ی عطف" سیاسی در جریان جنگ ایران و عراق به‌شمار می‌رود، چرا که امروز و پس از این ملاقات، انگیزه‌های مبارزه‌ی جویانه با جنگ طلبی خمینی در میان مردم، ارتقاء یافته و می‌یابد. مهم‌تر آنکه این مخالفت‌های اجتماعی و مردمی دارای جهت و سمت معین سیاسی و برنامه‌ی مشخص و عملی نیز می‌باشد.

گر چه برای بارز شدن تمامی آثار و نتایج اجتماعی و سیاسی ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست‌وزیر عراق به زمان بیشتری نیاز است ولی گزارشات مختلف حاکی از آنست که آثار بسیار زیادی - چه در زمینه‌ی پائین آوردن توان بسیج رژیم و امتناع بیش از پیش مردم از شرکت در جنگ و چه در رابطه با افزایش ترمد و نافرمانی و فرار در جبهه‌ها - از خود

بجای گذاشته است. شکی نیست که یکی از مهم‌ترین دلایل ناکامی‌های رژیم در تهاجم اخیر، اوج‌گیری مخالفت با جنگ‌طلبی خمینی - تحت‌تاثیر چشم‌انداز ناشی از ملاقات فوق‌الذکر - در میان سربازان و پرسنل ارتش و تمامی کسانی که به اجبار به جبهه‌ها اعزام شده بودند، می‌باشد. چرا که امروز هر کسی که به نحوی با جنگ‌طلبی خمینی مبارزه می‌کند و هر جوان ایرانی که از رفتن به جبهه‌های جنگ سرباز می‌زند و یا هر سرباز و افسر آزاده‌ای که تن به جنگ‌طلبی خمینی ضدبشر نمی‌دهد و یا سلاح خود را به سمت فرماندهان مزدور و جنگ‌افروز خمینی نشانه می‌رود، بخوبی می‌داند که گام مثبت و موثری در راه رهائی تمامی خلق برداشته است و طبعاً با وجود افق و چشم‌انداز روشنی که صلح و آزادی را توأمان نوید می‌دهد، عواقب احتمالی چنین اقداماتی نیز بسیار پذیرفتنی‌تر است.

بنابراین صرف‌نظر از مسئله‌ی مقاومت که در جهت سرنگونی رژیم خمینی نقش "مینا"ی را ایفا می‌کند در رابطه با مسئله‌ی جنگ می‌توان گفت که اگر چه ممکن است رژیم به دلایل مختلف منجمله استفاده از پشتیبانی‌ها و امتیازهایی که از امپریالیست‌ها بخاطر شکنجه و اعدام و گشتار انقلابیون و سرکوب خلق ایران می‌گیرد و با اتخاذ سیاست‌های جدیدی در زمینه‌ی به

منافعی موقتی برای حفظ حکومت خمینی در برداشت ولی امروز بن‌بست ناشی از آن چنان او را احاطه کرده که هرگز امکان رهائی از آن برایش وجود ندارد. هم‌میهنان عزیز، مردم آزاده و انقلابی ایران، میلیشیای مجاهد خلق!

همانطور که در بالا اشاره شد، امروز خمینی خون‌آشام، در ادامه‌ی سرکوب وحشیانه‌ی مردم و نیروهای انقلابی و در رویای تجدید امپراطوری عثمانی جنگی خونین و پرخرج را بر تمامی خلق ما تحمیل کرده است، در عین حال، امروز مجموعه‌ی عوامل و شرایط، چنان دست بدست هم داده است که بیش از هر وقت دیگر، زمان به زیان جنگ‌طلبی خمینی عمل می‌کند، لذا:

اگر لازم و ضروری است که به گشتار هزاره‌ها جوانان میهنمان در جبهه‌های جنگ پایان داده شود، اگر می‌خواهیم که سرمایه‌های مملکت مان بیش از این - در ابعاد میلیارد، میلیارد - فدای امیال پست و جاه‌طلبانه‌ی خمینی نشود، اگر بایستی به آوارگی بیش از دو میلیون از مردم میهنمان پایان داده شود، اگر ویرانی و تباهی بیش از این برای این میهن و این خلق ستمکشیده، روا نیست،

مردم قهرمان ایران، سربازان و پرسنل انقلابی ارتش!

در هم شکستن سیاست جنگ‌طلبانه و ضد میهنی خمینی و سازمان دادن مبارزات منفی و مثبت بر علیه جنگ‌طلبی او - چه در صحنه‌ی اجتماعی و چه در صحنه‌ی نظامی، چه در جبهه و چه در پشت جبهه - یک وظیفه‌ی مبرم انقلابی است که دقیقاً در مسیر ارتقاء و تکمیل مقاومت مسلحانه‌ی سراسری در جهت قیام عمومی است.

بار دیگر تکرار می‌کنیم: زمان به زیان جنگ‌طلبی خمینی است، فعلاً نه و جسورانه مخالفت‌ها را سازمان دهیم، تا به کمک آن نیز در پرتو مقاومت مسلحانه‌ی سراسری راه را برای قیام عمومی خلق هموار سازیم.

اگر جنایات ضدبشری خمینی تحت پوشش جنگ، همه را بستوه آورده است، و اگر...

امروز باید بر علیه جنگ‌طلبی خمینی دجال جسورانه مخالفت نمود و همچنین بایستی جسورانه مخالفت‌ها و ضدیت‌ها را با جنگ جهت و سازمان داد. امروز مبارزه با جنگ‌طلبی خمینی و تلاش برای تحقق صلح، دقیقاً وجه دیگر و مکمل مبارزه برای آزادی و دمکراسی است.

مردم قهرمان ایران، سربازان و پرسنل انقلابی ارتش! در هم شکستن سیاست جنگ‌طلبانه و ضد میهنی خمینی و سازمان دادن مبارزات منفی و مثبت بر علیه جنگ طلبی او - چه در صحنه‌ی اجتماعی و چه در صحنه‌ی نظامی، چه در جبهه و چه در پشت جبهه - یک وظیفه‌ی مبرم انقلابی است که دقیقاً در مسیر ارتقاء و تکمیل مقاومت مسلحانه‌ی سراسری و در جهت قیام عمومی است.

بار دیگر تکرار می‌کنیم: زمان به زیان جنگ‌طلبی خمینی است، فعلاً نه و جسورانه مخالفت‌ها را سازمان دهیم، تا به کمک آن نیز در پرتو مقاومت مسلحانه‌ی سراسری، راه را برای قیام عمومی خلق هموار سازیم.

تاراج دادن نفت و امضاء قراردادهای اسارت‌بار دیگر بخصوص در ازاء دریافت سلاح‌های بیشتر، به برخی پیروزی‌های موضعی نیز دست یابد. ولی با توجه به تعادل گنونی مناسبات بین‌المللی چنانچه فراتر از پیروزی‌ها و شکست‌های موضعی خمینی به مسئله‌ی جنگ نگاه کنیم، در خواهیم یافت که امروز چه به اعتبار بستوه آمدن و ناراضی‌تبی بیش از پیش توده‌های ستم‌کشیده‌ی مردم از جنگ و چه به اعتبار چشم‌انداز صلحی که مجاهدین و شورای ملی مقاومت سنگ بنای آنرا گذاشته‌اند و چه به اعتبار ناتوانی و مشکلات و تضادهای مختلفی که گریبانگیر رژیم خمینی است، زمان دقیقاً به زیان جنگ‌طلبی خمینی به پیش می‌رود و تمامی نشانه‌ها حکایت از آن دارد که خمینی در بن‌بستی گرفتار شده که هیچ راه خروجی از آن ندارد. به عبارت دیگر گرچه خمینی همواره از جنگ برای سرپوش گذاشتن بر سایر مشکلات و بحران‌هایش استفاده کرده است ولی به موازات آن، جنگ نیز همچون مردابی هر روز بیشتر پیرامون او را فرا گرفته و امروز خمینی تا خرخره در آن فرو رفته است و هیچ راه نجاتی از آن برایش متصور نیست. کما اینکه اگر چه سیاست سرکوب گسترده و عمومی در قبال مقاومت سراسری خلق،

افشای بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ‌طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه‌ی مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

اطلاعیه‌های

سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

درباره

حمله مجدد دو سنگین پیشمرگه‌های مجاهد خلق

به پایگاه بناویله و به هلاکت رساندن

بیش از ۴۰ تن از پاسداران ظلمت و تباهی

عملیات پیشمرگه مجاهد شهید حسن محمد روحی

(کاک محمد)

بنام خدا

۳

بنام خلق قهرمان ایران

مردم آگاه و مبارز کردستان!

هموطنان ستم‌دیده‌ی کردستان!

رزمندگان مجاهد خلق، این فرزندان خلف انقلاب و پیام‌آوران آزادی و نور با سلاح ستم‌سوز خویش آتش خشم خروشان خلق را بی‌امان بر دشمنان بشریت، خمینی و پاسداران جنایتکارش بقیه در صفحه‌ی ۱۵

* * *

تهاجم انقلابی مشترک پیشمرگان حزب دمکرات

کردستان ایران و پیشمرگه‌های مجاهد خلق

به دو پایگاه جدید التاسیس در شمال کردستان

بنام خدا

۵

بنام خلق قهرمان ایران

هم‌میهنان مبارز و آگاه، مردم دلیر کردستان!

رژیم محتضر و رو به سقوط خمینی در آخرین روزهای حیات سراسر خیانت و جنایتش هر روز شدت اختناق و سرکوب را افزایش می‌دهد. تا خود را از شعله‌های رو به گسترش مقاومت سراسری در امان بدارد. اما انقلاب کبیر ایران، با گامهای استوار و سنجیده به پیش می‌رود و فرزندان دلیر خلق با ضربات بقیه در صفحه‌ی ۲

خاطره مجاهد شهید

سرگرد علی محبی، پیشتاز

پرسنل انقلابی ارتش گرامی باد

در صفحه‌ی ۲۴

هفتصد درصد افزایش یکباره عوارض در مورد آجر

نشانه دیگری از

افلاس و چپاولگری رژیم خمینی

در صفحه‌ی ۲۷

مصاحبه

برادر مجاهد مسعود رجوی

بار و زنامه یونانی "تاننا"

در صفحه‌ی ۱۶

اطلاعیه دفتر مجاهدین خلق در پاریس

رژیم خمینی طی یک هفته

۱۸۰۰ نفر دیگر از زندانیان سیاسی را

در زندان اوین تهران تیرباران کرد

محمود مشایخی و مرتضی موسوی از جمله این اعدام شدگان هستند.

بدنیال این گشتار و به منظور جلوگیری از بالا گرفتن اختلاف نظر در بین مقامات، خمینی در تاریخ ۱۸ بهمن "موسوی تبریزی" دادستان کل، "محمدی گیلانی" حاکم شرع و "لاجوردی" دادستان "دادگاه" های زندان اوین و گروهی از عوامل در زندان اوین را احضار کرده و شخصا سخت‌گیری‌های هر چه بیشتر نسبت به مخالفین و زندانیان سیاسی را مورد تاکید و پشتیبانی قرار داد.

وی در سخنانش که همانروز از رادیو تهران پخش شد گفت: من در اطلاعیه‌ی ۸ ماده‌ای خود (در مورد رعایت قانون) ضدانقلاب را استثنا کرده‌ام. دادگاه‌های انقلاب استثنا هستند و باید با جدیت عمل کنند و سستی نکنند.

دفتر مجاهدین خلق ایران - پاریس ۲۴ بهمن ۶۱

بر اساس گزارشات موثق از داخل ایران، رژیم خمینی در فاصله‌ی روزهای ۲ تا ۸ بهمن ۱۸۰۰ نفر از زندانیان سیاسی را در زندان اوین تهران تیرباران کرده است. اجساد اعدام شدگان بوسیله‌ی کامیون به گورستان بهشت‌زهرها منتقل شده و جهت دفن مخفیانه‌ی آنها ۲ روز گورستان بوسیله‌ی پاسداران تعطیل و از ورود افراد جلوگیری می‌شده است. بر اساس گزارش کارکنان گورستان بهشت‌زهرها، اکثر اجساد بر اثر شکنجه متلاشی بوده و پاسداران از تحویل آنها به خانواده‌هایشان که در گورستان اجتماع کرده بودند خودداری می‌کردند و تنها تعداد اندکی از اجساد را که سالم بودند به خانواده‌ی آنها تحویل داده و در مقابل هر جسد ۶۰۰۰ تومان از آنها دریافت می‌کردند. اسامی اعدام شدگان اعلام نشده‌ام، مینا اسکندری، مهدی نورانیان، هادی کیان‌زاد،

کمک‌های مالی خود را به حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌های آن را به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code guichet 03002
در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

اعدام انقلابی

دو تن از عوامل

اختناق

و جاسوسی

رژیم خمینی

در منطقه طوالش

در تاریخ ۲۷ / دیماه / ۶۱، یکواحد از رزمندگان مجاهد خلق مستقر در جنگل‌های کیلان پس از شناسائی، دو تن از عوامل اختناق و جاسوسی رژیم در منطقه طوالش، به نامهای محرمعلی بهرامی و عموی وی محرم بهرامی را در ۴ کیلومتر - "صیقل‌سرای پره‌سر" اعدام انقلابی نموده و به سزای خیانت‌هایشان رساندند. این دو مزدور نقش فعالی در همکاری با سیستم سرکوب ضد خلقی خمینی و منجمله شناسائی و تعقیب رزمندگان مجاهد و ایجاد جو اختناق در منطقه بعهدہ داشتند.

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان

BM BOX 9090
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

اتریش

Pf.: 6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه

B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رہائی بخش عمومی